

آموزشی، تحلیلی، اطلاع‌رسانی

دوره‌ی یازدهم، اردیبهشت ۱۳۸۵

شماره‌ی بی‌دریس ۴۹، بها: ۱۵۰۰ ریال

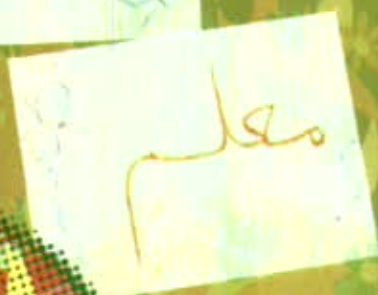
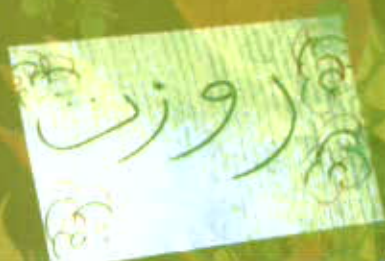
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان

آموزش و پرورش

[www.roshdmag.org](http://www.roshdmag.org)

issn: 1606-9226

# روزگار همیشه رشد



- نه «گفتن» بی احترامی نیست
- معلم‌ها عبور می‌کنند
- معلم موفق کیست؟
- گذر از پیله‌های سفید به پروانه‌های رنگارنگ
- از کار دستی تا حرفه‌وفن



## یادگار فرهنگی

کرمان \* بم \* ارگ بم ؛ تاریخ بناء : دوره‌ی ساسانیان \* تاریخ ماندگاری بنا : دوره‌ی

معاصر

ارگ به قلعه‌ای مستحکم گفته می‌شود که ویژه‌ی عمارت حکومتی است؛ که با توجه به نیاز حاکم وقت، قصر یا قلعه‌ی کوچکی در میان این قلعه‌ی بزرگ ساخته می‌شد. ارگ بم یکی از شاهکارهای معماری در هنر ایران است.\*

این مجموعه‌ی وسیع معماری در ادوار مختلف تاریخی مورد توجه اقتدار مختلف ایران و جهان بوده است. در معماری ایرانی، بناها، دارای استحکام، زیبایی و ایمنی هستند. معماران سستی ایران به شرایط اقلیمی و سادگی بنا توجه داشته‌اند.

حمید محمد ظاهری





آموزشی، تحلیلی، اطلاع‌رسانی  
دوره‌ی نازدهم، شماره‌ی بی‌دره‌ی ۴۹  
اردیبهشت ۱۳۸۵، بها ۱۵۰۰ ریال

برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش  
issn: 1606-9226  
www.roshdmag.org

مدیرمسئول: علیرضا حاجیان زاده

شورای برنامه‌ریزی: فرهاد بخشنده (سرمدبیر)

جعفر ربانی، حسن سالاری

مدیر داخلی: حسین نامی ساعی

ویراستار: حبیب یوسف زاده

طراح گرافیک: ناهید کاظمی

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

شمارگان: ۱۹۰۰۰ نسخه

نشانی پستی مجله: تهران - صندوق پستی ۱۶۵۹۵-۱۷۹

تلفن دفتر مجله: ۸۸۲۴۷۵۵

نشانی پستی امور مشترکین: تهران - صندوق پستی ۲۳۳۱/۱۵۸۷۵

تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۹۱۸۶ Email: info@roshdmag.org

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

- مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، با آموزش و دوره‌ی راهنمایی تحصیلی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. • مقاله‌های ترجمه شده با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله، خلاصه شده است، قید بفرمایید. • مقاله یک‌خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا حروف چینی شود. • نثر مقاله روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت شود. • محل قرار دادن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شوند. • مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده آزاد است. • مجله از بازگرداندن مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نشود، معذور است.

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، با این عناوین تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی (به صورت ماهنامه - ۹ شماره در هر

سال تحصیلی - منتشر می‌شوند):

- رشد کودک (برای دانش‌آموزان ابتدایی و پایه‌ی اول دوره‌ی ابتدایی)
- رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی ابتدایی)
- رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی ابتدایی)
- رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه)

مجله‌های عمومی (به صورت ماهنامه - ۹ شماره در هر سال

تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد مدیریت مدرسه، رشد معلم، رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا

مجله‌های تخصصی (به صورت فصلنامه و ۲ شماره در هر سال

منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله‌ی ریاضی، برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)، رشد برهان متوسطه (مجله‌ی ریاضی، برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه)، رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش جغرافیا، رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش زبان، رشد آموزش زیست شناسی، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش هنر، رشد آموزش قرآن، رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش زمین‌شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه‌ای، رشد مشاور مدرسه.

مجلسی رشد عمومی و تخصصی برای معلمان، آموزگاران، مدیران و کادر اجرایی مدارس

دانشجویان مراکز تربیت‌معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها

و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهرشمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۴۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و شماره: ۸۸۳۰۱۴۷۸

## فهرست

نقش ماندگار / ۳

یاد یار / محمد حسن مکارم / ۴

آذر خشن / حسن قلمی باوئل غلامی / ۱۳

«نه» گفتن بی احترامی نیست / سعید نادری بلداجی، آیت الله زمانی گندمانی / ۱۴

گذر از پيله های سفید به پروانه های رنگارنگ / التراحیم احمالی / ۱۷

بوشهر / مصور ملک عباسی / ۲۶

معلم موفق کیست؟ / بهروز نسیری / ۳۰

از کاردستی تا حرفه و فن (قسمت اول) / سروس غفاریان / ۳۱

یادگیری، گنج درون (گفت و گو با مهندس سعید قریشی) / جعفر ربانی، حسین ماسی عالی / ۳۴

بهترین هدیه ای که گرفته ام / فرشته یاربی / ۴۰

پابلو پیکاسو / فرهاد نامدار صفتانی / ۴۲

به دانش نبد ساد را دستگاه (قسمت سوم) / اصغر ندیری / ۴۴

هوش های چندگانه چیست؟ / یونس باغی زاده / ۶

نسبت و تناسب / خسرو داوودی / ۱۱

آموزش مهارت علمی بررسی: جمع آوری اطلاعات / احمد شریفان / ۱۹

سنگ های معجزه گر / ترجمه ی پروین قائمی / ۲۳

یک فعالیت برای تدریس «مفهوم حجم» / سید حسن / ۳۳

هندسه آموز / طغیان انگستری / ۳۸

فرهنگ فارسی اعلام / جعفر ربانی / ۴۱

روح تنها (داستان) / ترجمه ی حبیب یوسف زاده / ۹

من ستاره پردازم! / انتخاب: هم باقری آزاد / ۱۶

در این روزها (روز شمار اردیبهشت) / اصغر ندیری / ۲۴

معلم ها عبور می کنند / ۳۷

خانه ای برای نجار (Short story) / لیا حسی / ۴۶

جدول / نیلوفر شکری / ۴۷

برگه ی نظر خواهی / ۴۸

### شرایط

۱- واریز مبلغ ۲۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله در خواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰ بانک تجارت شعبه سه راه آفرایش (سرحد حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.

۲- ارسال اصل رسید بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک.

- نام مجله:
- نام و نام خانوادگی:
- تاریخ تولد:
- میزان تحصیلات:
- تلفن:
- نشانی کامل پستی:

..... استان: .....

..... شهرستان: .....

..... خیابان: .....

- پلاک:
- مبلغ واریز شده:
- شماره و تاریخ رسید بانکی:

..... امضا:

نشانی: تهران - صندوق پستی مشترکین ۱۶۵۹۵/۱۱۱  
 www.roshdmag.org  
 نشانی اینترنتی:  
 Email: info@roshdmag.org  
 پست الکترونیک:  
 تهران مشترکین: ۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۳۳۵۱۱۰  
 پیام گیر مجلات رشد: ۸۸۲۰۱۴۸۲ - ۸۸۲۹۳۳۳

یادآوری:  
 • هر سه برگشت مجله در صورت حیوان و کامل بودن نشانی، بر عهده مشترک است.  
 • برای شروع اشتراک مجله از زمان وصول برگ اشتراک است.  
 • برای هر عنوان مجله برگ اشتراک جداگانه تکمیل و ارسال کنید (معموبر برگ اشتراک نیز مورد قبول است).





## نقش ماندگار

### انما بعثت معلما

برای ورود به این یادداشت که با روزهای بزرگداشت مقام و جایگاه ولایتی معلمان، تقارن پیدا کرده است به دنبال جمله‌ای مناسب و متناسب، منابع چندی را ورق زدم، اما برای بیان ارزش هنر معلمي، جمله‌ای رساتر و کامل‌تر از کلام پیامبر خدا (ص) ندیدم.

هنگامی که خاتم پیامبران (ص)، بعثت خود را با نقشن معلم بودن همراه می‌داند، می‌توان نتیجه گرفت که تمام پیامبران تشریعی و تبلیغی برای همین نقش، بعثت یافته‌اند و اگر از زاویه‌ی دیگری بنگریم، پیامبران چه برای افرادی محدود و چه برای تمام بشریت در همه‌ی اعصار، معلم بوده و هستند. پس معلمی تنها نقشی است که از ابتدا تا انتهای خلقت مشاهده می‌شود و این موضوع برای همه‌ی کسانی که هنر معلمي را برای خود برگزیده‌اند، پشتوانه‌ای از عزت و افتخار به همراه دارد.

نکته‌ی مهمی که در پس همه‌ی تعریف‌ها و مقایسه‌ها وجود دارد و گاهی از نظرها دور می‌ماند، ارزش تلاش مضاعفی است که معلمان برای یادآوری گذشته و ترسیم آینده، در زمان حال به خرج می‌دهند تا سلسله آینده بتواند با تکیه بر این دانش‌ها و مهارت‌ها، گام‌های مطمئنی به طرف فردایی مطلوب بردارد. معلمان همواره با ایستادن در نقطه‌ی عطف حرکت بشریت، از ناطقین گذشته و آینده را برقرار می‌سازند و با ایناری مثال‌زدنی از جان و مال خود، کوشش می‌کنند به تکلیفی که بر عهده دارند، جامه‌ی عمل ببوشانند.

با این همه، هیچ قلم و زبانی قادر نیست تلاش هنرمندان عرصه‌ی تعلیم و تربیت را در مقیاس واقعی ارج گذارد و چنانچه مطلبی نگانسته و با کلامی گفته می‌شود، تنها با این استدلال است که هر کس به فراخور درک خود از موضوع معلمي، تلاش می‌کند تا گوشه‌ای از دین خود را به این بزرگواران، ادا کند.

سردبیر





محمد حسن مکارم



# تجربیات

چندی پیش بسیم که یک دانش‌آموز سال سوم ابتدایی گفته بود: «معنی ما هیچ نمی‌فهمد». بر آنستم و خواستم علت را خوبا بسود معلوم شد که آموزگار محترمه، یکی از دانشمندان علوم تجربی را نام برده و اختراع الکتریسیته را به او نسبت داده بود. اما این کودک، از بررسی سیده بود که مخترع اصلی، دانشمند دیگری است، پیامبر است، معلم پدر را بر حیح داده و آموزگار خود را در کلاس مورد اهانت قرار داده بود. سپس شاهان از کار خود، مآخرا را در منزل برای مادرش تعریف کرده بود. والدین کودک نیز، با او هم‌نوا شده بودند.

از خود پرسیدم: چرا آن ها فرزند خویش را با مقام و جایگاه رفیع معنی آشنا نکرده‌اند؟ چرا آداب سخن گفتن با مربی و معلم خود را نه او بی‌سوجه‌اند؟ چرا گفته‌اند: فرزند عزیز ما! این همان آموزگاری است که تو و چندها قبل تو را از تاریکی چهل به سر جسمه‌ی نور و روشناسی رسانده است.

این در حالی بود که آموزگار مورد نظر، پیش از

تالیف نموده و حق خود را بر سر دفاع از شکست اهل سنت ابراز کرده است.

این کتاب، تحت عنوان «آداب تعلیم و تعلیم در اسلام» توسط حجه الاسلام دکتر محمد باقر حجتی به فارسی درآمده، و حدود ۳۰ مرتبه تجدید چاپ شده و در آخر ترجمه‌ی فارسی آن، ده‌ها کتاب بی‌ارمون تربیت اسلامی و روانشناسی اسلامی معرفی شده و فصل‌های هریک ذکر شده است.

چند جمله از این کتاب را با هم می‌خوانیم: شاگرد باید، پیش از سایر اصناف، در برابر معلم و استاد خود تواضع و خاکساری کند؛ باید بداند که اظهار ذلت و سرفرازی در برابر استاد، نوعی عزت و سرفرازی است... پیامبر (ص) فرمود: کسی که به دیگری چیزی بیاموزد، صاحب اختیار او

۲۲ سال سابقه‌ی کار دانش و شاگردان اولیه‌ی او سندی مشاغل اجتماعی گوناگونی شده بودند. همچنین معلوم شد که حق با آموزگار بوده و پدر آن دانش‌آموز اسباب کرده بود و اصلاً این مسأله کوچک نمی‌توانست مآلک از زبانی معلم باشد.

همان‌طور که از قدیمه گفته‌اند: احترام امام‌زاده را مسئولی آن نباید سگه دارد، از خود می‌پرسم، حرمت آموزگار در جامعه‌ی ما با کسب؟ با اولیا دانش‌آموزان؟ با اولیا مدرسه؟ با رسانه‌های گروهی؟ با روحانیون؟...؟ نکنند فرهنگ اسلامی با فرهنگ می و ناسانی ما در این باره، فاقد عنای لازم است؟

سری به کتاب نفیس «شمیه المرید» نوشته‌ی مرحوم «شهید ثانی» زدم که در حدود هفتاد سال پیش به تگارتش درآمده است. او همان بزرگ‌واری است که پیش از ۶۰ اثر علمی

می شود [من علم احداً مساله ملک رقه] ...  
 ... شاگرد نباید رای استاد را مردود ساخته، و با او امرانه برخورد کند؛ باید در تمام امور زندگی مطیع استاد بوده، زمام همه شؤون حیاتی خود را کاملاً در اختیار او فرار دهد، گرچه نظر او با نظر استاد تفاوت داشته باشد.

نباید از دعای به استاد در طول زندگانی خود غافل بماند؛ اگر کسی در غیاب او، از او به بدی یاد کرد، از او دفاع نماید و به خاطر غیبت از استادش، اظهار خشم و تفرق نسبت به گوینده نماید ... خویشان و فرزندان استاد و دوستان او را، چه در حال حیات و چه پس از مرگ او، تحت مراقبت خویش قرار دهد؛ پس از مرگ، بر فراز او حاضر شود و از خدا طلب مغفرت بپوشانند.

شاگرد باید ارشادات استاد را، اگرچه با تویخ و گزندگی همراه باشد، نعمت و احسان او بر شمارد، چرا که استاد به او توجه و التفات داشته است... اگر برای کسب اجازه، ناگزیر است حلقه در برابر بگوید، بیش از ۳ بار این کار نکند؛ باید از آهسته گویندن شروع کند؛ یعنی نخست باناخن، سپس با سر انگشتان، و در مرحله سوم، حلقه‌ی در اندک اندک و آهسته بگوید...

اگر استاد دچار سبب لسان شد و واژه‌ای از زبان او خارج گردید (به علت جابه‌جا شدن حروف به هنگام صحبت) که مفهومی زنده‌ای داشت، شاگرد نباید بخندد و این لغزش را دستاویز برای تسمخر استاد قرار دهد... لازم است شاگرد، در مسیرهای ناشناخته و خطرناک در جلوی استاد راه رود... یا قبل از استاد در کلاس درس در انتظار او بنشیند.

این عباس برای کسب علم، هر در خانه زید بن ثابت می‌نشست، تا او از خواب بیدار شود؛ مردم به او می‌گفتند: آیا می‌خواهی ما او را بیدار کنیم؟ می‌گفت: نه. گاهی آنقدر به انتظار استاد می‌نشست که سوزش حرارت آفتاب، او را سخت می‌آزرد.

شهید ثانی کلیه‌ی مطالب این کتاب را بر اساس آیات و روایات و نیز سنت و سیره اولیاء خدا و علماء بزرگ اسلام نوشته است، و چیزی فروگذار نموده است.

از جمله کسانی که از کودکی، با این فرهنگ تربیت یافتند و آداب تعلیم و تعلم صحیح را یاد گرفتند و تا پایان عمر به کار بردند، استاد فرزانه، شهید مرتضی مطهری است، گوشه‌هایی از کمالات اخلاقی این بزرگ مرد را به نظاره می‌نویسیم:

**الف -** کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» اولین اثر علمی استاد است که در سال ۱۳۲۲ و در سن سی و چند سالگی به نگارش درآمد. صفحه‌آرایی این کتاب، بسیار بدیع و دیدنی است. استاد مطهری متن اصلی کتاب را که به خط تالیف طباطبایی است، به صورت یکی دو خط در بالای هر صفحه آورده، سپس بقیه حضرت را در هر خطی نوشته و شرح مفصل خود را در دین کلام تالیف، صورت بانویس مرقوم داشته است.

ایشان حاضر نشده است مطالب خود را بالاتر و یا حتی هم‌ردیف مطالب استاد قرار دهد؛ هرگز فراموش نکرده که او شاگرد است و علامه مقام معلمی او را دارد.

شایان توجه است که علامه، خود، شاگرد مرحوم قاضی طباطبایی بوده است. پس از مرگ آقای قاضی، شخصی تیشه عطری به علامه تقدیم نمود، ایشان فرمودند: دو سال است که استادم، مرحوم قاضی، از دنیا رفته است و از آن وقت تاکنون عطر استعمال نکرده‌ام.

استاد مطهری اختلاف نظرات خود با مرحوم علامه را در پاورقی جلد ۴ اصول فلسفه منظور نموده، و انتقادات شدید خویش را بر کتاب «راه طی شده» در کتاب «نبوت» آورده است. ب- وقتی در سال ۱۳۴۲ تصمیم به چاپ و نشر کتاب «داستان راستان» می‌گیرد.

دوستانش او را از این کار منع می‌کنند و می‌گویند، چنین کاری در شأن مقام علمی او نیست، اما مطهری اعتنای نمی‌کند و حلاً این داستان‌های آموزنده را در جامعه‌ی آن روز احساس می‌کند و در مقدمه‌ی آن می‌نویسد:

این تفکر، نوعی بیماری است که بعضی مقیاس بزرگی و کوچکی کارها را عشقگی و سادگی آن می‌بندارند. این کتاب در سال ۱۳۴۴ پرنده‌ی جایزه یونسکو شد.

ج- شهید مطهری بنده‌ی مخلص خدا بود. هم و غمش دفاع از حریم فرهنگ اسلامی و معرفی اسلام عالم محبتی به مردم، بویژه جوانان، در وجود حکیم طاعت بود. زمانی که افکار بر سر سی و کمیونیستی از سوی سوسی و الحرفات اخلاقی از جانب غرب،

کشورمان را تهدید می‌کرد، دورانی که ساواک در هر کجای و برون در اعتراضات عالمان و روشنگران بود و می‌آرزیدان نمی‌کنند، دفاعی از حق است و می‌کند الهی، که در ابتدای که به حال الهی به آن اشاره می‌کرده، حسین است: «این بند را حدود ۲۰ سال پس که قلم به دست گرفته‌ام، بنام حسری که در همه‌ی نوشته‌هایم، آن را هدف قرار داده‌ام، پاسخ کوبی به سوال‌هایی است که در زمینه‌ی مسائل اسلامی، در عصر ما مطرح است.» به راستی که قلم، قاضی از بیان مقامات و کمالات اوست، خدایش رحمت کند و راهش بر رهرو باد.

به حاست که آداب نسا کردی را از او بیاموزیم. به حاست که خانواده‌ها، فرزندان خویش را آداب تعلیم و تربیت و آیین زانوردن در محضر معلم بیاموزند و به آنان بیفهمند:

**اقتسادگی آموز اگر طالب فنیسی**  
**هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است**  
 بر آریاب رسانه‌هاست که گذشته درخشان قوم ایرانی را کماکان زنده نگه دارند، که چگونه در برابر استاد زانو می‌زدند تا چیز بیاموزند، گستاخی و تهدید استاد با سلاح، که ارمغان آن سوی آب‌هاست، با فرهنگ اسلامی و منی ما فاصله‌ی بسیار دارد، آن‌ها، الله.

منبع:  
 ۱- شهید ثانی، عنیه المرحوم آداب تعلیم و تربیت در اسلام، ترجمه‌ی محسن‌نور حسینی مؤسسه‌ی نشر اسلامی، قم، ۱۳۶۳.  
 ۲- مطهری، مرتضی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، نشر صدرا، ۱۳۷۲.

در حدیث، در بیان، در حدیث



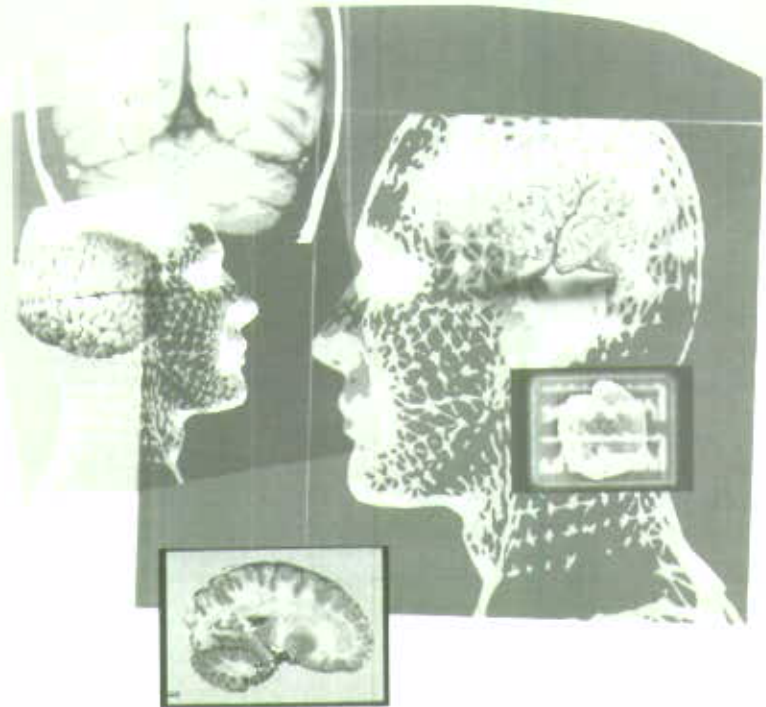


# هوش‌های چندگانه چیست؟

## کاربرد هوش‌های چندگانه در کلاس درس (۳)

### اساره

در شماره‌های قبل به معرفی نظریه‌ی گاردنر و بررسی کاربرد آن در آموزش پرداختیم. همان‌طور که اشاره شد، کاربرد هر نظریه هوش‌های چندگانه‌ی خود مدلی برای آموزش و برنامه‌ریزی درسی ارائه نداد اما آموزگاران از این نظریه بسیار استقبال کردند و آن را به روش‌های مختلف در آموزش دانش‌آموزان به کار بردند که به معرفی بازدهی از روش‌های ابتدایی آن‌ها و مدارس VII پرداختیم. در این شماره سعی می‌شود، مثالی عملی که بر پایه‌ی نظریه هوش‌های چندگانه طراحی شده است را برای درس ریاضی، خاصیت عمود منصف، باریزه خط ارائه دهیم. برای این منظور، سه طرح درس ارائه می‌دهیم که هر یک می‌تواند در رنگ‌های مختلف درسی ارائه شود.



### فعالیت ۱: عمود منصف باریزه خط

هدف کلی: آشنایی با خواص عمود منصف

اهداف ویژه: آشنایی آموزگاران با استفاده

از رنگ‌های هوش‌های چندگانه

ساختن وسایلی می‌سازند و بررسی می‌کنند که

بسیار، مناسب و عمود منصف وارد می‌شوند آن

بر چه سبک‌هایی است

آشنایی آموزگاران با استفاده از این سبک و

با کمک خط کش درسی باشد که هر نقطه روی

عمود منصف باریزه خط، از دو سر آن باریزه خط به

یک فاصله است

هوش‌های به کار گرفته شده

۱- هوش بصری - حسی ۲- هوش شنیداری

۳- هوش منطقی ۴- هوش درونی

۵- هوش اجتماعی ۶- ریاضی ۷- هوش

کلامی-زبانی

وسایل مورد نیاز: خط کش، کاغذ مربع

شکل رنگی، وسایل تحریر، مداد و دست‌مال

مکان اجرا: کلاس ریاضی

روش اجرا: آشنایی آموزگاران با اهداف تک

برگ کاغذ مربع شکل رنگی مطابق شکل ۱

آماده کنند و آن را از قطر تا برید آمدن باریزه خط

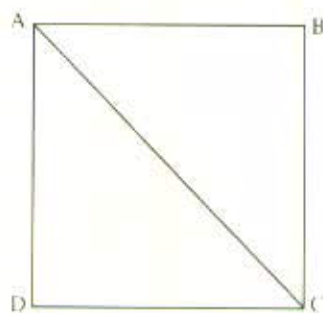
از دانش‌آموزان بخواهند این وسایل را آماده

کنند تا با کمک عمود منصف مواجه شوند (۱)

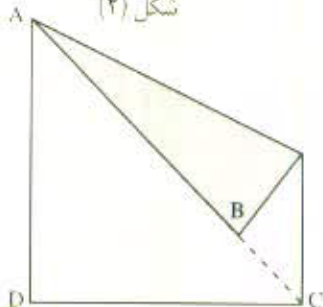


سیس رأس های B و D را تا لبه ی AC تا بزنید.

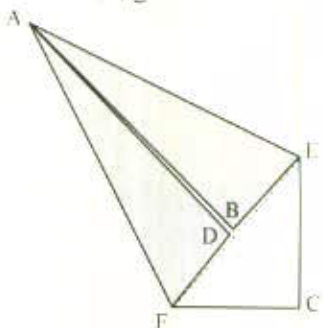
شکل (۱)



شکل (۲)



شکل (۳)



شکل (۴)



(مانند شکل های ۲ و ۳) پس از این مرحله

باید با برش EF مثلث EFC را جدا کند. تا شکل حاصل شود. برای آن که شکل بهتر مشخص شود، دانش آموزان می توانند پس از تا کردن رأس های B و D آن ها را با چسب بچسبانند.

از دانش آموز بپرسید: مثلث AEF چه نوع مثلثی است؟ چرا؟ دانش آموزان باید بتوانند با تا کردن و منطبق ساختن اضلاع AF و AE، دریابند که این مثلث متساوی الساقین است. دوباره سوال کنید: فکر می کنید AH چه خطی است؟ آیا قاعده را نصف می کند؟

آیا این خط ارتفاع نیز می باشد؟ دانش آموزان می توانند با استفاده از تقاله و گونیا دریابند که این خط علاوه بر آن که میانه است، ارتفاع و نیم ساز نیز می باشد. حال از دانش آموزان بخواهید روی میانه نقطه ای دلخواه را به دو رأس مجاور قاعده، یعنی F و E وصل کنند. سبب از آن ها بخواهید طول پاره خط ها را اندازه بگیرند. آیا برابرند؟ از دانش آموزان بخواهید تقاطعی دیگر روی این خط در نظر بگیرند و همین عمل را تکرار کنند. به چه نتیجه ای می رسند؟ با این تمرین، کودکان درمی یابند که اولاً: عمود منصف و میانه و نیمساز وارد بر قاعده در مثلث متساوی الساقین برهم منطبق اند. ثانیاً: هر نقطه روی عمود منصف پاره خط، از دو سر آن به یک فاصله است. پس از این تمرین می توانید از آن ها بخواهید عمود منصف یک پاره خط دلخواه را رسم کنند و عمل اندازه گیری را انجام دهند. از آن ها بپرسید، آیا به همین نتیجه می رسند؟

## فعالیت ۲: عمود منصف پاره خط

هدف کلی: آشنایی با خواص عمود منصف

اهداف ویژه:

۱- در پایان درس دانش آموزان با جنبش و ورزش درمی یابند که هر نقطه روی عمود منصف پاره خط، از دو سر آن به یک فاصله است.

۲- دانش آموزان از خاصیت عمود منصف برای تنظیم فاصله هنگام توپ بازی استفاده می کنند.

هوش های به کار گرفته شده:

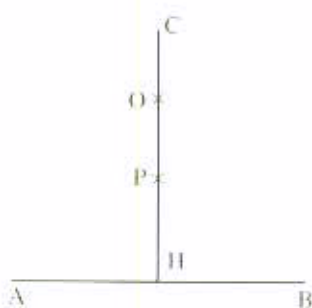
۱- هوش بدنی - جنبشی ۲- هوش بصری - فضایی ۳- هوش منطقی - ریاضی ۴- هوش کلامی - زبانی شد هوش میان فردی - هوش درون فردی

وسایل مورد نیاز: توپ - گچ - طباط

مکان اجرا: حیاط مدرسه (زنگ ورزش)

روش اجرا:

از دانش آموزان بخواهید با کمک گچ و طباط عمود منصف یک پاره خط را رسم کنند. (می توانند در صورت امکان از خط کنسی هایی که برای بازی والبال و باسکتبال در حیاط رسم شده است نیز استفاده کنند). شکل (۵)



شکل (۵)

حال از یکی از دانش آموزان بخواهید در نقطه دلخواه O واقع در عمود منصف بایستد و با قدم هایش با نقطه B را بسنجد اقدام ها باید بدون فاصله برداشته شود! سپس همین عمل را تا نقطه ی A انجام دهد. آیا تعداد قدم ها یکسان است؟ دانش آموزی دیگر می تواند از نقطه ی P بایستد و همین عمل را انجام دهد. چه نتیجه ای حاصل می شود؟

حال به دانش آموزان بگویید اگر مثلاً: مریم و کتی در نقاط A و B بایستند و زهرا بخواهد با توپ به آن ها پاس بدهد به طوری که فاصله اش از مریم و کتی یکسان باشد باید در کدام نقطه بایستد؟

سبب به آن ها بگویید، اگر بخواهیم فاصله خود را با دو بازیکن طوری تنظیم کنیم که مسافت ما از آن دو، برابر باشد باید روی عمود منصف پاره خطی که نقاط ایستادن دو بازیکن را به یکدیگر وصل می کند، بایستیم.

شکل (۹)



$$\triangle ABC = \triangle ABD$$

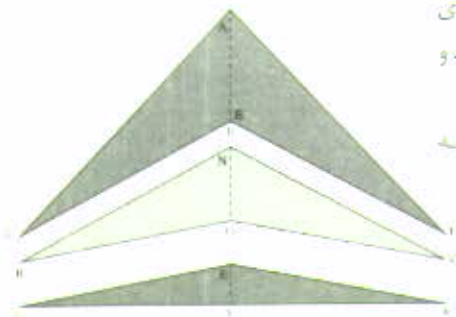
$$\triangle PRQ = \triangle PQS$$

$$\triangle EGE = \triangle EFK$$

چون هر نقطه روی عمود منصف باره خط،  
 از دو سر آن به یک فاصله بوده است.

می توانید از کودکان بخواهید باره خط های  
 AB و NQ و EF را بکشند تا متساوی ها جدا شوند.  
 سپس از آن ها بخواهید تا کنار هم قرار دادن  
 قطعات و استفاده از رنگ ها اشکال مستوی  
 ایجاد کند. (شکل ۱۰)

شکل (۱۰)

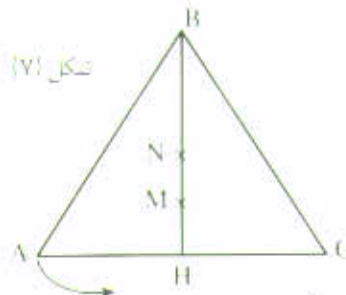


مع

آ. جان حسین براد، علامه رضا و دایمی، تهران، مؤسسه  
 نظریه هوش های خلاقانه، کار بدو و کاربرد آن در آموزش،  
 تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، تیرماه، ۱۳۸۱

بخواهید یکی از مثلث ها را بطوری تا بزنند که  
 اضلاع مساوی آن (یعنی AB و BC) بر هم  
 منطبق شود و خط BH ظاهر شود. (شکل ۷)

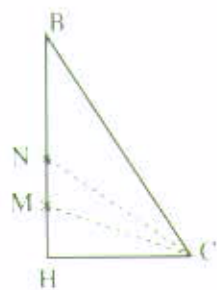
از دانش آموزان بخواهید تا خطی



شکل (۷)

تا بخواهند بررسی که در رنگ ریاضی انجام  
 داده اند باید در یاد کنند که این خط عمود منصف  
 باره خط AC است. حال از آن ها بخواهید دوباره  
 مثلث را بطوری تا بزنند تا نقاط A و C بر هم  
 منطبق شوند در این حال دو نقطه دلخواه M و  
 N را روی عمود منصف باره خط AC انتخاب و  
 با خط کس به نقطه B وصل کنند. (پاره خط های  
 MC و NC در شکل ۸) سپس آن ها را بزنند و  
 از محل برش، باز کنند. (شکل ۹)  
 در این صورت دانش آموزان با تجربه  
 درمی یابند که:

شکل (۸)



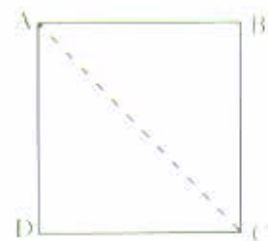
## فعالیت ۲: عمود منصف باره خط

هدف کلی: آشنایی با خواص عمود منصف

با فعالیت هنری

اهداف ویژه:

۱- از این مشاهده که هر نقطه روی  
 عمود منصف باره خط از دو سر آن به یک فاصله  
 است استفاده و مشق هایی برای ایجاد می کنیم.



شکل (۱۶)

هوش های به کار گرفته شده: ۱- هوش  
 خبری - فضایی ۲- هوش منطقی - حسابی ۳-  
 هوش منطقی - ریاضی ۴- هوش کلامی - زبانی  
 ۵- هوش بین فردی ۶- هوش درون فردی  
 وسایل مورد نیاز: کاغذ مربع شکل رنگی  
 آنک طرف آن مقعد و طرف دیگر رنگی باشد  
 قیچی، خنجر و خط کش  
 مکان اجرا: کلاس هنر  
 روش اجرا:

از کودکان بخواهید کاغذ مربع شکل رنگی  
 که یک طرف آن مقعد است را از قطر تا بزنند  
 (شکل ۱۶) و آن را از محل قطر AC بزنند. دو  
 مثلث ایجاد می شود. از دانش آموزان بخواهید  
 آن ها چه نوع مثلث هایی هستند؟ باید اشاره کنند  
 که هر یک از آن دو مثلث، مساوی الساقین و  
 قائم الزویه هستند. حال از قرا گیرندگان





# روح تنها

نویسنده: محمد نصرالله خان  
(نویسنده‌ی پاکستانی)  
ترجمه‌ی حبیب یوسفزاده

چون سالیان دراز به سختی کار کرده بودند و مطالب کتاب‌ها را بارها و بارها تکرار کرده بودند. سعی می‌کردند آدم‌های خردمندی جلوه کنند، اما حرف‌های کم‌مایه و افکار کوتاهشان همه چیز را لو می‌داد. کاملاً معلوم بود که چینه‌ی معلومات سطحی آن‌ها با حضور آن معلم جوان ترک برداشته است. در او چیزهایی بود که از دیگران متمایزش می‌کرد. این موضوع منشأ تنفر محبت بی‌دریغ اطرافیانش بود، حدیبا وسطی در کار نبود. آزردهنده‌ترین خصوصیت او این بود که در برابر کج رفتاری دیگران عکس العمل نشان نمی‌داد. انگار سیطره‌ی قدرت روحی او ورای هیجان‌های سرکش اطرافیان بود و آن‌ها را در خود هضم می‌کرد.

رییس آموزشگاه شیطان بی‌رحمی بود که لطف یا بی‌مهری او می‌توانست معلم‌های تازه وارد را به ادامه راه امیدوار یا از آن مأیوس کند. با این‌که دکترا‌ی ادبیات داشت، به درد لای جزز هم نمی‌خورد و صرفاً بتی بود که دوست داشت دیگران ستایشش کنند و جانش به موقعیت شغلی و مزیش بسته بود. خلاصه در آن آموزشگاه، همه چیز بود غیر از علم و فضیلت.

برای همین، آن ناعنه‌ی جوان برانشان غیرقابل تحمل شده بود. عیب دیگرش این بود که ذهنش برخلاف ذهن اطرافیان به بستنی گرایش نداشت.

چرا نیست به او حسادت می‌کردم؟ من خواهان یک آینده‌ی امن و موفق بودم و هیچ فرصتی را برای تمسق و جلب محبت مقامات

نمی‌توانستم آنچه را که می‌دیدم باور کنم. آیا جالب نیست، وقتی که سعی می‌کنیم، پادبعضی‌ها را در تاریخ‌ترین زوایای ضمیرمان مخفی کنیم، ناگهان بی‌آن‌که متوجه باشیم، پیدایشان می‌شود؟ همین که خود را قانع می‌کنیم: موهایمان را در آسیاب سفید نکرده‌ایم، یک نفر از راه می‌رسد و آتش عذاب وجدانمان را شعله‌ور می‌کند. به هر حال، فرار از محکمه وجدان ممکن نیست. دادگاهی در درون افراد وجود دارد که بدون هر ملاحظه‌ای حکم خود را صادر می‌کند. هر قدر هم که سعی کنیم، این ندای درونی را خفه کنیم و برای وجدان بیدار خویش لالایی بخوانیم، باز هم حریفش نمی‌شویم و سر به شورش برمی‌دارد. حتی گاهی افسار پاره می‌کند و دنیای ما را به هم می‌ریزد. و خطوطی متضخک بر چهره‌هایمان باقی می‌گذارد.

راستی چرا سرو کله‌ی او در این لحظه از زندگی‌ام پیدا شده است؟ آن هم درست وقتی که داشتم فراموشش می‌کردم. چقدر تأسف‌انگیز است که درست در همین یک لحظه، لحظه‌ای از میلیون‌ها لحظه‌هایی که پشت سر گذاشته‌ام، می‌خواهد زحمات سی ساله‌ام را به باد دهد. این لحظه‌ی بی‌رحم کاری به زحمت‌ها و شب‌های بی‌شمار، بی‌خوابی کشیدن‌های من ندارد. آیا بدبختی نیست که آدم سی سال از عمرش را صرف فراموش کردن یک نفر بکند؟

آیا خنده‌دار نیست، در حالی که کنار دختر بزرگم ایستاده‌ام، از طوفان احساسات گزنده بر خود بلرزم؟ او به من چه خواهد گفت اگر بگویم، حضور مردی که آن‌جا در تاریکی شب نشسته است، قلبم را چنگ می‌اندازد؟ او با همان هیبت سقراطی خویش نشسته و بی‌اعتنا به پیرامون خویش در خلسه فرو رفته است. من می‌توانم بین هزار نفر، او را با یک نگاه بشناسم، با همان طرز سیگار کشیدن قدیمش و پک‌زدن‌های خاص خودش. یک دستش را زیر بغل زده و دست دیگریش را زیر چانه قرار داده و نگاهش به افق دور خیره مانده است. تنها فرقی که کرده این است که حالا دست‌هایش می‌لرزند و حتی از این فاصله دور می‌شود لرزش آن‌ها را تشخیص داد. موهای سفیدش نیز پریشان‌تر از گذشته است.

دو تصویر روشن از شخصیت او برای همیشه در ذهنم نقش بسته است. تصویر اول: یک مرد سرزنده و باهوش با چشم‌های نافذ و دهانی آکنده از حرف‌های حکیمانه و مسحورکننده. تصویر دوم: مردی متفکر با موهای جوگدمی، غرق در اسرار دنیای خویش، همچون زاهدی بیرو خسته و بریده از دنیا. سی سال پیش وقتی شروع به تدریس کرد، چقدر با نشاط و الهام‌بخش بود. او ذاتاً یک معلم آفریده شده بود. علاوه بر این‌ها، روش مؤثر تدریس و افکار بلندش از او انسانی موفق ساخته بود. اما بالاتر از همه، این بود که کارش را فقط بهانه‌ای برای خدمت می‌دانست و نه یک شغل.

انسانی بود بسیار فرهیخته و باسواد و دارای بینش عمیق. اما همه‌ی این فضیلت‌ها خاری بود در چشم دیگران و باعث می‌شد، سایرین در کنار او حقیر و توخالی به نظر برسند. برای آن‌ها بالاترین چیز در زندگی، گروه شغلی و موهای خاکستری‌شان بود. آن‌ها خودشان را بسیار باهوش و زیرک می‌دانستند.

زیر آغوش من، اصوات بد داس آموز است.

موفق از دست نمی‌داده. این کار راحت‌ترین و بهترین راه برای ترقی بود. تنها کاری که نادم می‌کردم، حسب احتیاط هواها بود. بنا بر این، با خلی که امکان دست، همه‌ی روس‌های زدیالنه و بست را نه کار گرفته بود، او را از بهشت محرم خودمان دور سازم. تا این که بالاخره، یک روز و رفت، با کمال آرامش و بدون کوچک‌ترین حرفی، معین او به گارس و خوس سرخ‌ریش می‌نواست همه‌ی کار را بنویسد. برای همین قبل از آن که بنویسد دست به کار بنویسد و بنویسد گردید. بارفس، در هم زندگی بیرون شد و سرودن فراموشی گردیدم. در نبود او

یاوه گویان، دانستم نرسد و سراج  
تربقی را نمی‌کودند و عدال‌های  
افتخار گرفتند، خود من هم برای  
ادامه‌ی تحصیل در مقطع بالاتر  
نورسه گرفتم. چیزی که نبودن  
او حس حواشی را هم  
بمی‌نواستم بی...

سرانجام روزی رسید که به کلاذ

فارغ‌التحصیلی عمل طاووس به حیوه‌گیری برداشتم و کتاب‌هایی بی‌در باب آموزش و انسانیت جزو کتاب‌های درسی شد و امست. می‌روم تا از بانگ نادمی دیگری خود دفاع کنم و به مردم بگویم که برای تعظیم و تربیت نسل جوان سرزمین آبا و اجدادی او چه قدر کاری‌ها که نکرده‌ام! سخنان من آن‌ها را سرتوق خواهد آورد و صدای کفرین خاندان ساد خواهد گرفت. در میانی گفتار من، برای لحظه‌ای این تصویر از یاد ذهنه‌ای فراموشی خواهد سپرد و غم سخت و معرور خواهد شد. تا آن که دوباره حضور روش او بر وجوده‌سکنی کند.

ناقل از امست، نورانه کلی از دهم تاگ کرده بودم. اما حالا بعد از سی سال بی‌دانش شده‌ام در این گوشه‌ی بربت اینستگاه راه‌آهن بسته‌ام. جایی که سابقاً همسنگی اس بود. او را می‌شد که در افکار عمیق خود غرق شده‌ام. راستی به چه می‌اندیشم؟

کود بعد از این همه سال هنوز از موضوع سرخ‌ریش و نادمه غیر از من کسی نمی‌داند که صدای این مرد خاموش می‌تواند حتی محسوسه‌ها را به حرکت درآورد. افکار من می‌تواند ذهن‌های بزرگوار را قوی کند و سخنان من می‌تواند دل‌ها را مثل آینه ساقه کند. هیچ کس از حال او خبر ندارد غیر از من که او را به این سکوت دهشتناک کشانده‌ام. اشتیاق حرف زدن یا او، باز دیگر، مرا وسوسه می‌کند و بدای خروسی برآید سوی او می‌راند. اما نیروی دیگری دست در خلاف جهت، مرا از این کار باز می‌دارد.

منی کسی هستم که باهوش را از تحمیر کرده‌اند. اما در بین متوفان او را به بیس می‌راند. در این حالت، چه بازای می‌ماند، غیر از افتادن و سرنگون شدن آری. من بیک انسان سرنگون شده‌ام، آیا هنوز عیار به یاد دارد؟ خوب بادم می‌آید که یک بار گفت: «در این سفر ملاقات با زندگی، گاهی کسی ما را از حرکت باز می‌دارد تا قدری باساییم. ما را می‌چنداند. آنقدر می‌چنداند که امکان سرآزیم می‌شود، سپس بگذرد به حال خود رهایمان می‌کند تا نه دنبال سرپوشست هجوم جویس برود. در این هنگام، اول احساس سرگسنگی می‌کند. دل‌مان برای آن لحظه‌های اساسی تنگ می‌شود و تمام آنچه را که ما را خندانده بود، به یاد می‌آوریم. تا این که بعد از چند روز موضوع را فراموش می‌کنیم، اما هنوز تا مدتی

تا این که صداهای تنگ‌ها بر روی ما باقی است. بعد از چند روز دیگر خنده‌ها را هم از یاد می‌بریم و فقط تنگ‌ها می‌ماند. سپس زمانی می‌رسد که تنگ‌ها را هم فراموش می‌کنیم و سرانجام بدون آن که دردی از آن لحظه‌های سوزنی را با خود داشته‌ایم، با زندگی و داغ می‌کنیم.

هر که همه‌چیز را می‌بوسد و  
تاگ می‌کند و فقط یاد و خاطره‌ای  
از خود باقی می‌گذارد، با سرنگونی  
می‌بوسد. اما قهرمانی هم‌چنان  
به نوسن خاکبای‌های جدیدی از  
لسان‌های قبان ادامه می‌دهد. در  
نقش‌های جسمانیل معجزه‌دهی زندگی  
مبارزه‌ی فتنه‌ی جویس دیگری، سرگ  
من کند. بدون آن که نکه‌ی دوباره‌ی من  
فصلی از خرد و افتادن و داغ را زندگی، تلاش  
می‌کنیم. عهد و پیمان را با آوری کنیم. اما  
صدای حقیقت‌ها حتی به گوش خودمان هم  
بمی‌رسد.

همه‌ی ما می‌بوسیم و بر می‌بوسیم فراموش  
می‌بوسیم. این است آن زندگی که به خاطرین به  
هر کسی می‌بوسیم. به خاطرین عزیزان را  
می‌فرسبیم. خون هم‌موت‌ها خود را در شسته  
می‌کنیم و با کتله‌ی خودشان هم قریب می‌خوریم.  
در آن هنگام به خود می‌انیم و از شدت تنفر به  
گسنگی خود باقی می‌کنیم. تق سرنوایی که به  
خودمان باز می‌گردد...

می‌خواهم آن روح تنها و سوگن را در دیگر  
ببینم. دلم می‌خواهد از سر این عذاب و جدال‌ها  
سود. اما نیروی مقاومت‌پذیر من باز می‌دارد.  
می‌دانم که «من» دروغین هرگز فرصت این کار  
را به من نخواهد داد. می‌دانم که بسیاری از  
آدم‌های به اصطلاح اندیشمند، قرن‌ها است که  
در بند این «من» اسیرند. شده، باید عجله کنیم.  
مردم انتظار سخنان عمیق مرا می‌کنند.





## معلمان ریاضی می پرسند؟ (۸)

# نسبت و تناسب

خسرو داودی



### ۱۹- هدف از فعالیت صفحه‌ی ۵۸ کتاب

ریاضی اول راهنمایی (شمردن تعداد مثلث‌ها و تعداد پاره خط‌ها) چیست؟

در کتاب اول راهنمایی دو مسیر به موازات هم در طرح فعالیت‌ها و تمرین‌ها پیش‌رفته است. مسیر اول کمیت‌های متناسب و مسیر دوم کمیت‌های غیرمتناسب را معرفی می‌کند. برای مثال در شروع درس «نسبت و تناسب» فعالیت مربوط به تعداد لیوان‌های آب و تعداد قاشق‌های شربت برای معرفی دو کمیتی است که متناسب با همه تغییر می‌کند و فعالیت دوم که در صفحه‌ی ۵۸ آمده است برای معرفی دو مقدار نامتناسب است. مثال‌های دیگری که از کمیت‌های نامتناسب آورده شده عبارتند از:

**الف) سوال ۴.** کار در کلاس صفحه‌ی ۵۹؛ در این تمرین تعداد چوب‌کبریت‌ها و تعداد مربع‌ها متناسب نیست و جدول داده شده جدول تناسب نیست.

**ب) در فعالیت صفحه‌ی ۶۰ و در قسمت دوم،** نسبت محیط‌ها با نسبت ضلع‌ها برابر است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ضلع‌های مستطیل (طول و عرض) با محیط متناسب است ولی نسبت مساحت‌ها با نسبت ضلع‌ها برابر نیست. از این‌رو می‌توان گفت کمیت‌های مساحت و ضلع متناسب نیستند.

**ج) در قسمت حل مسأله صفحه‌ی ۶۱،** سوال ۵ نیز به متناسب نبودن مساحت و ضلع مربوط می‌شود.

**د) در قسمت حل مسأله صفحه‌ی ۶۲،** سوال‌ها ۷ و ۸ نیز همین مفهوم متناسب نبودن را دنبال می‌کنند.

در سوال ۷ تعداد اعداد اول در فاصله‌های ۱۰ تایی ثابت نمی‌ماند و در سوال ۸ نیز نسبت عدد به تعداد مقسوم علیه‌های ثابت نیست پس این کمیت‌ها با هم متناسب نیستند.

۵ مسأله قبل با همین هدف طراحی شده‌اند. دلیل طرح چنین مسأله‌هایی، حل مسأله‌های تناسب مثل تسهیم به نسبت است. برای دو مقدار A و B که با هم تناسب بوده و جدول تناسب تشکیل می‌دهیم.

A		
B		

در صورتی می‌توانیم به این جدول یک ردیف اضافه کنیم که کمیت (مقدار) ردیف جدید با کمیت‌های A و B متناسب باشد. برای مثال در تسهیم به نسبت می‌توانیم ردیف A+B را اضافه کنیم:

A	۲	
B	۳	
A+B	۲+۳	

چون مقدار A+B با مقادیر A و B متناسب است.

اگر دو مسیر فوق به خوبی طی شده باشند انتظار داریم، هر زمان که دانش‌آموز بخواهد در جدول تناسب یک ردیف اضافه کند، از خود بپرسد آیا کمیت‌ها متناسب

### اشاره

پس از بازسازی کتاب‌های ریاضی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، علی‌رغم تدوین کتاب‌های راهنمای معلم برای هر پایه‌ی تحصیلی، ابهامات و سوال‌های زیادی همچنان در ذهن معلمان محترم این کتاب‌ها باقی مانده است. در ادامه‌ی این مجموعه مقالات، همچون شماره‌های گذشته به سوال‌های مشترک که از نشست‌های مختلف با معلمان شهرهای گوناگون جمع‌آوری شده است، پرداخته می‌شود.

هستند یا خیر؟ این موضوع در قسمت حل مسأله صفحه‌ی ۶۶، سوال ۲، به انتهای می‌رسد. «طول و عرض زمینی به شکل مستطیل به نسبت ۴ و ۳ است. محیط این زمین ۲۸۰

در این کتاب به تفصیل در مورد روش‌های مختلف حل مسائل تناسب و تناسب در مسائل هندسی و فیزیک و ... بحث شده است.

هم از آنجا که در جدول هم مرتب است؟  
 برای حل این مسئله می‌توان از یک جدول استفاده کرد. نکته‌ی مهم این است که در این جدول اما توجه به ضرب‌های قبل که اشاره شد می‌توانیم برای محیط یک ردیف اضافه کنیم و بی‌اختاری اضافه کردن ردیف برای مساحت را نداریم. به عبارت دیگر مسأله به شکل زیر حل می‌شود:

$$x = \frac{2 \times (2 \times (14 + 3))}{14} = 2$$

س	۴	۸
ع	۳	۶
م	۱۴	۲۸

با استفاده از تناسب بدون طول و عرض و محیط مستطیل تعداد طول و عرض از جدول حالات دسته شده و اکنون می‌توانیم مساحت را حساب کنیم.  $4800 - 4800 - 6000$  مساحت اگر مساحتی بالای ما اضافه کردن ردیف مساحت حل می‌گردد به پاسخ تبدیل است می‌رسیم. زیرا مساحت با طول و عرض متناسب است.

س	۴	
ع	۳	
م	۱۴	۲۸
م	۱۴	۲۸

۲۰- چه تفاوتی بین تدریس درس تناسب در کلاس اول راهنمایی و پنجم دبستان وجود دارد؟ به عبارت دیگر چرا جدول تناسب در بازسازی انجام شده در کنار عملیات کسری به تمرین‌های مسأله‌های درس تناسب اضافه شده است؟  
 در واقع به جهت درس و مفاهیم نسبت، شناخت و درصد در کلاس پنجم ابتدایی و اول راهنمایی تفاوتی می‌کند. عموم سوال‌ها و تمرین‌هایی که در درس تناسب در کلاس پنجم دنبال مطرح می‌شود با استفاده از تشخیص چند برابر شدن مقادیر قابل حل است. به این مثال از کتاب پنجم ابتدایی توجه کنید:

«در یک آسان در هر ۲ ساعت ۷ کیسه کندم آرد می‌شود. می‌خواهیم بدانیم برای آرد کردن ۲۱ کیسه کندم، آسان چند ساعت باید کار کند؟» در کتاب درسی در توضیح چگونگی حل این مسأله آمده است: «برای تکمیل جدول توجه می‌کنیم که  $21 = 3 \times 7$  است. پس برای باقی عدد مربوط به تعداد ساعت‌های کار،  $21$  را نیز در  $3$  ضرب می‌کنیم.

س	۲	۶
ع	۷	۲۱

همین‌طور که ملاحظه می‌کنید این تمرین به راحتی پاسخ داده می‌شود و تباری به نوشتن عبارت زیر نسبت:

$$2 = \frac{x}{21} \rightarrow x = \frac{2 \times 21}{7} = 6$$

ما در کتاب اول راهنمایی به دو دلیل علاوه بر جدول تناسب رابطه‌ی تساوی کسرهای زیر نوشته شده است.

**الف)** به توضیحات سوال اول همین مطلب مراجعه کنید. برای تشخیص متناسب بودن یا متناسب نبودن کسرها نیاز داریم، نسبت‌ها را به صورت کسر نوشته و کسرهای را با هم مقایسه کنیم. اگر همواره کسرهای با هم مساوی بودند دو مقدار را متناسب می‌گوییم. اگر کسرهای با هم مساوی نبودند، در آن صورت می‌گوییم مقادیر داده شده با هم متناسب نیستند. در مورد فعالیت صفحه‌ی ۵۸ کتاب ریاضی اول راهنمایی با نوشتن کسرهای و مقایسه‌ی آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت که دو مقدار «تعداد عسل‌ها» و «تعداد یازده‌خاها» متناسب نیستند.

$$\frac{1}{3} \neq \frac{2}{5} \neq \frac{3}{7} \neq \frac{4}{9}$$

**ب)** در بعضی از تمرین‌ها تشخیص چند برابر شدن دسوار است و ما احتیاج به عملیات اختصاری داریم. در این نوع مسأله‌ها می‌توان تساوی کسرهای را به کمک جدول تناسب نوشت و با محاسبه‌ی مقدار مجهول (پیدا کردن جزء

چهارم یک تساوی کسری) پاسخ مسأله را پیدا کرد. به مثال زیر توجه کنید: «برای تهیه‌ی نوعی کاموا، پشم و اکریلیک را به نسبت ۱۱ و ۹ مخلوط می‌کنند. در ۲۱۶ کیلوگرم از این نوع کاموا چند کیلوگرم پشم و چند کیلوگرم اکریلیک به کار می‌رود؟» برای حل این مسأله ابتدا جدول تناسب را رسم می‌کنیم.

با توجه به این که مقدار کاموا از جمع دو مقدار پشم و اکریلیک به وجود می‌آید، اختاره داریم ردیفی به نام کاموا از جمع دو مقدار اضافه کنیم. پس از تشکیل جدول تناسب برای پیدا کردن مقدار ۹ و ۱۱ می‌توانیم از تساوی‌های زیر استفاده کنیم:

س	۱۱	
ع	۹	
م		۲۱۶

س	۱۱	۹
ع	۹	۷
م	۲۰	۲/۶

$$11x = \frac{9 \times 216}{7} \rightarrow x = \frac{11 \times 216}{20} = 117$$

$$9y = \frac{7 \times 216}{20} \rightarrow y = \frac{9 \times 216}{20} = 86.4$$

اگر دانش‌آموزی توانست در همان جدول تناسب چند برابر شدن را تشخیص داده و جدول را کامل کند نباید از او خواست که روابط، عملیات کسری را بنویسد. در واقع این تساوی کسرهای کمکی است برای دانش‌آموزان تا مقادیر مجهول به دست آورند. اصل حل مسأله همان تشکیل و کامل کردن جدول تناسب است.



# آذرخش



آذرخش در لغت به معنای برق و یا صاعقه‌ای است که از ابرها به زمین می‌جهند. طول این پدیده‌ی قابل مشاهده معمولاً چند کیلومتر است و بر اثر تخلیه‌ی بار الکتریکی به وجود می‌آید. تخلیه‌ی بار الکتریکی معمولاً بین ابرها با زمین و یا بین خود ابرها به وجود می‌آید. مسیر آذرخش که غالباً با توفان همراه است بر اثر گرم شدن بسیار زیاد هوا، قابل مشاهده است و دمای آن به حدود  $30,000$  درجه سانتی‌گراد می‌رسد. مجاورت بارهای مثبت و منفی در ابرهای باران‌زا آذرخش را به وجود می‌آورند.

سطح زمین در اثر تابش خورشید به طور یکسان گرم نمی‌شود. در منطقه‌ای که سطح زمین بیشتر از مناطق اطراف گرم می‌شود، هوای بالای آن سطح نیز گرم می‌شود و با کم شدن چگالی آن، بالا می‌رود. هوای گرم در اثر صعود سرد می‌شود. برای آن که ابر تشکیل شود باید سرعت کاهش دمای هوای بالارونده در داخل ابر از سرعت کاهش دمای هوای اطرافش کمتر باشد. به ازای هر کیلومتر افزایش ارتفاع از سطح زمین، با دمای هوا به طور متوسط  $6/7^{\circ}\text{C}$  کاهش می‌یابد. اگر توده‌ی هوای بالارونده مرطوب باشد دمای هوای درون آن به ازای هر کیلومتر  $3^{\circ}\text{C}$  کاهش می‌یابد. تحت این شرایط، توده‌ی هوا (ابر) می‌تواند تا ارتفاع  $13$  کیلومتری بالا برود و دمای فوقانی آن به  $16^{\circ}\text{C}$  برسد.

درون ابر، مخلوطی از آب، یخ و باد و بارهای مثبت و منفی وجود دارد. بارهای مثبت و منفی الکتریکی به تدریج از یکدیگر جدا می‌شوند و هر

کدام در قسمتی از ابر متمرکز می‌شوند. بارهای منفی در نواحی پایین‌تر و بارهای مثبت در نواحی بالاتر قرار می‌گیرند. علت این پدیده هنوز به روشنی برای دانشمندان معلوم نیست.

تخلیه‌ی الکتریکی بین ابر و زمین به صورت پله‌ای انجام می‌گیرد و معمولاً بار الکتریکی در امتداد کانالی به سمت زمین حرکت می‌کند. اندازه‌گیری‌ها نشان می‌دهد که شدت جریان‌های به وجود آمده در حدود  $100$  آمپر است. میدان الکتریکی بین زمین و اولین پله‌ی تخلیه‌ی ابر آنقدر زیاد می‌شود که باعث تخلیه‌ی الکتریکی از سطح زمین به سمت بالا می‌شود. این پدیده را کد به بازگشت می‌نامند و شدت جریانی که در این حالت به وجود می‌آید به حدود  $20,000$  آمپر می‌رسد. آذرخش تولید شده در این پدیده حدود  $0/2$  ثانیه عمر دارد. گرم شدن هوای اطراف آذرخش باعث پیدایش صدای غرش می‌شود در شرایط عادی میدان الکتریکی اطراف زمین به طور متوسط  $100$  ولت بر متر و جهت آن رو به پایین است. در این حالت اختلاف پتانسیلی معادل  $400,000$  ولت بین زمین و لایه‌ای از جو که در ارتفاع پنجاه کیلومتری قرار دارد و اساساً رسانا است به وجود می‌آید. محاسبات نشان می‌دهد که این اختلاف پتانسیل باید در اثر جریان‌های ناشی به مرور کم شود و در نهایت از بین برود ولی چرا هرگز این اتفاق رخ نمی‌دهد؟ علت آن است که آذرخش‌ها به طور پیوسته به زمین بار الکتریکی مستقل می‌کند و اختلاف پتانسیل  $400,000$  همواره

ثابت می‌ماند. اثر کنی آذرخش این است که جوی را که مادر آن زندگی می‌کنیم مانند خازنی یا اختلاف پتانسیل بالا بازدار نگه می‌دارد.

آذرخش انواع دیگری از قبیل وزه‌های، نواری، دانه‌ای و گوی‌سان دارد. که ما در این جا فقط به نام آن‌ها اکتفا می‌کنیم.

## خطرات آذرخش

توفان‌های همراه با آذرخش به دلایل متعددی خطرناک هستند:

- ۱- اگر آذرخش به شما و یا جسمی که آن را لمس می‌کنید برخورد کند، موجب ایجاد جریان مرگ‌بار الکتریکی در بدن شما می‌شود.
- ۲- اگر آذرخش به جسمی در نزدیک شما برخورد کند، قسمتی از جریان الکتریکی می‌تواند از طریق هوا به شما منتقل شود.
- ۳- اگر آذرخش به قسمتی از زمین نزدیک شما اصابت کند، بخشی از جریان الکتریکی ممکن است از طریق زمین به بدن شما منتقل شود.
- ۴- اگر بدن شما در روی زمین به هر علت دارای بار مثبت شود، احتمال این که آذرخش به شما برخورد کند افزایش می‌یابد. در این صورت جریان الکتریکی عظیمی از بدن شما عبور خواهد کرد.

### منبع

۱- هالیدی، دیوید، رزیک‌های فیزیک، اول، حول مسایلی فیزیک هالیدی، ترجمه‌ی خلیلیان، محمدرضا، چاپ‌سی. محمدخوسین، محمدرضا، انتشارات سفار، ۱۳۸۴

# «نه» گفتن بی احترامی نیست

مروری بر آموزش مهارت «نه» گفتن به نوجوانان

اشاره

هدف از ارائه‌ی مقاله این است که به نوجوانان و جوانان آموزش دهیم، با رفتارهای غیرمنطقی آگاهانه برخورد کنند و با تقویت اعتمادبه‌نفس، مهارت «نه» گفتن را بیاموزند و اطلاعات مورد نیازشان را در این باره کسب کنند.

کلید واژه‌ها: انواع مهارت نه گفتن - جایگزین‌های مهارت نه گفتن - روش‌های مختلف نه گفتن

مهارت «نه» گفتن شامل دو قسمت است. الف: مهارت «نه» گفتن به دیگران، ب: مهارت «نه» گفتن به خود. فشارهای گروه و ضعف بودن اراده‌ی فرد، احتمال ابتلا به رفتارهای ناسالم و خطرناک را برای او به همراه دارد. برای پیشگیری از اعتیاد باید به نوجوان یاد داد که در دوران نوجوانی با قاطعیت از کلمه «نه» در برابر پیشنهادهای نامطلوب استفاده کند. فرد در خانواده و مدرسه باید یاد بگیرد که در برابر هر خواسته نایجابی اعضای دیگر خانواده و همسالان تسلیم نشود و مقاومت کند. پدر، مادر و معلم باید این مقاومت را به نوجوانان آموزش دهند و موقعیت‌هایی را فراهم کنند تا آن‌ها این مهارت‌ها را بیاموزند. والدین باید به فرزند خویش یاد دهند که در موقعیت‌های سخت و پرفشار، با صدای بلند هم به خودش و هم به دیگران «نه» بگویند و با چند استدلال محکم و کوتاه از تصمیم خود دفاع کند. مثلاً هنگامی که

آن‌ها از کلمه‌ی بحران استفاده می‌کنند. دوران بحرانی بلوغ، یکی از آن مراحل رشد است که در آن ملاک‌های ارزشی انسان از خانواده به گروه همسالان منتقل می‌شود و از آن پس گروه همسالان مرجع صحیح یا غلط بودن تفکرات و اعمال او می‌شود و نوجوان نیاز به پذیرش در گروه همسالان را احساس می‌کند. او برای این پذیرش باید ارزش‌های گروه را بپذیرد، یعنی اگر افراد گروه سیگار می‌کشند او هم سیگار بکشد. بنابراین برای مصون ماندن فرزندمان در برابر سیگار کشیدن و اعتیاد به مصرف مواد مخدر باید در کودکی چند مهارت زندگی را به او بیاموزیم تا در آینده گرفتار مواد مخدر نشود. یکی از این مهارت‌ها «نه» گفتن در برابر پیشنهادهای غیرمنطقی (همچون کشیدن سیگار) است. مهارت «نه» گفتن یعنی اراده و اقتدار؛ با یادگیری این مهارت فرد قادر خواهد بود با احترام، قدرت و آرامش به خواسته‌های غیرمنطقی خود و دیگران «نه» بگوید.

دوره‌ی نوجوانی معمولاً با تغییراتی سریع در رشد نوجوان، کنترل سخت خانواده و تاثیر شدید اجتماع بر نوجوان همراه است و در شرایط موجود، تاثیر فرهنگ روز و رسانه‌های گروهی در او بیشتر از تاثیر والدین است. بنابراین اگر پدر و مادر اطلاعات مورد نیاز نوجوان را تأمین نکنند او ناچار خواهد بود از منابع دیگری که احتمالاً غیرقابل اعتمادند کمک بگیرد. این منابع ناسایست به مرور ارزش‌ها و اعتقاداتی را به نوجوان القا می‌کنند که منجر به اعمال خطرناک از جمله، روابط ناسالم، گرایش به مواد مخدر و انواع رفتارهای نامطلوب دیگر می‌شوند. براساس پژوهش‌های موجود، اولین تجربه‌ی سیگار کشیدن معمولاً بعد از دوران بلوغ روی می‌دهد و اکثر معتادان اعتراف می‌کنند که قبل از مصرف مواد مخدر کشیدن سیگار را تجربه کرده‌اند حال این سوال پیش می‌آید چرا فرد شروع به سیگار کشیدن می‌کند؟ در روند تکاملی رشد انسان مراحل وجود دارد که برای توصیف



## □ ذهن دانش آموز، چراغی است که باید روشن شود، نه سطلی که پر شود.

دان اسنو



دوستانش به او پیشنهاد کشیدن سیگار را می دهند این جملات را با صدای بلند و با نگاه کردن به چشمان طرف مقابل بگوید: «نه من سیگار نمی کشم چون سیگار نه تنها سودی ندارد بلکه برای بدن نیز ضرر دارد.» چنین موفقیت هایی را می توان در مدرسه با راهنمایی معلم تمرین کرد. باید به نوجوانان یاد داد که پیشنهاد دهندگان به مصرف مواد مخدر احتمالاً از جملاتی مثل «تو هنوز بچه ای، تو بچه نه ای، تو مرد نشده ای، یک بار مصرف کردن اعتیاد نمی آورد و...» استفاده می کنند. باید به نوجوانان قبولاند که عضویت در گروه هایی که از سیگار و مواد مخدر استفاده می کنند ارزش ندارد. حتی اگر فامیل باشند.

نوجوان باید بیاموزد که در برابر تعارف موادی مثل سیگار، مواد مخدر، شرکت در مجامع خطرناک و انجام کارهای ناسالم مقاومت کند و در برابر وسوسه های شیطانی به قدرت لایزال الهی بناه ببرند و به اصول و موازین اخلاقی و انسانی پایبند باشند و مصیبت هایی را که به جوامع امروز تحمیل شده و غالباً ریشه در همان تعارفات دوستانه دارند را بشناسند.

معتاد بودن غالباً مساوی است با خلاف، سرقت، دروغ، بی رحمی، بی اعتمادی و... پس پاسخ مثبت دادن به مواد مخدر پاسخ به ردالت ها و پستی هاست و نه گفتن، به معنی دوری از آن ها است.

نوجوانان باید این مهارت را یاد بگیرند که من «می توانم مستقل فکر کنم و مستقل عمل کنم. من آن قدر توانمند شده ام که بدون ترس

از طرد شدن توسط دوستان و همسالان به آن ها «نه» بگویم، من می توانم این «نه گفتن» را نه به روش خشونت آمیز بلکه با قاطعیت توأم با احترام و محبت بیان کنم.»

جایگزین های دیگری را که به جای پاسخ «نه» و مستقیم به نوجوانان می توان آموزش داد عبارتند از:

**دست دست کردن:** در برابر فشار همسالان می تواند موضوع را به زمان دیگری موکول کند و بهانه بیاورد و در صورت فشار بی اندازه ای آن ها، بگوید: «نمی خواهم کسی مرا وادار به انجام کاری بکند.»

**خروج موقت:** بهانه های ساده ای وجود دارد که بسیاری از نوجوانان را از دام فشارهای لحظه ای دوستان نجات می دهد و می توان با کمک این بهانه ها از محیط گروهی دوستان خارج شد. نوجوان اغلب پس از بازگشت به جمع همسالان درمی یابد که وسوسه قبلی اش فروکش کرده و توجه دوستان نیز به کار دیگری جلب شده است.

**بهانه تراشی:** کسی که نمی خواهد تسلیم گروه های مشوق اعمال خلاف شود و از سوی دیگر از عکس العمل درباره ی «نه» گفتن وحشت دارد، می تواند عذرهای مختلف بیاورد مثلاً: «به پدرم قول داده ام باید به خانه برگردم.» ناتوانی یا عدم مهارت جوانان در برقراری یک ارتباط مؤثر با دیگران، عدم مقاومت در برابر خواسته ها و ناتوانی در «نه گفتن» یکی از عوامل مهم تن دادن افراد به رفتارهای پر خطر است. بنابراین مهارت «نه گفتن» یکی از ضروری ترین

مهارت های زندگی است.

۱- بگوید «نه متشکرم»، «نمی خواهم» و مطمئن باشد که هیچ جانشینی دیگری برای نه گفتن وجود ندارد.

۲- نه گفتن را تا جایی که لازم است تکرار کند.

۳- زبان غیر کلامی (حالات بدن و چهره) را طوری به کار ببرد که «نه» را القا کند.

۴- پیشنهاد های دیگری مثل برویم با هم قدم بزنیم، چیزی را با هم بخوریم و... را مطرح کند. توانایی «نه گفتن» صریح و محکم، مهارت بسیار مهمی است که باعث می شود افراد بر زندگی و رفتار خود کنترل داشته باشند.

ما انسان ها باید انسانیت خود را ثابت کنیم و به مقامی که خدا به ما داده است ارج نهیم، انسانی که خداوند، او را خلیفه و جانشین خود در روی زمین معرفی کرده و خودش را به خاطر خلقت آن، با آیه ی مبارکه ی (فتبارک الله احسن الخالقین) تشویق نموده، دور از انتظار است که چشم بسته تسلیم شود و بد و خوب را از هم تشخیص ندهد.

### منابع

- ۱- ممتازی، سعید. خانواده و اعتیاد، ناشر: سال چاپ؟
- ۲- مرکز مدیریت بیماری های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزشی مشاوره ی جنسی و «نه» گفتن در مواقع حساس (جزوه آموزشی)
- ۳- فصلنامه ی تازه های علوم شناختی، سال اول، شماره دوم، ۱۳۷۸
- ۴- فصلنامه ی بهوند، شماره چهاردهم، زمستان ۱۳۸۲
- ۵- مهارت های زندگی، ویژه ی دوره راهنمایی، وزارت آموزش و پرورش، معاونت تربیت بدنی و تندرستی، دفتر پیشگیری، ۱۳۸۲

حرفہی میں اسے کہ ستارہ ہا را صقل دھم،  
پرداخت کیم،

جلا بدھم و بہ اسمان زندگی یقرستم!

میں نے اسے سوال کیا کہ حرفہ ہی کوئی کون، حرفہ ہی حکمت و نالہ دہاڑم، میں پرسید  
حرفہ ہی میں کیا؟

«من ستارہ پردازم!»

حرفہ ہی میں خلی میہم اسے، اگر خواجہ بدست جہنم میہم است، کہ میں  
اسے سب جگم، یہ ستارگان کہ میں درخشد و جسک میں رہتنگاہ کیم،  
ستارگان جسک میں میں، در آسمان مدبرہ جسک میں رہت، و طبقہ ہی  
میں اسے کہ ان ہا را بہ گلاں دورم، صقل بدھم، پرداخت کیم،  
رنگ طلائی نیم و در حیات سارہ باخانی خود را در اسفل زندگی سما  
کشد، مثل ستارگان در حیات آسمان کہ ہر یک در حیات خود قرار  
گرفہ اند:

ستارہ ہی ریز و درخت، ہا جہت ہاں کوئی کون نہ گلاں میں  
میں آند، بعضی ان ہا آمدنی خلا گرفتہ ہستند، اما بعضی کدر  
و بی رنگت، برخی دل نوار و دل آراستہ و بعضی مہربان و  
دل شیرین، برخی جلاں و سنگدہ اند و عدوی کیمی ہم  
بیع دار و آرزو دہندہ ہستند!

خاص طور کہ ستارگان را خلا میں دھم، ہماں طور کہ  
بہ ان دنوں میں دھم و بہ ہر گام رنگ طلا میں میں رہم، میں گویم: «دنیا بیوں سما هیچ  
معانی ندارد.» بہ ان ہا میں گویم: «سما میں تولید درخشدہ بریں ستارہ ہا ہا ہستید، سما  
میں توانستہ نور میں ہوں ستارہ ہی آسمان زندگی ہستید.»

نہ ان ہا میں گویم: «دنیا حیات خوبی برائی برسی است، چون ستارگان ہستند.»  
ہر ستارہ ہی کہ بہ اسفل نگاہ میں کیم، نعل لڑو مند و برنگہ خودہ، بہ یاد میں اورم  
نہ دہ میں اورم کہ فردا صبح برآمدن کوئی خلا دہاں ستارگان کوچک گلاسم، آمدہ ہائید!»

من ستارہ پردازم!  
بہ انتخاب: ہما باقیری آزاد

جلا بدھم و بہ اسمان زندگی یقرستم! - کوئی کون

میں نوشتہ  
«کوئی کون» از استاد استادانہ بریں بد گویم! نوشتہ ہی کجاست، ہا جمعہ ہی صوفی زروف



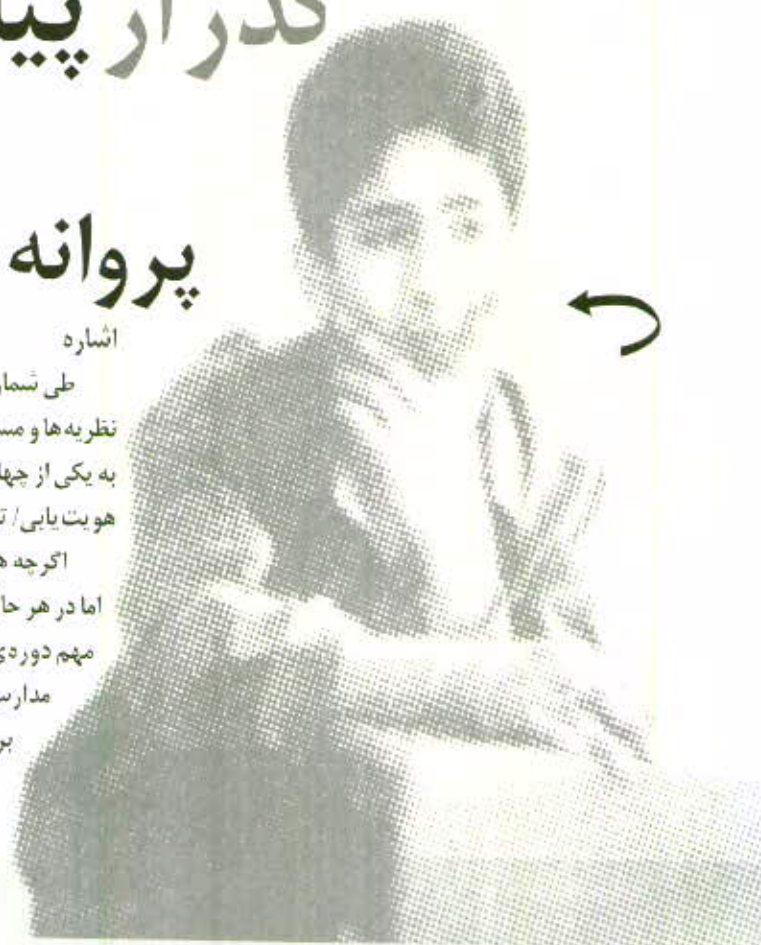
ابراهیم اصلانی

# گذر از پبله های سفید به پروانه های رنگارنگ

اشاره

طی شماره های گذشته، درباره‌ی رشد عاطفی و اجتماعی، و نظریه‌ها و مسائل مربوط به آن‌ها، نکاتی بیان شد. گفتیم که نوجوانان به یکی از چهار وضعیت هویتی می‌رسند: دستیابی به هویت / وقفه‌ی هویت‌یابی / تعلیق / پراکندگی هویت.

اگرچه همه‌ی نوجوانان الزاماً دچار «بحران هویت» نمی‌شوند، اما در هر حال، «هویت‌یابی» و نتیجه‌ی آن، یکی از مسائل بسیار مهم دوره‌ی نوجوانی است. بنابراین با توجه به اهمیت و جایگاه مدارس و معلمان در هویت‌یابی نقش آن‌ها را در این باره مورد بررسی قرار می‌دهیم.



عکس: اعظم لاریجانی

ژنتیک، توضیح جامعی در این باره ارائه می‌دهد: نوجوان خود را با بزرگسالان یکسان می‌داند و به این می‌اندیشد که وارد جامعه‌ی بزرگسالان شود، اما با خود نقشه‌ی زندگی و طرح‌های تغییر و اصلاح جامعه را همراه داشته باشد و در آن به کار بندد. در جریان شکل‌گیری این فرایند، مفاهیم فلسفی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جاری و غلطان در محیط، رفتار نوجوان را زیر تأثیر خود می‌گیرند و وی را در پیوستن به چرخه‌ی خود، به گونه‌ای وسوسه‌انگیز فرامی‌خوانند. برحسب آن که نوجوان تابع

چندان منطقی و منصفانه به نظر نمی‌رسد و با وجود پذیرش اهمیت و نقش خانواده در هویت‌یابی، باید به جایگاه فراموش شده‌ی مدارس و معلمان نیز در این باره توجه کنیم.

بهترین تبیین برای «هویت‌یابی» در چنین نگرشی، باید نقش تمامی عوامل مؤثر به صورت تعاملی و در فضای فرهنگی نظام اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. «هویت‌یابی» نوجوانان در هر نظام اجتماعی، جدای از هویت فرهنگی و وضعیت آن نیست.

دکتر منصور، در کتاب روان‌شناسی

«هویت‌یابی» را؛ فرایند رسیدن به شخصیت وحدت یافته‌ی دوره‌ی بزرگسالی که از همانندسازی‌های پیشین و عوامل مؤثر دیگر نشأت می‌گیرد، تعریف کرده‌اند. اگرچه نتایج کامل و عینی هویت‌یابی در بزرگسالی دیده می‌شود، اما شکل‌گیری اصلی آن طی دوره‌ی نوجوانی اتفاق می‌افتد. هویت‌یابی، موضوعی است که در خانواده و تجارب کودکی ریشه دارد. این تأثیر در دوره‌ی نوجوانی نیز با تفاوت‌هایی کم‌وبیش ادامه می‌یابد. این تصور که همیشه و همه‌ی نوجوانان با والدین‌شان مشکل دارند،



مخاطب باشد که هدف قابل‌رشدگی در آن نهایی و ویران‌سازی وجود و نام‌نخستین روح باشد، و ما دانش‌ساز محققان گذر آن، هدف اصلی از اصلاح محیط اجتماعی باشد، و در بالا خود در محیطی قرار گیرد که هدف‌رشدگی، حاصل‌یافته‌ی چنین مکتوبه‌ی مکتوبه‌ی باشد، رفتارهای متفاوتی از وی بروز خواهند کرد.

سازمانی، تمام‌توانمندی فرهنگی مؤثر در هر نظام اجتماعی از حقیقت‌نشریه و معلومی‌توانمندی‌ها، سر بر هوش‌های نوجوانان افکار کنند.

### نقش فرهنگی مدرسه

کدام می‌شود: نوجوانی با بیولوژی آغاز و با فرهنگ پایان می‌یابد، هر هر فرهنگ، و فلسفه‌ی به‌یونان می‌رسد، یا نفس‌های جدید و فرست‌ها و سوؤتیب‌های مربوطه به آن روبرو می‌شود. هر مدرسه، غیرمغز تفاوت‌هایش با مدارس دیگر، نمادی از فرهنگ رسمی محسوب می‌شود. از این رو، رفتارها و نوسانه‌های مستحده‌ی مدرسه، می‌تواند به معرفی صحیح فرهنگ و تشکیل جامعه‌ی مدرسه‌ی دانش‌آموزان کمک کند و است و روانی آنان را تأمین نماید.

از کارکردهای فرهنگی مدرسه برای نوجوانان دوره‌ی راهنمایی می‌توان تأکید کرد:

۱- فضای مدرسه که برآمده از تأثیر مؤلفه‌های مختلف مدرسه است، باید شفاف و خنثی‌رنگ باشد، فواید بی‌نهایت، توقع‌های متعصب، خواسته‌های امریه، اجزای بی‌درون‌بوجه منطقی و سایر رفتارهای مشابه، فضایی نامطمئن و نگران‌کننده‌ی وجود خواهد آورد. نوجوانی که در مراحل فرآیند هویت‌سازی قرار دارد، نیاز به آزادی برای تفکر، اندیشیدن و تحلیل‌گری دارد و مدرسه می‌تواند چنین شرایطی را فراهم سازد.

۲- جایگاه در سازه‌های گذشته بیان‌دهنده‌ی نهادی نوجوانی مهم است و یکی از وظائف مهم مدرسه توجه همه‌جانبه به رشد نوجوان است، تا یک طرفه بر رشد شناختی و

دانش‌گرفتن مدرسه معادله‌ی جمعیتی رشد اجتماعی و رشد شخصی می‌تواند شکل‌گرفته‌ی نوجوان به‌وجود آورد، به‌طور معمول امروزه‌ها تجربه‌ی مدرسه‌ای نوجوانان، کشور نامتوازن‌ترین‌ها می‌شود. به‌عنوان مثال: در ایران تا تصمیم‌گیری‌های ابتدایی، معلمان دوره‌ی راهنمایی تاکنند سیستمی به‌شکل از سوی معلم و امثال‌انحصاراً دارند و امکانات محدودی برای انتحار، مدیریت و تصمیم‌گیری توسط دانش‌آموزان فراهم می‌آورند. این در حالی است که نوجوانان از علم‌رشدی به‌سوی استقلال و خودمختاری و مشارکت به‌شدت نیاز دارند. در نتیجه، دانش‌آموزان اغلب با بسیاری از موضوع‌های درسی احساس بیگانگی می‌کنند.

۳- بخش‌تفصیلی از هویت فردی، بر گرفته از ارزش‌ها و اهداف نهاد اجتماعی است. سازمانی، بوداچین هدفمند هر دو هویت شخصی و ملی در مدارس، همت‌حکمی دارد. با آگاهی از هویت ملی و مذهبی، شکل‌گیری هویت فردی را متحمل خواهد کرد. نوجوانی که با ارزش‌ها و اهداف جامعه‌ی ملی آشنا باشد، مسیر آسان‌تری را در هویت‌سازی طی خواهد کرد، متاثر از راهنمایی با تدارک برنامه‌هایی جامع و منسجم، می‌تواند نقش قابل‌توجهی در این زمینه ایفا کند و فعالیت‌های فوق‌برنامه، می‌تواند سبب مناسبی برای این برنامه‌ها باشد.

### نقش معلم در هویت‌یابی

استفاده از دوره‌ی ابتدایی به‌دوره‌ی راهنمایی، بسته‌ی تجربه‌های جدیدی برای نوجوان است. از یک طرف، به‌یک‌باره، بعد از معلمان‌تجربیه‌ی خود و از طرف دیگر، روانه‌ی «معلم» دانش‌آموز «بسته‌ی دوره‌ی ابتدایی» تغییر می‌کند، رفتار شخصی و اغلب نسبت به یک معلم در دوره‌ی ابتدایی، به‌رفتارهایی گسترده و پیچیده‌ی چند معلم تغییر می‌یابد و این می‌تواند برای نوجوان بسیار ناخوشایند است. آشنایی معلم‌ها با

دوره‌ی فانی‌رشدی و جوانی و میل به‌سوی این شناخت، تا حدی که منطبق بر این‌ها و دانش‌آموزان می‌شود. فضای مسئولیت‌پذیر سرحد، می‌تواند نفس معلم را در کمک‌دهی هوش‌های دانش‌آموزان، بزرگتر کند.

یکی از کارهای مؤثر معلم‌ها، کمک به تعویض خودمختاری دانش‌آموزان در حل‌مسئله‌ی آموزش خود و سپه‌ی‌کنار، موفقیت‌آمیز است. دانش‌آموزانی که در دوره‌ی راهنمایی از نظر تحصیلی موفق هستند، به احتمال زیاد، رشد روانی-اجتماعی به‌شدت‌تری خواهند داشت.

معلم کارگر نیست معلم‌ها، نفس‌مستورانی‌شان است. در دوره‌ی که ارتباط مؤثری بین معلم و دانش‌آموزان ایجاد شود، معلم می‌تواند راهنمای خوبی برای دانش‌آموزان باشد و در شکل‌گیری هویت به آنان کمک کند. دوره‌ی رفتار محیطی معلم می‌تواند دانش‌آموزان را متوجه‌ی سازه‌ی خود فرآیندی همه‌جانبه‌ی است و مانند همه‌ی اهداف این اهمیت دهد.

کارگردان‌تجربیه‌ی معلم‌ها بر سبب مهم است، یک معلم فعال، دانش‌آموزان را فرج‌ده، هم‌انگیزه‌های سرگشته‌ی دانش‌آموزان را تقویت می‌کند و هویت‌تفصیلی و اشتیاق‌آمیزی آن‌ها می‌شود. معلمی که بویایی و متفکرانه‌ی زبان، نوجوان هدیه‌ی دهد، در شکل‌گیری هویت، بزرگترین خدمت را به او کرده‌است، تعامل دانش‌آموز با معلم و مدرسه می‌تواند اثر مثبت یا منفی بر رشد او داشته باشد. پس باید به خدایان دست این عامل، سبب توجه کنیم.

من نویسنده  
 ۱- محسنی‌ساز و صفاری، بررسی رویکرد سبب‌فکرانه در بررسی رابطه‌ی باطنی و جسمانی دانش‌آموزان، فصلنامه‌ی روان‌شناسی، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۳.  
 ۲- دستورالعمل وزارت آموزش و پرورش، شماره ۱۳۸۳.  
 ۳- چهارم‌ساله، روزنامه‌ی دانش‌آموزان، شماره ۱، فصل بهار ۱۳۸۲.  
 ۴- فصلی، شماره ۱، شماره ۱۳۸۲.  
 ۵- کاشانی، بررسی رویکرد سبب‌فکرانه در بررسی رابطه‌ی باطنی و جسمانی دانش‌آموزان، فصلنامه‌ی روان‌شناسی، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۳.

کسی که خواب‌ناز دانش دارد، هرگز از یادگیری باز نمی‌ماند.





احمد شریفان

فوق لیسانس سنجش و اندازه گیری در  
آموزش و پرورش و روان‌شناسی

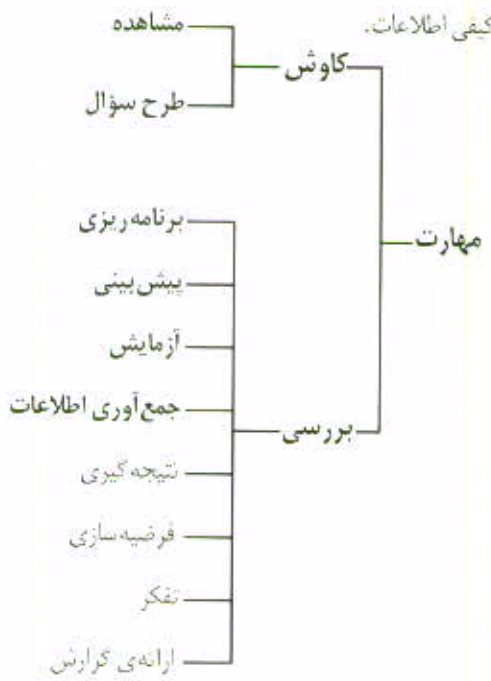
# آموزش مهارت علمی بررسی: جمع آوری اطلاعات

## اشاره

همه می‌دانیم هر فردی برای اقدام به هر فعالیتی، نیازمند اطلاعات معتبر در زمینه‌ی آن فعالیت (عینی یا انتزاعی) است؛ تا به واسطه‌ی اطلاعاتی که دریافت کرده است، عمل کند. بنابراین، اگر اطلاعات فرد در زمینه‌ی فعالیتی که قصد اقدام به آن را دارد، نادرست و یا ناقص باشد، دستیابی به هدف غیرممکن و یا احتمال آن کم است. لذا، آموزش مهارت جمع آوری اطلاعات (روا و معتبر) به دانش‌آموزان کمک می‌کند برای تصمیم‌گیری، به اطلاعات مورد نیازشان دست یابند. مهارت جمع آوری اطلاعات جزو مهارت‌های علمی از نوع بررسی است. در این مقاله، شیوه‌ی تدریس یکی از معلمان برای آموزش مفهوم انفاق از دیدگاه قرآن کریم مورد بحث قرار می‌گیرد.

## کلید واژه‌ها

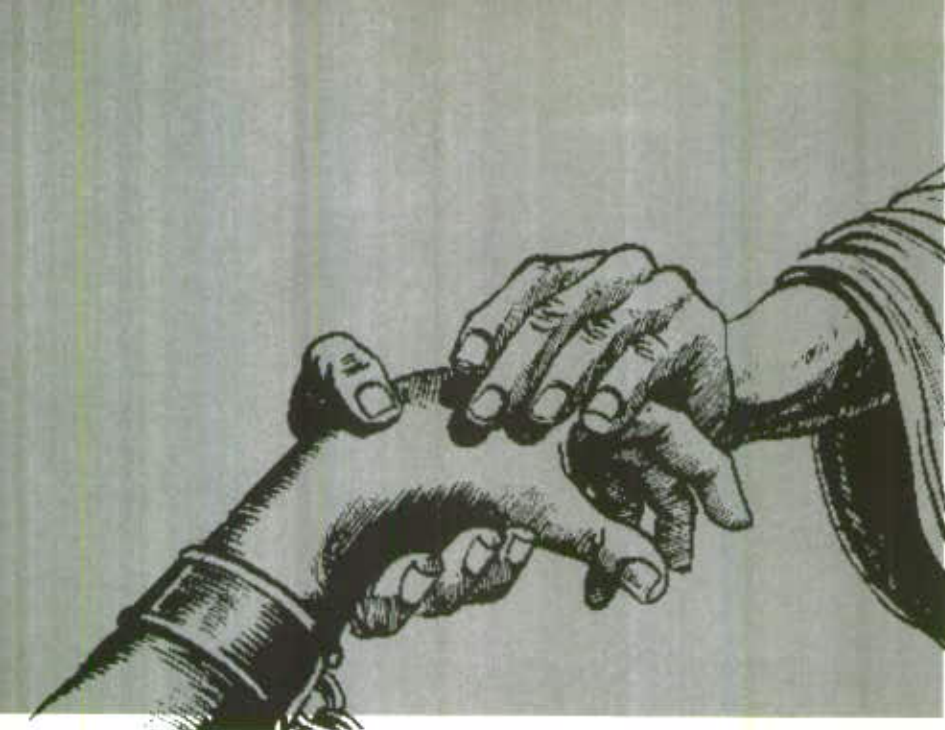
مهارت علمی بررسی - شیوه‌ی جمع آوری اطلاعات - روش ثبت کیفی اطلاعات.



هر دانش‌آموزی برای جواب دادن به سؤال، نیازمند اطلاعاتی است که بتواند بر پایه‌ی آن، به جواب درست دست یابد. بنابراین، ضرورت دارد دانش‌آموز اطلاعاتی را در زمینه‌ی مورد سؤال جمع‌آوری کند. جمع‌آوری اطلاعات، نیازمند تهیه‌ی ابزار یا ابزارهای خاصی است که به وسیله‌ی آن‌ها دانش‌آموز می‌تواند مشاهدات خود را در زمینه‌ی مورد سؤال ثبت کند. در واقع، ثبت مشاهدات به دانش‌آموز امکان می‌دهد که بر پایه‌ی اطلاعات جمع‌آوری شده به نتیجه‌گیری اقدام کند.







را همراه خودم به کتابخانه می‌برم تا ادامه‌ی آموزش را در آنجا دنبال کنم. وقتی به کتابخانه می‌رویم از مسئول کتابخانه (کتابدار) می‌خواهیم لوح‌های فشرده‌ی قرآنی را که دارای جستجوگر مفهومی یا کلمه‌ای است را در اختیارمان قرار دهد. سپس با باز کردن لوح فشرده‌ی قرآنی در رایانه و نوشتن کلمه‌ی بنفوق در محل جست‌وجو، فهرستی از آیه‌های قرآن کریم که در آن‌ها از کلمه‌ی بنفوق استفاده شده است، در صفحه‌ی نمایش ظاهر می‌شود. در مرحله‌ی بعد، از دانش‌آموزی که با رایانه کار می‌کند، می‌خواهیم که با استفاده از جایگر از اطلاعات مورد نظر به تعداد گروه‌ها کمی تهیه کند و در اختیار نماینده‌ی گروه‌ها قرار دهد. در نتیجه به این روش آیه‌های مبارکه‌ی قرآن کریم مربوط به انفاق برای مطالعه و استخراج اطلاعات معلوم می‌شود.

فهرست آیه‌های قرآن کریم که در آن‌ها کلمه‌ی بنفوق (انفاق) به کار رفته و در اختیار نمایندگان گروه‌ها قرار گرفته به شرح جدول شماره یک است. بعد از این که فهرست فوق در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت، از آنان می‌خواهیم، با مطالعه‌ی معنای فارسی آیه‌های مذکور، جدول شماره‌ی دورا کامل

کند. بعد از این که گروه‌ها با همکاری دانش‌آموزان عضو گروه خود، جدول شماره‌ی دورا کامل کردند، از آنان می‌خواهیم که نتیجه‌ی کارشان را به تفکیک هر سؤال برای کلاس درس گزارش کنند. می‌توان نتیجه‌ی کار هر یک از گروه‌ها را بر روی تخته‌ی سبزه می‌نویسیم. در پایان هر قسمت:

(ارائه جواب به هر یک از پرسش‌ها) به اتفاق دانش‌آموزان، جواب‌های داده شده را خلاصه و در جدولی که بر روی تخته سبزه رسم کرده‌ام، ثبت می‌کنیم. در مرحله‌ی بعد، از دانش‌آموزان می‌خواهیم که هر یک به طور جداگانه خلاصه‌ی جواب‌های داده شده به پرسش‌های بیخ‌گانه را در قالب یک بار اگراف (علاوه بر اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۱ و ۲) برای خودشان یادداشت کنند. نمونه‌ای

از این گونه یادداشت‌برداری آیه معنای خلاصه‌ی نتایج به دست آمده در قالب شماره‌ی (۱) ارائه شده است.

بنابراین، به روشی که توضیح دادم، به دانش‌آموزان کمک می‌کنم که به‌طور فعال در فرایند یادگیری - یاددهی مفاهیم دینی شرکت کنند و با اطلاعاتی که به دست می‌آورند به ساختن ساختارهای منسجم بپردازند و به آن جامعیت ببخشند.

با توجه به شیوه‌ای که این معیار برای آموزش مهارت جمع‌آوری اطلاعات به دانش‌آموزان مورد استفاده قرار داده است، می‌توان روش‌مندی برای تقویت مهارت جمع‌آوری اطلاعات به وسیله‌ی دانش‌آموزان به این شرح ارائه کرد:

- قبل از این که دانش‌آموزان به جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی موضوع مورد نظرشان اقدام کنند، مطمئن شویم درک درست و روشنی از موضوع مورد بررسی داشته باشند. به این صورت که، موضوع اصغر را مورد بررسی رایانه صورت قابل مشاهده و اندازه‌گیری تعریف کرده باشند.
- بعد از این که متغیر مورد نظر به‌طور فانی مشاهده و اندازه‌گیری تعریف شد، به آنان کمک کند نحوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات مورد نظرشان را توضیح دهند.

- حکایتی نیمه اطلاعات مرتبط یا متغیر مورد بررسی را در صورت نیاز به آنان آموزش دهید.
- زمینه‌ی آموزش مهارت جمع‌آوری اطلاعات در قالب موضوع درسی را به گونه‌ای انتخاب

جدول شماره ۱

نام سوره	شماره‌ی آیه
البقرة	۳-۲۱۵-۲۱۹-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۵-۲۷۴
آل عمران	۱۱۷-۱۳۴
النساء	۲۸
الانفال	۳۶-۳
التوبة	۵۴-۹۱-۹۲-۱۳۱
الحج	۳۵
القصص	۵۴
السجدة	۱۶
الشورى	۳۸

«معلمه متوسط می‌تواند، معلم خوب نوشتار می‌دهد، معلم خوب بر زبان می‌دهد، معلم بزرگ، انشا می‌کند.»







# سنگ‌ها معجزه‌گر کی

نوشته: جان اشتلاتر  
ترجمه: پروین قائمی

در تمام سال‌های تدریس، دائماً این جمله را از شاگردانم شنیده‌ام: «چرا باید این موقوفات را یاد بگیریم؟» و همیشه، این قصه را برایشان تعریف کرده‌ایم:

یک شب، چند دوست، بعد از یک راهپیمایی طولانی، می‌خواستند استراحت کنند که ناگهان نور عجیبی، آن‌ها را احاطه کرد. آن‌ها می‌دانستند که یک موجود آسمانی، در آنجا حضور پیدا کرده است. با اشتیاق زیاد منتظر ماندند تا پیامی بسیار مهم و بهشتی را از او بشنوند و مطمئن بودند که حتماً خبر ویژه‌ای خواهد بود.

بالاخره صدایی را شنیدند که گفت: «هر قدر می‌توانید، سنگریزه جمع کنید و در کیسه‌هایتان بریزید. بعد، یک روز دیگر راه بروید. فردا شب، همین موقع، اول خوشحال و بعد غمگین خواهید شد.»

پس از آن که نور رفت، مسافران خسته با ناامیدی و خشم به یکدیگر نگاه کردند. آن‌ها انتظار داشتند که آن نور، برایشان پیغامی را بیاورد که به آن‌ها قدرت، ثروت، سلامت و قوت بخشد، ولی فقط یک وظیفه‌ی احمقانه و بی‌معنی را به عهده‌شان گذاشته بود. در هر حال، درخشش آن نور باعث شد که هر کدام چند سنگریزه بردارند و داخل کیسه‌هایشان بیندازند و مرتب، نق بزنند.

آن‌ها یک روز دیگر به سفر خود ادامه دادند و شب، موقعی که می‌خواستند بخوابند، نگاهی به داخل کیسه‌هایشان انداختند و دیدند که همه‌ی سنگریزه‌ها به الماس تبدیل شده‌اند. در ابتدا، بسیار خوشحال شدند، ولی بعد، از این که سنگریزه بیشتری جمع نکرده بودند، بسیار غمگین شدند.

من شاگردی داشتم که در تمام دوران تدریس، تحسین کامل این افسانه بود. در کلاس هشتم درس می‌دادم و «آن» نمونه کامل «دردسر» و به قول همکلاسی‌هایش، مجسمه‌علاقه بود: تنها چیزی که آن می‌دانست، عصایی کردن همه‌ی کسانی بود که صبر ایوب داشتند.

من هر روز از شاگردانم می‌خواستم جمله‌ای را از یک متفکر بزرگ حفظ کنند. ابتدای آن عبارت را می‌گفتم و از آن‌ها می‌خواستم موقع حضور و غیاب، آن را کامل کنند. مثلاً می‌گفتم: آیس آدامز می‌گوید: «هیچ شکستی جز...» و دانش‌آموز ادامه می‌داد:

«ناامیدی از تلاش وجود ندارد. [نام دانش‌آموز]، حاضر!»

به این ترتیب، در پایان سال، شاگردانم، ۱۵۰ جمله‌ی قصار حفظ کرده بودند. از جمله:

- فکر می‌کنید می‌توانید، فکر می‌کنید نمی‌توانید. در هر دو حال، حق با شماست!
- هر وقت موانع را می‌بینید، معلوم می‌شود که چشمتان را از روی هدف برداشته‌اید.
- آدم شکاک، قیمت همه چیز را می‌داند اما ارزش هیچ چیز را نمی‌داند.
- اگر قانع شدید و ناور گردید که می‌توانید، می‌توانید به هدف برسید.

هیچ کس بیشتر از آن، در مورد این تکلیف روزانه، عزمی زد و اعتراض نمی‌کرد. بالاخره یک روز، او را از مدرسه اخراج کردند و من پنج سال تمام از او بی‌خبر بودم. روزی تلخ رنگ زد. او بود که می‌گفت: در کالج نزدیک مدرسه‌ای که در آن درس می‌دادم، در یک دوره‌ی ویژه شرکت کرده و آن را با موفقیت کامل، تمام کرده است. گفت: بعد از آن که او را به دادگاه حراست نوجوانان فرستادند و بعد هم سوار کسی کردند و به دست مقامات قضائی کالیفرنیا سپردند. به قدری از خودش متعجب شد که می‌خواست با تبع صورت‌تراشی، رنگ خود را بزند. او گفت:

«همان‌طور که دراز کشیده بودم و خون از تنم می‌رفت و حس می‌کردم دارم می‌میرم، یاد یکی از حملات قضاری افتادم که شما گفته بودید ۲۰ بار از رویش بنویسیم: «هیچ کسکی جز ناامیدی از تلاش، وجود ندارد.» ناگهان معنی این جمله را فهمیدم. تا وقتی زنده بودم، شکست نخورده بودم. ولی می‌مردم. مثل یک آدم شکست خورده، مرده بودم. بنابراین با قیامت‌اندازی توانم، جدا کردم تا به کمکم بیایند و زندگی جدیدی را آغاز کردم.»

هنگامی که او این جمله‌ی قصار را شنید، به نظرش سنگریزه‌ای بیش بود، اما هنگامی که در شرایط بحرانی قرار گرفت، سنگ تبدیل به الماس شد. من به عنوان یک معلم به شما می‌گویم هر قدر می‌توانید از این سنگریزه‌ها جمع کنید و بردید نداشته باشید که در آینده به الماس تبدیل خواهند شد.

جان اشتلاتر



خودشان را بر ندگی، عا تحصیل می‌گند و تاثر آن‌ها ضعی از ایناطات اصنامی هر بیشتر است. دوستان مورد اعتمادمان نمی‌توانند به اندازه‌ی همکاری که با خود این سو و آن سو می‌بریم، به زندگی ما تاثیر بگذارند.

# در این روزها

اصغر نذیری

سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت برابر با ۲ ربیع الثانی  
شهادت استاد مرتضی مطهری - روز معلم

اگر نمرودی بالاتر از نسیب بود!

در سال ۱۳۳۱، حکیمی الهام‌ناگه نمرودی را، بنامه اوقات اعتدالی، شرحی از معانی روحانی و جسمانی خود نوشت که در آن، معانی عمیق و لطیفه‌ها برای اشخاص عوام و خاص، تلمیذات و شاگردان مرتضی مطهری را، شرح کرده است. در این روز بهشت که در آن، احوال راهبان و سادات و دانشمندان، یعنی با کمال علم و اجتهاد و حدیث و کلام، و کمال عقل و تدبیر و حکمت و تدبیر و درجه‌ها و سلسله‌ها و درجه‌ها و مراتب، شهرت‌ها و بی‌شک

جمعه ۱ اردیبهشت ۱۳۸۵ برابر با ۲۰ ربیع الاول ۱۴۲۷  
اردیبهشت «معنی بهتری» است و «معنی» «مرد بهشت» است. چون این روز و شب، فصل بهار است.

شنبه ۲ اردیبهشت برابر با ۲۱ ربیع الاول  
روز اعلام انقلاب فرهنگی - اساس به‌کار آمدن نظام آموزشی

سه‌شنبه ۵ اردیبهشت برابر با ۲۴ ربیع الاول  
تعلیمت خصوصی نظامی امریکا در محله‌های فقیرنشین - ۱۳۵۹

شنبه ۹ اردیبهشت برابر با ۲۸ ربیع الاول  
روز سوگوار

ماه کلمه از این فریادها گشت که صورت گندم اگر گرسنگی برسد حجاب  
شهر برادر و سینه و اگر به خطا بود معصومین را - امیران الحکمه، حدیث  
(۹۸۴۷)

یکشنبه ۱۰ اردیبهشت برابر با ۲۹ ربیع الاول  
عازر عیال - سید الفطاحی

عملیات جنگ افغانستان از جانب کادر جاسوسی در علیه عملیات نظامی و کادر استخباراتی  
اسلام‌آوردن - این عملیات روز دهم اردیبهشت ۱۳۶۱ در منطقه‌های جنوبی و غربی  
شهر تبریز رخ داد و پس از آن روز سه‌شنبه به آنجا فرستادند. در صبح از زندان  
آن را دور کردند. هوشیار و باادب گان حبس بود. آفت تفتیش گران مست‌المنی  
مردوزی بر سر آن بودی را چون سلامتی و حسن میهن خود می‌دانستند «مستمر»

دو روز پس از آن

در آغاز جنگ برای رسیدن بر این خصوص خبر سپهر روح هفتاد به طول انجامید  
تاریخی که پیش از آن احوال در این گریه‌ها که از آن روز و در آن روز  
سوی اسلامی با هوشیاری و شجاعت و شجاعت که تا آن روز می‌رفتند.

(تاریخ دفاع مقدس، اسماعیل منصوری لاریجانی، انتشارات خانه الرضا (ع)،  
صفحه ۸۲)

دوشنبه ۱۱ اردیبهشت برابر با ۱ ربیع الثانی  
روز جهانی کار و کارگر

احمد علی امان‌فرمود: پیامبر خدا (ص) از به کار گرفتن کاروان، پس از تعیین  
مردان پیش فرمود: «من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۰»

## شان معلم

حسب حال قلم و نظم سخن داد مجال  
گشت احوال معلم ندهد بسط مجال  
تا کنم شرط ادب و صفی کمالات بیان  
چون بگویم مدد از حمد خدای معال  
می توان رد سخن از مدح تو یا به صل  
لیک نتوان رخ خورشید نمایان به حال  
سرف و علم فضیلت سپرد از دانش او  
قلم از مدحت کفیار کند سخن حلال  
در حور بیان معلم چه به از گوهر پاک  
سخن نغمه گیم هدیه که امر بست مجال  
در فضیلت منجلی ز نو فرهنگ و ادب  
ای معلم بنویزید همه آثار و جلال  
آشنا گشت زبان به الفحی کلام  
روشن از دانش او دیده کشاید به جمال  
نور دانش بدست بار قلم دسیم داد  
با نور رد تار از نو گیم هر مه و سال  
مغالی ز نو شد حکمت و کنجینه ی علم  
چون بود سیرت بحر علویت اقبال  
بانه ی معرفت و جسمه ی سراسر هنر  
کیمیای حسن و دانش و اسرار کمال  
کهر آرد همه آثار خلایق سخت  
دلبر از لحن کمالات تو چون ملامت  
فقرت باگ معلم جو صفات ملکوت  
بخشد از معرفت و بند کلاهی احوال  
زنده با دانش خود دیو جهالت ز میان  
داده بر جان و دل دیده فروغ و اعمال  
درس عرفان ز حضورش طلبد در همه عمر  
ساخت دفتر و دیوان جهان در همه حال  
حسن مطلق نگری خائب «فخار» مدار  
که معلم سپرد خامه به دست معضال  
نهران اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ - سید عبدالحسن نجف‌آبادی - ارومیه فروری ۱



بهر بود که اسادان را سخت به خیرت پرداخت و او کسی جز...! سرانجام نوبت امتحان نهایی و مصاحبه‌ی حضوری با پذیرفته‌شدگان رسید. آن روز هر سه استاد برجسته‌ی دانشکده در اتاقشان برای ورود مرتضی مطهری لحظه‌شماری می‌کردند. وقتی که او آمد همه بلند شدند. استاد فلسفه پنهان نکرد و گفت: آقای مطهری امتحانات کنی تو همی ما را شگفت‌زده کرده است. حالا ما مشتاقیم ببینیم که در بخش نهایی چه می‌کنی!

سیس سؤالی کرد و متظر پاسخ ماند. سؤال از کتاب منظومه‌ی ملاحضاتی سزویی بود. مرتضی نخست نظر او را شرح داد و بعد از نگاه ابوعلی سیبا به جواب مساله پرداخت. سیس از دید ملاحظه‌ی اسکالات آیان رایان کرد. می‌خواست به شرح پاسخ دیگری بپردازد که دید اساد دستی را بالا برد و گفت: آقای مطهری، دست نگهدار! چه کنیم که ما بالاتر از بیست نمره نذاریم به تو ندهیم. ما همین الان این بیست را به شما تقدیم می‌کنیم. حالا آماده‌ایم استفاده کنیم. لطفاً ادامه بده!

تحت حدود یک ساعت و نیم ادامه یافت. وقتی که تمام شد همه‌ی اسادان او را تحسین کردند. استاد فلسفه سه بار بیایی گفت: «آجست، بهره بردم.»

(از کتاب «استاد مطهری»، نوشته‌ی محسن مؤمنی، انتشارات مدرسه.

۱۳۸۲)

## گل‌های مطهری

وقتی ایران به جام جهانی فرانسه صعود کرد، در یکی از مصاحبه‌هایی که با خداداد عزیز انجام شده بود، از او پرسیده بودند: «در زادگاه شما (فریمان) فرد مشهور دیگری هم وجود دارد؟»

خداداد با افتخار گفته بود: «بله، استاد مطهری که افتخار جهان اسلام است.»

استاد شهید مرتضی مطهری سال‌ها پیش از آن که خداداد به دنیا بیاید، در دفاع از حقیقت دین اسلام، گل‌های زیبایی در دروازه‌ی فلسفه‌ی مادی غرب کاشت. گل‌هایی که هیچ‌وقت تلویزیون نتوانست آن‌ها را به تسل جوان نشان دهد!

کاش می‌شد فقط یکی از گل‌های زیبای استاد مطهری را نشان می‌دادند تا قدر او و مری بزرگش علامه طباطبایی (ره) را پیش از پیش درک می‌کردیم.

### نسیم بهاری

سلام من به تو ای هدیه‌ی خدا، استاد همیشه - در دو جهان - خاتمی تو باد آباد به لطف مهربانم تو ما سفر کردیم از این زمین و زمان تا به آن جهان و معاد عطش گرفته به دنبال آب می‌گشتم چه خوب شد که گذارم به چشمه‌ات افتاد تو چون نسیم بهاری، دمیدی آهسته نهال خشک وجودم جوانه زد گل داد دل تو مثل دهی با صفاست ای استاد همیشه آب و هوای دلت بهاری باد

تقدیم به دانشمندان پر تلاش باغ تعلیم و تربیت، محمد عربی «نسیم»

- جمعه ۱۵ اردیبهشت برابر با ۵ ربیع الثانی

روز بزرگداشت شیخ صدوق

- دوشنبه ۱۸ اردیبهشت برابر با ۸ ربیع الثانی

ولادت امام حسن عسکری (ع)

امام حسن عسکری (ع) فرمود: از اهتای اسرار و ریاست ظنی بهره‌بر که

این دو [آدمی را] به هلاکت می‌کشاند. (تحف العقول، صفحه ۴۸۷)

- چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت برابر با ۱۰ ربیع الثانی

وفات حضرت معصومه (س)

- یکشنبه ۲۴ اردیبهشت برابر با ۱۴ ربیع الثانی

لعو امتیاز تنگکو به فتوای آیه‌الله میرزا حسن سراری

- دوشنبه ۲۵ اردیبهشت برابر با ۱۵ ربیع الثانی

روز جهانی خانواده - روز بزرگداشت فردوسی

خانواده سازمان اجتماعی است و از زمان ماقبل تاریخ و قبل از

تشکیل هر نژاد و سازمانی وجود داشته است.

روابط انسانی در این سازمان بیش تر و بهتر از سایر روابط دیگر برآورده‌ی خواست‌های حیاتی است و این امر موجب دوام و پایداری آن شده است. مردم‌شناسان می‌گویند: علت استمرار خانواده آن است که در خانواده روابطی اجتماعی به بهترین وجهی حوایج آدمی را برمی‌آورد. شکل هر سازمان اجتماعی، از جمله خانواده تابع مقتضیات زمان و اختیارات بشر است. اگر اختیارات ژنتیکی جامعه تغییر پذیرد، شکل خانواده نیز تغییر خواهد کرد.

● از سرشب تا صبح باران باریده است و کوچه‌ها بوی خاک نمناک گرفته‌اند. ابوالقاسم (فردوسی) هنوز دست از عادت نوجوانی اش برنداشته است و مانند که از حوای برمی‌خیزد. کتاب در دست، زوبه صحرا، راهی کناره‌ی رود می‌شود تا، زیر درخت بنشیند، نو سنگی بشند و بخواند.

در راه به روزهای آمده می‌اندیشد. باد است و خنک را میبوس می‌گوید. بر سنگی که جایگاه همیشگی او است، زیر درخت پند گنارهی رود برنده‌ای بسته است و آواز می‌خواند. ابوالقاسم آهسته گام برمی‌دارد. دوست دارد باران دهد، هم او شود.

زیر درخت پند دفتر و دستک می‌گشاید و به مطالعه سرگرم می‌شود. سیس به دور دست‌ها خیره شده در موسیقی آرام رود «کارده» زغمه می‌کند:

فلک گر به زیر نقاب اندر است

و گم زیر پر عقاب اندر است

مندار کاو از بی کار تو

به بند خطا و حوای اندر است

اگر پند کتی کفرین نپذیری

نه چشم زباید به حوای اندر است

بر ایوان‌ها نفس بیرون هنوز

به میدان افراسیاب اندر است

(از کتاب «فردوسی»، نوشته‌ی عرب الله اومدی، دفتر انتشارات گنگامورس، سال ۱۳۸۰)







که در سال ۱۱۵۰ هجری قمری (۱۷۳۰ م) اهالی آبادی ری شهر، حملگی به لیان (بوشهر فعلی) مهاجرت کرده‌اند.

لیان تا حدود ۲۵۰ سال پیش، دهکده‌ای شهر گونه و کوچک بوده است که مردم آن بیشتر از طریق ماهیگیری و تجارت زندگی می‌کرده‌اند. در سال ۱۷۵۰ م، پسر شیخ ناصر خان، ناخدا باسی کشتی‌های نادرشاهی، طرح اصلی بوشهر را ریخت. پس از آن، این شهر مقر نیروی دریایی نادر شد. به دستور نادر شاه، یک کارگاه کشتی‌سازی نیز به سرپرستی جان التون انگلیس در آن ایجاد شد. از این به بعد، بوشهر به عنوان یکی از بنادر مهم خلیج فارس درآمد. در زمان کریم خان زند، به حدی اهمیت یافت که رقیب قدرتمندی برای بندر بصره در عراق شد. این بندر، در اوج اهمیت، از مراکز مهم تجارت خلیج فارس به شمار می‌آمد و بحار بوشهر قسمت عمده‌ی بازار گالی خلیج فارس و اقیانوس هند را به عهده داشتند. حتی حاج محمد تقی، اجازه چاپ و نشر اسکناس رایج بوشهر را به دست آورد و این امتیاز تا برقراری بانک شاهی در بوشهر به جای خود باقی بود.

بوشهر یکی از نخستین شهرهایی است که جاب سنگی را وارد کرده و بیش از بسیاری از شهرهای مهم ایران دارای صنایع جدیدی، از قبیل یخ‌سازی و برق بوده است. مردم بوشهر از اولین ایرانیانی بودند که با مجله و روزنامه آشنا شدند. روزنامه‌های زیادی در اوایل ظهور این بدیده در ایران، در بوشهر چاپ و نشر می‌شد. از جمله، روزنامه‌های «مظفری»، «خلیج ایران» و «ندای جنوب» را می‌توان نام برد. همچنین به علت موقعیت خاص این بندر در تجارت و کسب ثروت فراوان از این طریق، نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی و نیز کنسول‌گری‌های دولت‌های بیگانه، از جمله بریتانیا، آلمان، روسیه و عثمانی در این شهر وجود داشتند که ساختمان بعضی از آن‌ها هنوز با برجاست.

با ایجاد خط آهن سراسری، امور تجاری این بندر به خرمشهر انتقال یافت و به تدریج از رونق بوشهر کاسته شد. در جریان جنگ

نحمیلی، به سبب محاورت بندر خرمشهر با خطوط جبهه‌های نبرد حق علیه باطل و محدودیت عمل سایر بنادر استان خوزستان، این بندر نقش ویژه‌ای را در بازرگانی خارجی کشور پیدا کرد. در سرشماری سال ۱۳۷۰، جمعیت شهرستان بوشهر ۱۸۲ هزار نفر بوده است.

## زبان و خط مردم بوشهر

تدریدی نیست که پس از سکون گیری بوشهر در عهد نادرشاه و حرکت سیمیل‌گونه مهاجران به آن‌جا، گروه‌های مهاجران و گروه‌های بومی آن‌جا - که شامل طوایف نندی



نیرویگاه هسته‌ای بوشهر

و عده‌ای از اعراب هستند. با گویش خاص خود سخن می‌گفته‌اند اما زبان رسمی مردم آن دیار زبان فارسی و تنها در دستگاه حکومتی اُخاندان دربیامگی آل مذکور (زبان عربی به عنوان زبان رسمی آن خاندان بوده است. رواج زبان عربی در آن دوران سبب شد که برخی سیاحان و خارجی‌هایی که به عنوان نماینده‌ی سیاسی یا هر عنوان دیگر از طریق بندر بوشهر به ایران سفر می‌کردند، در نوشته‌های خود مردم بوشهر را - عموماً عرب قلمداد کنند.

سرجان ملکم نخستین فرستاده‌ی دولت انگلیس نیز (در قرن ۱۹) خط و زبان مردم بوشهر را عربی منظور دانسته است. اما به قرینه اسناد موجود، خط و زبان بوشهری‌ها فارسی بوده و همه مکتوبات آن‌ها اعم از دولتی و غیردولتی،

قول ناعه، و سبت ناعه، و حتی سنگ نوشته‌های روی قبرهای نیاکان آن‌ها به خط فارسی بوده‌اند. اصولاً زبان مردم سواحل خلیج فارس و جزایر آن بازمانده‌های گویش ساسانی‌کاره‌ای، بلوچی، کردی، و برخی از واژه‌های انگلیسی، هلندی، برتغالی، هندی، عربی و ترکی است ولی استخوان بندی و ریشه‌ی آن فارسی است. مردم بوشهر مستمان هستند و بیرون از مذاهب سعه، اجاری و اهل سعه در سپرها و روستاها برآکنده‌اند. در بنادر و دیگر نقاط استان، اهل سنت نیز زندگی می‌کنند.

## آداب و رسوم

آداب و رسوم گوناگونی در گوشه و کنار شهر و اطراف آن کم و بیش به چشم می‌خورد که برخی مربوط به رسوم نیاکان آریایی آن‌ها است و باره‌ای در فرهنگ یونان باستان ریشه دارد و ممکن است امروز رنگ و بوی اسلامی به خود گرفته باشد.

مثلاً: مقدس نمردن بعضی از درختان کهن سال و گرامی دانستن آب و مراسم باران خواهی می‌تواند یادآور فریادزری «خضر بی» در بیابان باشد.

## برخی آداب و رسوم مردم بوشهر مراسم گلی گوشو

باز شدن گبوه، آسان شدن کنار، آداب مختصری است که نخست در گذشته، مردم بوشهر به‌خامی اُوریدند، و در شب یازدهم ماه مبارک رمضان انجام می‌گرفت، «گروه گلی گوشو» بیشتر از بصران و دختران خردسال بودند. که کمی بعد از افطار شب یازدهم در حالی که کبسه کوچکی در گردن داشتند، در کوچه‌های محل به راه می‌افتادند و به در همه‌ی منازل سر می‌زدند.

این کودکان از همان آغاز بی‌کبری مراسم و حرکت نسوی خانه‌ها با آهنگی خاص و تکرار مداوم اهالی محل را این گونه آگاه می‌ساختند

«گلی گشو... صورت بوشو»

احبت جانوددها تو سه روز پس از  
برگزاری مراسم، مقداری گندم را در آب جوش  
شوده و در فشر روز چهاردهم برمهال ایس از  
عمارت آن رانف ابوا می دادند تا در موقع آیین  
«گرو گلی شو» به تکلیک آبان بدهد. هر گاه  
گروه مزبور از در خانه دست بر نمی گسندند،  
جسی می خوانند «خونه کچی بز همه چی»  
و اگر چیزی به آسان نمی دادند اوای  
گه آسزونی حنده دار را تکرار می کردند.

**خونه گدا، همجش ندا**

**خونه گدا خمرش ندا**

**خونه تو دراز اوو**

**برگی گراز اوو**

نه سب آن که این رسم در ماه رمضان  
صورت می گیرند، می توان انجام آن را نیز  
انتقادات مذهبی شمعان حسرت و جو نمود و نه را در  
روز بود تمام حسن محسنی آنها هرچونما دانست.

### نان بوسی

از دیگر رسوم قدیمی بوشهری ها نان  
بوسی. مانند بسیاری سادایی بود که در سجد آبا  
بعضی قدم گاه های دیگر اینه جانی می آوردند. این  
رسم گرچه به ندرت، اما هنوز هم رایج است.  
نذر نان بوسی بیشتر بزنی خردسالان و  
گاهی جوانان بصر به کار گرفته می شد و معمول  
جسی بود که فرد مورد نظر را در یک گوشه ای  
مسجد به حالت طاق بار خوابانده و سر تا پای او  
را با نان می پوشانیدند. افراد شرکت کننده هم فقط  
زبان و دخترچه ها بودند و گران بوسی یا سیاه  
و سیاه برانمه اظهار و حضرت رسول صورت  
می گرفت و بعد از آن، نان ها را انگه نگه المضمه  
قلعه کرده و مسقطی با حیوای دنگر را در آن جی  
داده و به حاضرین می دادند. این رسم بسیار قدیم  
بین افراد توانمند جامعه برقرار بود.

### عید نوروز و شیرینی بیب گلی

مردم بوشهر امس نوروز را به فال تک  
می گیرند و حد و ور به تحویل سال مانده به بحث  
شیرینی خاصی بنام بیب گلی می بردازند.

شیرینات سفید هفت سین در خانه های تروتمندان  
بیشتر دیده می شود تا دیگران. آن ها علاوه بر  
بخت های شیرینی بیب گلی، شیرینی دیگری به نام  
قرا بچ بر می مرید.

بر دانی از گیلان هم بودند که در گذشته  
آمدن عید بر آسان. همیشه در بود بر به قریب  
خرید و تهیه ایس بود آستند و به نوال خرید لواری  
دیگر و گاه کاهی این اشعار را بر عهده می کردند:

**عید ما نوروز ما**

**خومه گهته هر روز ما**

**عید آمد و ما قبا نداریم**

**با گهته قبا صفا نداریم**

### مکان های دیدنی بوشهر

خانه های قدیمی بوشهر: شکل عمومی  
خانه های بوشهر، ساده و به سبک معماری ایست  
عمدانی است. این نوع خانه ها از بوشهر و سایر  
شهر های تریه سواحل شمالی خلیج فارس و نیز  
سسال سینه می توان دید. در جلوی بعضی از  
آن ها، راهروی سوز دار وجود دارد که از یک  
طرف به در اتاق ها و رونه دریا و از  
طرف دیگر به فضای باز حمام مربوط  
می شود. سقف اتاق ها س تر با بوبه  
و تیرک های جنگلی و خسته پوشانیده  
شده است. راه خانه ها مسطح است و  
در خانه ها از دیوارهای کوتاه مسکی  
قرار دارد در حلقه هم کف و در داخل  
اتاق های حلقه های دیواری تمه  
شده است و در حلقه ها و سروی آن ها  
چوبی و به اشرف قرار دارد. تمامی  
خانه ها از سنگ های احکمی  
«میر جانی» یا ملات گچ ساخته  
شده است. در های ورودی آن ها کتوا  
تو لنگه و از جنس چوب جنگلی است  
که با خالسه ریخته ترین شده اند.

### مدرسه سعادت مظفری

**بوشهر**

در سال ۱۲۷۸ شمسی، «مستاد  
علمی قریحکی» مدرسه ای به

سنگ موس اموری و بی روزی گدا که با اسلحه  
به مدارک سر چینی موجود تیرانی را حاضر فارسی  
خوب ایران دانست. بافت مدرسه بی سعادت  
همانند بافت مدرسه بوشهر زبانی  
حیرت کننده ای دارد.

### عمارت ملک

این کج پوست معماران فرانسوی ساخته شده  
است. بوشهر و سنگ آن از سبک خاص صلیبی  
سواحل خلیج فارس به یاد «لنگه» بسیار است و به  
اواخر دوران زند و اوایل دوران قاجار مربوط  
می شود. به مقصدی احتیاج در دوران قاجار و در  
پس اقامت انگلیسی ها در این عمارت نظیرانی  
صورت گرفته و اکنون در حال ویرانی است.

### قبر زبال انکلسی

این قبر مکان ایست که در داخل فضای گلخانه  
بوشهر داری ساخته شده و به سبک معماری است  
لیک که در وسط آن حلقه قرار گرفته. فایده ای مربع  
لیک دارد که وسعت حلقه سطح آن از وسط به داخل





فرورفته است. ارتفاع آن حدود ۱۲۶ سانتیمتر است. در ضلع جنوبی اینک چسبیده به قاعده‌ی آن کتیبه‌ی باستانی دایود مشاهده می‌شود. قبر زوال یکی دیگر از نشانه‌های شکست و فناپذیری تجاوزگر است. آب‌انبار قوام، ساختمان امیرنه (شهرداری فعلی)، ساختمان استانداری، ساختمان کمرک، عمارت سزآباد و خانه‌ی قاضی از دیگر مناطق دیدنی بوشهر است.

بغعه‌ی «امام زاده عبدالمهیمین» و «امامزاده محمد باقر» و «قدم‌گاه عباس علی» از مکان‌های زیارتی مردم بوشهر و از اماکن عتبر که این شهر هستند. کلیسای آرامنه گریگوری و کلیسای ظهور نیز نشان از حضور خانوارهای مسیحی در این شهر می‌باشد.

از همه این‌ها که بگذریم به دو پدیده، یکی در گذشته و دیگری در عصر حاضر برخورد می‌کنیم که هر دو افتخارآمیزند. گرچه در ظاهر ارتباطی به هم ندارند. یکی رئیس علی دلواری تلوار اراده‌ی یک ملت در مبارزه با استعمار انگلیس و دیگری نیروگاه هسته‌ای بوشهر تلوار عزم ملی برای حفظ عز و رهایی از وابستگی.

### رئیس علی دلواری

کدخدای منطقه دلواری در سال ۱۲۹۹ هـ. ش در دلواری از توابع شهرستان تنگستان به دنیا آمد. او در ۲۳ سالگی به عنوان یک مبارز آگاه و بر سرور وارد صحنه‌ی نبرد با انگلیسی‌های متجاوز به سواحل جنوب شد و به خاطر مردانگی و غیرت دینی و حمیت ملی مورد تحسین دوست و دشمن قرار گرفت. او در یکی از شب‌های اشغال بوشهر، با یورش بر سپاهیان انگلیسی، حضور سلحشورانه‌ی خود را اعلام کرد و انگلیسی‌ها که از پیش او را شناسایی کرده بودند، با قشونی مجهز روستای دلواری را زیر آتش سلاح‌های سنگین خود گرفتند. قشون مجهز استعمار از یک سو و مردم ستم‌دیده‌ی دلواری و روستاهای اطراف از سوی دیگر در برابر یکدیگر قرار گرفتند و زنان آن دیار نیز همگام با شوهران و برادران خود، شایستگی خویش را در دفاع از عزت و شرف خود نشان دادند. از سوی دیگر،

آیت الله سیدعبدالله بلادی بوشهری نیز برای دفاع از ایران و استقلال وطن، حکم جهاد داد که باعث قوت قلب رئیس علی دلواری و یاران او شد و مبارزان بیشتری را وارد عرصه‌ی نبرد ساخت. سرانجام، زمانی که بوشهر در محاصره‌ی انگلیسی‌ها بود، یک مردور خان در ۲۳ ثوال ۱۳۳۳ (سوم سیتامبر ۱۹۱۵ م.) رئیس علی را از پشت سر مورد اصابت گلوله قرار داد و مبارزه‌ی او را ناتمام گذاشت. به هر حال مبارزه‌ی دلیران تنگستان، مکمل مبارزات مشروطه‌خواهان در کشور ما محسوب می‌شود.



### نیروگاه هسته‌ای بوشهر

نیروگاه اتمی بوشهر در منطقه‌ی هلیله واقع در ۱۲ کیلومتری جنوب بوشهر احداث شده و که طرح اولیه آن به قبل از انقلاب اسلامی می‌رسد. قرار بود برطبق قرارداد منعقد شده بین ایران و کشور آلمان، در اوایل سال ۱۳۶۲ با ظرفیت ۲۴۰۰ مگاوات شروع به کار کند و این ظرفیت پس از ۵ سال، با بهره‌برداری نهایی از هر دو واحد نیروگاه به ۲۰ هزار مگاوات افزایش یابد. لیکن با شروع جنگ تحمیلی و فشار قدرت‌های بزرگ، دولت آلمان به پنهانی تحریم اقتصادی، تکمیل و راه‌اندازی آن را متوقف ساخت. بعدها سازمان انرژی اتمی ایران طی

قرارداد دیگری با کشور روسیه کار تکمیل نیروگاه را بر عهده متخصصان روس گذارد.

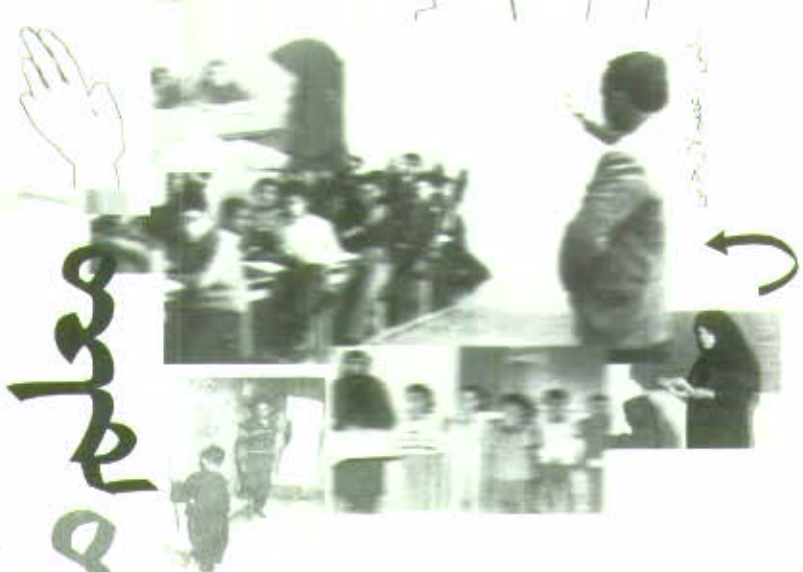
اکنون پس از ۹۰٪ کارهای اجرایی این نیروگاه عظیم به پایان رسیده و قرار است در آینده‌ی نزدیک به بهره‌برداری برسد. مشکلات ساخت و آماده‌سازی این نیروگاه دانشمندان و متخصصان ایرانی را بر آن داشت تا کمر همت بسته و در تولید سوخت هسته‌ای پیش قدم کردند. در پایان جا دارد به چند مورد دیگر از پیشرفت‌های ملی در این خطه اشاره کنیم؛ شرکت‌های صنایع دریایی ایران در بوشهر به کار

ساخت و تعمیر انواع واحدهای شناور مشغول است و کشتی‌سازی و لاج‌سازی و ساخت بدک کشتی از دیگر صنایع موجود آسان بوشهر بشمار می‌رود. بندر بوشهر با داشتن چندین اسکله اسکله شمالی - اسکله دولقین و... به همراه تاسیسات تخلیه و بارگیری، یکی از مهم‌ترین بنادر صادرات و واردات کشور محسوب می‌شود. به امید آن که فرصت یابیم و چشم‌اندازهای تاریخی و مناظر و مناطق جدید التاسیس بوشهر را از نزدیک شاهد باشیم.

منابع  
 ۱- جغرافیای استان بوشهر، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۸۲  
 ۲- جغرافیای استان بوشهر، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۷۶  
 ۳- رئیس زاده، محمدحسین، دلیران تنگستان، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۷۰  
 ۴- روزنامه ایران (کتاب سال)، مفاته تیس ناریخی فیهام مردم تنگستان، انتشارات موسسه‌ی ایوان، ۱۳۷۴  
 ۵- شهپه‌سسی، حسن، تحولات انرژی کشور  
 ۶- سایت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان بوشهر www.bousher.ir  
 ۷- سایت میراث فرهنگی استان بوشهر www.bushermiras.ir  
 ۸- سایت علوم زمین  
 www.ngdm.ir



بهبود تصویری



توسعه توانایی‌ها

# پسگویی

۳- معلم موفق همواره خود را مورد تقدیر قرار می‌دهد. بنابراین خود احساس بی‌ارزشی است. معلم موفق هیچ‌گاه احساس نمی‌کند که نیوعی بررسی او می‌شود. بلکه روش‌های بررسی خود را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و می‌داند که همواره روش‌های سانسوری وجود دارد و باید تا جایی ممکن از روش‌های کوتاه‌تر که اثر فاجعه‌ساز دارد.

۴- معلم موفق همواره سادگی و کلمات است. او خود را با سبب‌های بهترین‌ها در صنعت می‌داند و بر این اساس به کار و حرفه‌ی ارزشمند خود بسوق می‌ورزد و ساده‌من و حسود از فرانس باادب می‌باشد که می‌تواند به تعامل با دانش‌آموزان می‌پردازد و احساس می‌کند که تلاش ارزشمند و موثر است که گری بهتر را فراهم می‌کند.

۵- معلم موفق همواره نظری از استه و درونی آرام دارد. اطمینان قلبی و آرامش درونی، اتحاد محبت و حساسیت می‌کند و این اطمینان از این حوس را در کلاس درس برای شاگردان نه برعکس می‌آورد و اگر ظاهر از استه و بی‌تفاوت باوقار ارزشمند خود همواره ساده، سست، جذبات خنود گری خواهد آمد.

۶- معلم موفق به آرامان‌ها و اهداف بزرگ می‌اندیشد. اصولاً معلم نیز همسند دانش‌آموزان با تجربه خطاها و اشتباهات، بهتر یاد می‌گیرد و رشد می‌یابد. من بهتر است بحرمات خود خود و دیگران را مورد بررسی قرار می‌دهد و به کار گیرد و معنی‌ها باشد که معلمی تنها یک نسخه یا فرمول ساده ندارد، بلکه هر گونه روش جدید و ایده‌ی نوایی جدیدی را خواهد گسود و باز به موفقیت‌ها و آرامان‌های بزرگ خویش نزدیک خواهد کرد.

برگس نبوسد نیست که مثال اصلی «ایادگیری» معلم است. اما او هیچ‌گاه خود پرسد تا به که خنود معلمی همیشه و آیا دانش‌آموزان همواره سبب‌های دندار تا همیشه واقعت این است که بخنودا ایولا طالب هر معلمی نیستند، و هر معلمی نمی‌تواند ادعا کند که خنود بر این احراء قابل‌اند.

گاه معلمی و مهم برای موفق بودن یک معلم، ساخت است معنی که خود را سبب و حساس کند، سبباً که معنوی بر راه موفقیت برداشته‌اند، از این رو برای دانش‌آموزان که معلم موفق همیشه باهه و بر یکی‌های دانش‌معلمان موفق را بر می‌سپرید.

۱- معلم موفق همیشه یک محصل است. اگر همیشه در حال یادگرفتن و توان کشف حقایق باشد. محقق و خود را در سبب‌ها می‌ماند. اگر معلم خود سبب‌ها باشد، می‌تواند دانش‌آموزان را سبب‌های سنجش نماید.

۲- معلم موفق همیشه به رشد و توانایی خود و دیگران توجه می‌کند، در هر درس، سبکی و سبب‌های از خنودان انسان‌های را سبب‌ها است. حال از هر چه، معلم موفق کسی است که به فکر توانایی و رشد خویش است تا آن‌که به خنودها معنی می‌دهد. فراهم آوردن زمینه‌ی سبب‌ها و خلاقیت در دانش‌آموزان آنها از عهدی معلم خوش‌ذوق و با استعداد و توان بر می‌آید.



# از کار دستی تا حرفه و فن

اشاره

سیروس غفاریان

پس از پیروزی انقلاب مشروطیت در ۱۲۸۵ هـ. ش و تأسیس «وزارت معارف و صنایع مستظرفه و اوقاف» و «وزارت فرهنگ»، بعد از آن که در ۱۳۱۴ هـ. ش فرهنگستان، وزه‌ی «فرهنگ» را به جای معارف، وضع نمود و بالاخره اعلان تشکیلات جدید این وزارتخانه با نام

(قسمت اول)



«وزارت آموزش و پرورش» در سال ۱۳۴۳، به مدت پنجاه و نه سال در دوره‌ی شش ساله ابتدایی و سیکل اول متوسطه که مدت تحصیلی در آن سه سال بود، درسی به نام «کار دستی» گنجانده شد. بعد از آن که در سال ۱۳۴۵ هـ. ش نظام جدید آموزش در قالب تحصیلات ابتدایی (پنج ساله)، راهنمایی تحصیلی (سه ساله) و دوره‌ی تحصیلات متوسطه نظری (چهار ساله)، برنامه‌ریزی گردید، چون دوره‌ی راهنمایی تحصیلی (سه ساله) جایگزین سیکل اول متوسطه شد و درس حرفه و فن با هدف فراهم آوردن زمینه‌ی شکوفایی استعداد دانش‌آموزان

در رشته‌های فنی و حرفه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا شد، درس کار دستی از برنامه‌ی آموزش راهنمایی تحصیلی حذف و تحت عنوان «هنر و ابتدایی» گردید. اما در حال حاضر عنوان کار دستی نیز از دوره‌ی ابتدایی

کار دستی «منحصر به دوره‌ی پنج ساله برداشته شده و فقط درسی تحت عنوان «هنر» در این دوره وجود دارد. در این مقاله، پس از بررسی خط سیر برنامه‌ی درسی کار دستی از ابتدا تا ۱۳۴۵ به نقاط قوت و ضعف این برنامه در وزارت آموزش و پرورش خواهیم پرداخت و در پایان به مرور برنامه‌ی درس حرفه و فن در مدارس خواهیم پرداخت.

نگاهی به کیفیت برنامه درسی «کار دستی» از

زمان تشکیل وزارت معارف تا ۱۳۴۵

از ابتدای تشکیل وزارت معارف، در دوره شش ساله ابتدایی علاوه بر منظور نمودن درس‌های رسم و نقاشی، تعلیم خط و یک درس هنری دیگر مانند «رود» از سال چهارم ابتدایی، درسی تحت عنوان «کارهای دستی» در نظر گرفته شد و در برنامه‌ی درسی دحزان، این درس تحت عنوان «حماطی و کارهای دستی» تعریف شد. علت توجه به کار دستی این بود که در کشور ایران از قدیم‌الایام به هرهای مستظرفه (هنرهای ظریف) توجه می‌شد و اولیا آموزش و پرورش سعی داشتند، دانش‌آموزان در کنار

تکمیل نمودند، مرحوم کمال الملک تا ۱۳۰۷ هـ. ش در تهران اقامت داشت و شاگردان زیادی را در برده‌های مختلف هنری به ویژه نقاشی و هرهای طریقه تربیت کرد. اما بعد از مهاجرت او به سیبویه، مدرسه از رونق افتاد تا آن که دانشگاه تهران، با محوریت وزارت فرهنگ، در سال ۱۳۱۹ این مدرسه را در اختیار خود گرفت و تجهیزات و معلمین هنرمندان را به دانشکده‌ی هنرهای زیبای این دانشگاه منتقل کرد. وزارت فرهنگ از آن پس سعی نمود از فارغ التحصیلان این مدرسه در مدارس تهران و شهرستان‌ها به عنوان معلم کارهای دستی استفاده نماید. این درس در دوره‌های مختلف طبق مصوبات

درس‌های نظری به هنرهای دستی و تجسمی نیز پیوسته تا پس از پایان تحصیلات رسمی بتواند در جامعه مفید واقع شوند. چون همانند امروز، بسیاری از مردم ایران از صنایع دستی امرار معاش می‌کردند. در ۱۲ مرداد ۱۲۹۴ هـ. ش وقتی که احمدشاه، مستوفی‌الممالک را مأمور تشکیل کابینه نمود، ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) را که فردی هردوست و علاقمند به صنایع مستظرفه بود، به وزارت معارف منصوب کرد و او مترسبه‌ی صنایع مستظرفه، تأسیس و ریاست آن را به مرحوم کمال الملک سپرد. در این مدرسه شاگردانی که به هنرهای تجسمی مانند نقاشی، مجسمه‌سازی، فلککاری و غیره علاقمند بودند،



درستی

چهارم آبان ۱۹۷۶ (۱۳۸۸)  
فغان آبرنگامی

۷ عملی، مطرح کردن سؤال های درست است نه دادن جواب های

سوزی عالی فرهنگ، از نظر ساختار عرض و کثافت  
توان و استعداد معلم بود، تا معلمی که تا سال  
۱۳۱۷ هـ. ش خلق نمونه سوزی عالی فرهنگ  
در سال های هجده و بیست و سه هجری برای سوزی،  
تربیتی دینی، دو ساعت در هفته و درس های خبر  
دیگر مانند ریاض و فلسفه یک ساعت در هفته و فلسفه  
حداکثر یک ساعت در هفته منظور گردیده بود، اما  
چون بخشی از حواله های دینی، حفاظی شد تا  
تغیر کرده شده بود، این برنامه ها همان ادامه داشت  
تا آن که خلق نمونه سوزی عالی فرهنگ در ۱۳۲۲،  
در دوره ای که این برنامه ها گردشی بافتش و رسد  
تعداد و چهار ساعت برای سوزی این اصنام بافت  
و برای تعیین هدف و ساختار این وجود داشت  
بعد از آن سوزی و رسد دوره ای که کار دینی حاد در همه  
بن درس های دینی دانش آموزان در چند کلاس که  
از هفت تا دوازده نفری می شد، در شکل اول متوسطه  
استادها که در کلاس ها دیگر، سال های هفده و هجده  
و بیست و سه هجری بود، درس های کار دینی، فلسفه و  
تعداد ساعات حداکثر و تعیین و در این داشت، در  
شکل اول متوسطه این سوال کار های دینی و برای  
تحول، در مدت بی و چهار سال گذشته بود، توان دوره  
های ۱۳۲۵ هـ. ش تا ۱۳۴۵ هـ. ش برای ایجاد  
توجه در حاصلات مغزی، یعنی در سوزی را با کار  
مغزی خلق باید از این فراتر، خلافت های مغزی  
و انگیزه های سوزی به صورت یک فعالیت فلسفی  
از قالب «کار دینی» ظهور بود، تا مطالعه برنامه های  
دوره ای که در سوزی قرار می توان بی برده که هدف  
از «کار دینی» تا نظر خلافت این ها: «پرورش و  
جهت دادن به استعداد های دانش آموزان و کشف  
خلافت ها و ایجاد حرکت سازنده در ذهن آنان»  
یکی و برای درس کار دینی این بود که اگر دانش آموز  
تربیتی دینی دیگر که همه مغزی دانش موقت  
حاصلی نسبت نمی آورد، می توانست تا بر دانش به  
کار دینی و سرگرم کردن خودش از وقت فراغت  
فغان آبرنگامی و چون خلق کرده و زندگی با این کار  
تجربه کرد.

می کند، کار های علمی و فنی که در سوزی قرار  
و تربیت کردن و فلسفه است که به سوزی اصلی می  
استادها می که کار دینی در دوره ای استادی و شکل  
اول در سوزی رایج بود، دانش آموزان می توانست  
برج های کوچک سوزی از پرورش های بزرگ معماری  
و فلسفی، سوزی دانش آموزان در این سال  
چون های را از کارهای و فلسفه های نگاه به لای  
نه و سوزی از این سوزی تا سوزی از فلسفه های  
که چنگ گرفته تا در حال حاضر و سوزی از دوره ای  
که چگونگی سوزی و سوزی در هر دو سوزی است  
و سوزی در سوزی ظهور بود، منظور است سوزی در  
حاصلی تا دانش آموزان که در سوزی در سوزی فلسفه  
و فلسفه سوزی و فلسفه کسب کرد، سوزی استادها سوزی  
این در نظریه های فلسفی در سوزی توان از فلسفه که  
می بیند، سوزی و سوزی قادر بود به سوزی سوزی  
هدف سوزی خود را در سوزی ایجاد نماید و حاصلات  
سوزی است.

### نقاط قوت درس کار دینی

کار دینی بعد از سوزی سوزی در دوره های بزرگ  
توسعه در این سوزی و سوزی و سوزی که سوزی بزرگ  
ن حاصل می شد، به بعد از دانش آموزان یک کلاس  
توجه فعالیت از زمینه فلسفی تا سوزی سوزی  
این یک کار دینی می شد، تربیتی که های دینی  
دانش آموزان از حالت فلسفه سوزی سوزی  
توجه بزرگ از یک حالت فلسفه یک سوزی سوزی  
می شد.

عده ای که گفته اند، نگارنده فلسفه است  
که سوزی را یکی یک طرح صنعتی و به خصوص  
رسان آن را به سوزی سوزی در سوزی سوزی  
سوزی، سوزی در و از فرهنگ و ایجاد سوزی  
بعنوان سوزی، سوزی، کارهای دینی دانش آموزان  
توانی و سوزی ها از اول تا ۱۳۳۹ بر کار دینی و  
کسوزی سوزی سوزی و سوزی در سوزی سوزی  
بودی آن سوزی سوزی است بعد از آن کسوزی ها  
بود که در سوزی سوزی هر سوزی سوزی  
و از آن فرهنگ علمی مشاهده ای از برنامه کسوزی  
کسوزی تا دانش آموزان را در کارهای ابتکاری  
و دینی باری نمود، او اضافه کرد که کارهای  
دستی دانش آموزان با به و مایه تعلیم مشاغل  
کوناگون و تربیتی تعلیمات فنی و حرفه ای کشور

است...

### درس کار دینی از ۱۳۲۵ تاکنون

و این دوره ای که سوزی و فلسفه سوزی  
از این در سال ۱۳۲۵ هـ. ش به فلسفه های استادی و شکل  
اول در سوزی و فلسفه سوزی سوزی سوزی  
سوزی این دوره ای از ۱۳۲۲ تا این زمان است و سوزی  
دوره سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
زمان «دوره سوزی» برای دوره سوزی سوزی  
دوره های سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
این سوزی سوزی

۱. از سوزی سوزی سوزی و سوزی و سوزی سوزی  
کودکان

۲. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۳. دوره ای سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۴. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۵. دوره ای سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۶. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۷. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۸. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۹. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۱۰. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۱۱. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۱۲. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۱۳. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۱۴. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۱۵. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۱۶. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۱۷. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۱۸. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۱۹. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۲۰. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۲۱. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۲۲. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۲۳. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۲۴. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۲۵. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۲۶. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۲۷. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۲۸. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۲۹. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۳۰. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۳۱. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۳۲. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۳۳. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۳۴. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۳۵. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۳۶. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۳۷. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۳۸. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۳۹. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۴۰. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۴۱. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۴۲. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۴۳. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۴۴. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۴۵. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۴۶. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۴۷. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۴۸. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۴۹. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۵۰. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۵۱. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۵۲. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۵۳. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۵۴. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۵۵. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۵۶. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۵۷. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۵۸. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۵۹. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۶۰. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۶۱. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۶۲. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۶۳. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۶۴. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۶۵. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۶۶. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۶۷. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۶۸. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۶۹. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۷۰. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۷۱. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۷۲. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۷۳. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۷۴. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۷۵. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۷۶. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۷۷. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۷۸. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۷۹. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۸۰. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۸۱. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۸۲. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۸۳. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۸۴. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۸۵. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۸۶. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۸۷. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۸۸. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۸۹. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۹۰. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۹۱. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۹۲. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۹۳. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۹۴. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۹۵. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۹۶. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۹۷. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۹۸. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۹۹. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان

۱۰۰. از سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی سوزی  
کودکان



# یک فعالیت برای تدریس مفهوم حجم

سپیده چمن آرا

در پی مطالب شماره‌های گذشته، آن چه در این شماره می‌خوانید، شرح فعالیتی است که برای تدریس مفهوم حجم و واحد اندازه‌گیری آن، در پایه‌ی دوم راهنمایی، مورد استفاده قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

برای اجرای این فعالیت، دانش‌آموزان به گروه‌های ۴ تا ۵ نفری تقسیم می‌شوند. علاوه بر برگه‌ی فعالیت، تعدادی مکعب، در دو اندازه‌ی مختلف، در اختیار آنان قرار می‌گیرد. برای این منظور، می‌توان از اسباب‌بازی‌های موجود در بازار که به یکدیگر وصل شده و برای حجم‌سازی مورد استفاده قرار می‌گیرند، یا از کوبیزنرهایی که قابلیت اتصال به یکدیگر را دارند، استفاده کرد. بهتر است طول ضلع مکعب بزرگ، مضرب‌ی از طول ضلع مکعب کوچک‌تر باشد تا رابطه‌ی بین طول اضلاع و حجم این دو مکعب، بهتر مشخص شود. تعداد و نوع مکعب‌هایی که به هر یک از گروه‌ها داده می‌شود، با سایر گروه‌ها یکسان است، و می‌توان این موضوع را به صورت غیرمستقیم به اطلاع گروه‌ها رساند. به عنوان مثال، در یک اجرای واقعی این فعالیت، ضمن توزیع مکعب‌ها بین گروه‌ها، از اعضای هر گروه خواستیم تعداد مکعب‌های بزرگ و کوچک خود را بشمارند و با صدای بلند اعلام کنند. بدین ترتیب، همه‌ی گروه‌ها، از همان ابتدا درگیر کار شدند و بین آن‌ها تعامل ایجاد شد. زیرا علاقه‌مند بودند تعداد مکعب‌های گروه‌های دیگر را با تعداد مکعب‌های خود مقایسه کنند. [در این اجرا، ۱۹ مکعب کوچک و ۳ مکعب بزرگ در اختیار هر گروه قرار گرفت.] پس از توزیع مکعب‌ها بین گروه‌ها و مشخص شدن تعداد مکعب‌های هر گروه، از آن‌ها می‌خواهیم با مکعب‌های کوچک خود، شکلی بسازند. بهتر است در این قسمت، به گروه‌ها فرصت کافی بدهیم تا کاملاً روی شکلی که دوست دارند بسازند، با هم توافق کنند و برای ساخت شکل مورد نظر گروه خود، با تعداد محدود مکعبی که در اختیار دارند، برنامه‌ریزی کنند. حتی ممکن است برخی گروه‌ها بخواهند رنگ آمیزی

شکلشان، نظم و تقارن خاصی داشته باشد. پس از این که همه‌ی گروه‌ها، شکل‌های خود را ساختند، پرسش‌های برگه‌ی فعالیت را به ترتیب پاسخ می‌دهند و هر یک از پاسخ‌ها در کلاس، مورد بحث قرار می‌گیرد. سپس به سوال بعدی پرداخته می‌شود و همین‌طور الی آخر یا قدری وقت در پرسش‌های این فعالیت، می‌توان اهداف اصلی آن را چنین برشمرد:

- ۱- ایجاد درک درست از مفهوم حجم.
- ۲- تشخیص لزوم تعیین یک واحد مشخص برای اندازه‌گیری حجم.
- ۳- یافتن رابطه‌ی کلی بین واحدهای مختلف اندازه‌گیری حجم.

آن چه در ادامه می‌آید، برگه‌ی فعالیت مورد نظر است:

## فعالیت گروهی

### «مفهوم حجم»

همراه این برگه، تعدادی مکعب در دو اندازه‌ی مختلف در اختیار شما قرار می‌گیرد. با همه‌ی مکعب‌های کوچکی که در اختیار دارید، یک شکل بسازید.

- ۱- به نظر شما، کدام یک از شکل‌های ساخته شده توسط گروه‌های مختلف کلاس شما، جای بیش‌تری اشغال کرده است؟ چرا؟
- ۲- شکلی که گروه شما ساخته است؟

چقدر جا اشغال می‌کند (یعنی حجم آن، چقدر است)؟ چرا؟

۳- با یک عدد، بیان کنید که هر یک از مکعب‌های کوچک که در اختیار دارید، چقدر جایی می‌گیرد. برای این عدد، واحد اندازه‌گیری تعیین کنید (پرحسب واحدهایی که می‌توانستید) و دلیل انتخاب خود را شرح دهید؟

۴- فرض کنید ما، در گسوری زندگی می‌کنیم که با واحدهای استاندارد برای اندازه‌گیری حجم، آسانی نداریم و می‌خواهیم با توافق یکدیگر، یک واحد اندازه‌گیری حجم انتخاب کنیم. آیا می‌توانیم یکی از مکعب‌های کوچک را به عنوان واحد اندازه‌گیری حجم، انتخاب کنیم؟ چرا؟ اگر این مکعب، واحد اندازه‌گیری حجم باشد، حجم مکعب بزرگ‌تر چقدر است؟ چرا؟

۵- اگر قرار باشد با مکعب‌های بزرگ‌تر، شکلی هم حجم با شکلی که در ابتدای مکعب‌های کوچک ساخته‌اید، بسازیم، چند مکعب بزرگ لازم است؟ چرا؟

پی‌نوشت  
۱- برای آشنایی بیشتر با اجزای یک اجرای واقعی از این فعالیت و پاسخ‌های دانش‌آموزان و بحث‌های پیش‌آمده در این تجربه، به مطلب زیر مراجعه کنید:  
روایت معنات: مفهومی حجم و واحدهای اندازه‌گیری آن، مهدی بهاری، رشد آموزش ریاضی، شماره ۷۳، فصل ۲۰۱، ۲۳، سال بیست و یکم، ۱۳۹۲، دوم انتشارات کتابخانه‌های

## گفت و گو با مهندس سعید قریشی

مشاور امور انجمن‌های علمی و تألیف کتب درسی

بنابراین ۱۲ سال تحصیلی، به دو

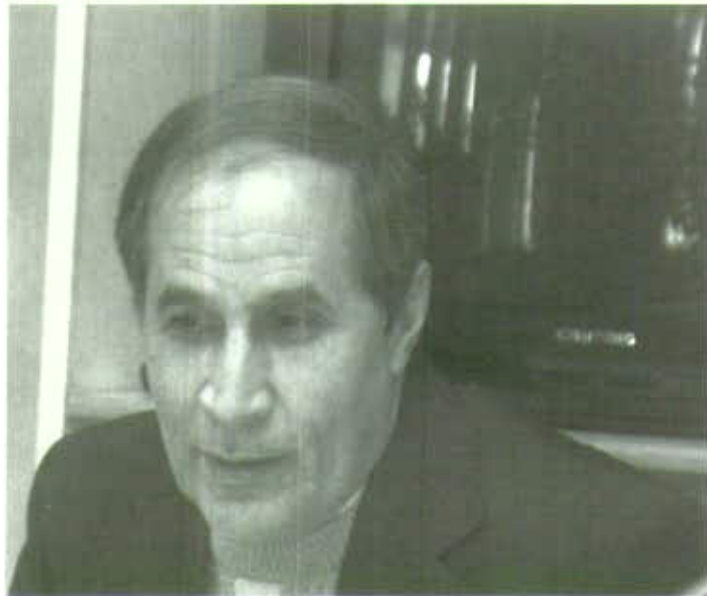
دوره عمومی و متوسطه تقسیم می‌شود؟

● به این مسئله‌های اساسی بر ما توجه نه سین رسیدن آموزش امروزان ایجاد می‌کند. توجه به این که دانش آموزان ما سن تقریباً ۱۱ سالگی دوره‌ی خاصی از رشد ذهنی را طی می‌کنند، باید که بر این است که دروس، پس بر جسمی، عقلی و حسی داشته باشد و خیلی به عقاید اینتراین و ذهنی پرداخته نشود. تقریباً از سن ۱۱ تا ۱۴ سال که دوره‌ی راهنمایی را شامل می‌شود، تغییراتی در سبک دانش آموزان چه به لحاظ جسمی و چه به لحاظ روانی ایجاد می‌شود که حدود ۳ سال به طول می‌انجامد. در سن نوجوانی که سن بیدار شدن است، حسن استقلال ملتی، هویت ملتی و حقیقت‌نانی در فرد شکوفا می‌شود و تفکر انتزاعی شکل می‌گیرد. به طوری که دانش آموزان می‌توانند معاهده انتزاعی را بهتر تجزیه و تحلیل و درک کنند.

در کشور ما از سال ۱۳۵۰ هـ. ش

حدود ۳۵ سال پیس - دوره‌ی راهنمایی تأسیس شده است و از آن زمان تاکنون با تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داخلی و خارجی وسیعی مواجه بوده‌ایم. با این حال به نظر می‌رسد دوره‌ی راهنمایی به لحاظ برنامه و اجرا، متناسب با این تحولات تغییر نکرده است. البته کتاب‌ها کم و بیش تغییر کرده‌اند، ولی ساختار همان ساختار است. به نظر شما علت این رکود چیست؟

● نعمت‌آوردگی شکل می‌تواند داشته باشد و در کشور ما همیشه تر این دو شکل مورد توجه بوده است. یکی تعمیر در ساختار و شکل نظام آموزشی است؛ تحول دوره‌های تحصیلی و رسته‌ها است. این تعمیرات ساختاری یک بار در سال ۱۳۴۵ هـ. ش انجام گرفت و دوره‌ی ابتدایی ۶ ساله به ۵ سال کاهش یافت و دوره‌ی



# یادگیری گنج درون

اشاره

دردی ماه سال ۱۳۸۴ از قول مدیرکل دفتر آموزش راهنمایی تحصیلی مطلبی در مطبوعات چاپ شد که حاکی از مردود شدن حدود ۴۰۰/۰۰۰ نفر دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی در سال تحصیلی ۸۳-۸۴ بود.

به این بهانه و به منظور آشنایی خوانندگان محترم با مسائل برنامه‌ریزی درسی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، با آقای فریسی، مشاور دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی به گفتگو نشستیم:

سوال - منظور از «آموزش عمومی» کدام دوره‌ی تحصیلی است و چرا این نام را به آن داده‌اند؟

● اسم الله الرحمن الرحیم. در این جا فقط «عمومی» دو معنی دارد. یکی این که محتوا و مطالب آموزشی که در این دوره مورد نیاز عموم مردم است و مخصوص کشور خاصی نیست که در

آخر کشورها ۹ تا ۸ سال طول می‌کشد و در کشور «دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی» را شامل می‌شود. دوم این که در این دوره همه‌ی دانش آموزان یکسان آموزش می‌بینند و به حجمی‌ها و رسته‌های خاصی گرایش نمی‌یابند. ولی دوره‌ی دبیرستان به ساختارهای نظری و هنرستان و کاردان و غیره تقسیم می‌شود.



راهنمایی از دوره‌ی متوسطه تفکیک شد. اسامی رشته‌های دبیرستانی تغییر کرد و قرار بود یک رشته‌ی جدید به نام جامع که ترکیبی از نظری و فنی و حرفه‌ای بود نیز ایجاد شود که در عمل انجام نشد. اولین فارغ التحصیلان آن نظام جدید ساختاری، در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷، همزمان با وقوع انقلاب اسلامی، دیپلم گرفتند. بعد از انقلاب شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش تأسیس شد و مطالعاتی را برای تغییر در نظام آموزشی آغاز کرد. طرح ارائه شده از سوی این شورا در سال ۱۳۶۷ به تصویب رسید. سرانجام در سال ۱۳۷۱ اجرای نظام آموزشی جدید از دبیرستان شروع شد. ساختار دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی همچنان محفوظ ماند ولی در دبیرستان تغییراتی در شکل ارائه، عناوین دروس، مدت دوره‌ها و رشته‌ها صورت گرفت. البته برنامه‌ریزان نظام جدید آموزش و پرورش ایران به آموزش عمومی هم توجه داشتند و برای آن دوره هم تغییراتی را پیش‌بینی کرده بودند اما به هر دلیلی که بود، اولویت به دبیرستان داده شد و بعد از آن، به خاطر مشکلات اجرایی این تغییر در دبیرستان، برنامه‌ی پیش‌بینی شده برای دوره‌ی راهنمایی اجرا نشد. پس شاید به کار بردن کلمه‌ی «رکود» چندان به جا نباشد. بلکه بهتر است بگوییم: در بعد برنامه‌ریزی کارهایی صورت گرفته، اما در اجرا با مشکل مواجه شده است.

بعد دیگر، تغییر در محتوا و شیوه‌های تدریس و یادگیری است که در کلاس درس اتفاق می‌افتد. نمی‌توانیم بگوییم هیچ تحولی در این زمینه نداشته‌ایم و دانش‌آموزان ما همان مفاهیمی را یاد می‌گیرند که در سال ۱۳۵۰ می‌آموختند. برخی از کتاب‌های دوره‌ی راهنمایی در طول این سی و سه چهار سال چندین بار تغییر کرده‌اند، برخی نیز حداقل یک بار تغییرات اساسی داشته‌اند.

این یک بعد مسئله است و مسئله دیگر این که آموزش‌های دوره‌ی عمومی جبهه‌ی پایه دارند و باید براساس آن‌ها آموزش‌های بعدی را پایه‌ریزی کرد و به همین دلیل خیلی تغییرپذیر

نیستند. اما به لحاظ شیوه‌های آموزش، می‌توان مانند هر دوره‌ی دیگری از نوآوری‌ها و امکانات جدید بهره گرفت.

**به نظر شما اگر بخواهیم گام دیگری در جهت اصلاح نظام آموزشی در مقطع راهنمایی برداریم، چه اقدامی باید انجام دهیم؟**

● باید یک برنامه‌ی یکپارچه برای کل دوره‌ی راهنمایی طراحی کنیم. و براساس ویژگی‌های سنی دانش‌آموزان و در نظر گرفتن شرایط بلوغ، طوری برنامه‌ریزی کنیم که بتواند پاسخ‌گوی نیازهای دانش‌آموزان باشد.

**آیا وزارت آموزش و پرورش در صدد انجام چنین تغییری است یا نه؟**

● تا جایی که از مراجع تصمیم‌گیری سؤال کرده‌ام، فعلاً تغییر عمده‌ای در حال انجام نیست اما دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی طلق روال همیشگی، تجدینظرها و تجدید تألیف‌هایی را در دست اقدام دارد.

البته ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تغییراتی در محتوای درسی و شیوه‌های تدریس داشته‌ایم. اما تغییر در ساختار تنها کار یک دفتر نیست و کل وزارتخانه باید نسبت به طرح و اجرای آن آمادگی داشته باشد. از سویی، تغییر در محتوای کتاب‌ها به تنهایی، منجر به تغییر شیوه‌های آموزشی نمی‌شود. هوز شیوه‌های آموزشی و ارزش‌یابی، با ویژگی‌های سنی دانش‌آموزان در این دوره متناسب‌سازی نشده‌اند و شاید به همین دلیل است که دانش‌آموزان بازدهی لازم را ندارند. و بعضاً با پدیده‌ی ناخوشایند «ترک تحصیل» در این دوره مواجه هستیم.

**اخیراً «مدیر کل دفتر راهنمایی» اعلام کرده بود: سال قبل حدود ۴۰۰،۰۰۰ نفر مردودی داشته‌ایم که نسبت به سال قبل ۴٪ کاهش داشته است! شما این مسئله را چگونه تحلیل می‌کنید و منشأ آن را چه می‌دانید؟ ساختار دوره‌ی راهنمایی، شرایط سنی خاص دوره‌ی نوجوانی، ناکارآمدی معلمان یا ضعف کتاب‌های درسی؟**

● اشان اشاره کرده بود که درصد مردودی، از ۱۱٪ به ۷٪ کاهش پیدا کرده است. معنی ما قبولی‌هایمان قبلاً حدود ۸۹٪ بوده و اکنون به ۹۳٪ رسیده است. بنابراین ۴۰۰/۰۰۰ نفر مردودی باید مربوط به ۷٪ باشد. رقم ۷٪ در صد اگر درست باشد رقم زیادی نیست زیرا در یک کلاس ۳۳ نفری ۲ تا ۳ نفر دانش‌آموز پیدا می‌شوند که به هر دلیلی موفق نشوند. پس تنها تعداد مردودی را نباید ملاک قرار داد بلکه درصد آن مهم است. مردودی علت‌های مختلفی دارد. از جمله‌ی مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به بازی‌گوشی خود دانش‌آموزان، شرایط خانوادگی نامناسب، کمبود امکانات، جمعیت زیاد خانواده، به کارگیری دانش‌آموزان برای انجام کارهای منزل یا کشاورزی در نقاط روستایی و عدم اعزام به موقع معلمان اشاره کرد. بخشی هم به کیفیت کار معلمان، محتوای کتاب‌های درسی و شیوه‌های ارزش‌یابی بومی‌گردد. البته به صفر رساندن درصد مردودی‌ها در عمل امکان‌پذیر نیست. حتی اگر عواملی مانند معلم، کتاب، آیین‌نامه‌ی امتحانات و غیره را هم اصلاح کنیم، باز دانش‌آموزانی هستند که به هر دلیلی، انگیزه‌ی کافی ندارند.

**شما در مجموع ۷ تا ۱۰ درصد را یک رقم عادی می‌دانید. ولی از طرف دیگر ۴۰۰/۰۰۰ نفر مساوی است با ۱۰۰،۰۰۰ کلاس ۴۰ نفری که باید به خاطر مردودی تکرار شوند و هزینه‌ی خیلی زیادی به بودجه و سرمایه‌ی کشور تحمیل نمایند. بنابراین می‌توان افت تحصیلی را بیش از این کاهش داد.**

● بله. اما به صفر رساندن آن امکان‌پذیر نیست. البته این نکته را هم باید مدنظر داشته باشیم که این ۱۰۰/۰۰۰ کلاس که اشاره کردید به صورت کلاس‌های جداگانه‌ای برای مردودین تشکیل نمی‌شود و این دانش‌آموزان در کلاس‌های عادی بخش می‌شوند و در بسیاری موارد تعداد دانش‌آموزان کلاس به اضافه‌ی چند نفر مردودی از حد نصاب تجاوز می‌کند تا معلم و کلاس جداگانه‌ای مورد نیاز باشد. مسئله مهم‌تر تلف شدن یک سال از عمر خود دانش‌آموزان است.



هدف کسی که در آرزوی معلم شدن است باید روزی گذرن ذهن دانش‌آموزان را باورهای خود

در صورت امکان به تعدادی از

عواملی که می‌توانند در این کاهش مؤثر باشند، اشاره کنید.

● اکثر ترس‌های آزمون‌های آمیخته‌های انتخابات دیگری کسب می‌تواند ناشی از ترس داشته باشد. دانش‌آموزان باید در مدت ۲ هفته کلی آن تجربه‌ی را که در طی سال اموزشی است تجربه کنند. این ترس‌ها و اضطراب‌ها باید در امتحان‌های ناخواسته‌ی که ممکن است برای آن‌ها اتفاق بیفتد، ممکن است باعث حاصل یک سال تلاش دانش‌آموزان را بخت‌ناهم قرار دهد. باید کاری کسب که این تمرکز در زمان امتحانات در طول سال تقسیم شود و امتحانات مستمر نقش اساسی تری داشته باشد البته اگر امتحانات مستمر هم با کیفیت خوب انجام تکند، بی‌نیازی به آن شایع خواهد شد.

کسب‌های دیگر آن که ترس‌های آزمون‌های آرد دوره‌ی راهمایی، شناخت‌سازی نماند. دانش‌آموزان در این سن استقلال طلب هستند و جهت‌جویی زیادی دارند. شیوه‌ی آزمون‌های نام‌نظری است که از این ویژگی‌ها استفاده کند. صلاحیت‌های آزمون‌ها را به‌عقاسب و سازگند و جسد و خودآزاد، و بخشی از آزمون خارج از کلاس درس انتقال پیدا، به‌نوعی که دانش‌آموزان توسط دانش‌آموز خودشان را عالی بداند و احساس سختی نکند. با یادگیری آزمون‌های علمی بر حل مسئله و کاوشگری آن‌ها را به کیفیت و درک مفاهیم نوشتار مکتوب و مقاله‌نقش راهمما داشته باشد. مجموعه‌ی این عوامل، شیوه‌های آزمون‌های را تقویت می‌دهد و این شیوه‌ها امتحانات خاص خود را می‌تواند از لحاظ برنامه و محتوا نیز باید دقت و سادگی دانش‌آموزان را در نظر گرفت. فضای مدرسه و فضای مدرسه هم با توجه به این عوامل، به‌عبارتی باشد.

در سال‌های اخیر بعضی از

درس‌های دوره‌ی راهمایی تغییر کرده است. از جمله درس علوم، (که کتاب‌ها عوض شد و شیوه‌های آموزشی نیز قرار است تغییر کند) با توجه به این که چند سال

از اجرای آموزش علوم می‌گذرد، نکات مثبت آن چه بوده. اما این تغییر موفق بوده است؟

● شما تا حدودی دست‌نزد، بویژه کسانی که اکنون کتاب‌های جدید را مطالعه می‌کنند دانش‌آموزان حساس هستند که در دوره‌ی ابتدایی کتاب‌های جدید علوم را مطالعه کرده‌اند. البته فعلا محدود به معلومات نسبت به اثر اوست عالی که کتاب‌ها را عوض می‌کنیم می‌توانیم همه‌ی معیارها را بخت آموختن قرار دهیم. همچنین که تجربه آموزشی قرار می‌گیرند به اسان و محل خدمت خودشان برمی‌گردند. تا معلمان دیگر با بخت آموختن قرار دهند. بعضی از آن‌ها آن‌ها از دانش و توانایی آن‌ها را ندارند. و تا خود را خود در این فرآیند نامفاد از اوقات با توجه می‌تواند زیرا اکثر این معلمان فقط خودشان توجه شده‌اند و نمی‌توانند دیگران را آموزش دهند.

از طرفی همه معلمان فرصت حضور در این کلاس‌ها را ندارند می‌کنند.

بالاخره، معلمان در حالی شروع به بررسی کتاب‌های جدید می‌کنند که با شیوه‌های آموزشی آن‌ها آسان‌تر گاهی برآید. مشاوران با سعی و حفا و اقتضای کارشان را انجام می‌کنند و بعضی از چند سال به روش خودشان عملت می‌کنند و تصور می‌کنند که دیگر معلمان را در برآید و سری به سر که در کلاس‌های آموزشی حسی نمی‌کنند.

عامل بین دفتر آموزش راهمایی

تحصیلی (در معاونت آموزش عمومی) که محوری است با دفتر برنامه‌ریزی و تلف کتاب‌های درسی که تهیه‌کننده‌ی برنامه و کتاب است چگونه صورت می‌گیرد؟

● این عامل در دو بخش انجام می‌گیرد. یکی در بخش برنامه‌ریزی البته دفتر برنامه‌ریزی و تلف برنامه‌ریزی است. و دیگری در اجرا که به دفتر آموزش راهمایی مربوط است. عامل در بخش برنامه‌ریزی به این شکل است که در شورای راهمایی برنامه‌ریزی، از معلمان‌گان دفتر آموزش راهمایی (معلمان) دعوت می‌شود در آن شورا شرکت کنند. معرفی و انتخاب این معلمان از گروه‌ها و از طریق دفتر آموزش راهمایی صورت می‌گیرد که معکس‌کننده‌ی

بعضی معلمان و دفتر آموزش راهمایی هستند. همچنین، در طول سال، شناسایی‌هایی از سوی دفتر آموزش راهمایی و بخشی‌های دیگر وزارت خانه برگزار می‌شود. و از کارشناسان و معلمان دفتر تلفات برای شرکت در این همایش‌ها دعوت می‌شود. با هم دیدگاه‌ها و برنامه‌های دفتر برنامه‌ریزی را اعلام کنند و هم مطالب و پیشنهادها مطرح شده در همایش‌ها را به دفتر تلفات و برنامه‌ریزی معکس نمایند. در حقیقت چرا هم دفتر آموزش راهمایی در امور بخشی، اجرای آزمایشی و ارزشمندی از برنامه‌های درسی با دفتر تلفات همکاری می‌کند.

در حال حاضر برای نظارت به

آموزش، از چه شیوه‌هایی استفاده می‌شود؟

( این نظارت در بعضی کشورها توسط معلم راهمما و در بعضی کشورها با بازبینی از کلاس و غیره انجام می‌شود و بعضی کشورها برای این کار از افراد شناخت هم‌هنگ استفاده می‌کنند. اما ما شیوه در کشور ما این کار به نحو مطلوب صورت نمی‌گیرد و باید یکی از دلایل این بحالی بر همین باشد.

چه عوامل دیگری می‌تواند در ارتقا

کیفیت دوره‌ی راهمایی تحصیلی مؤثر باشد؟

● می‌تواند محور بودن یادگیری از اسان همه معیارها در برنامه‌ریزی قرار دهند و همه‌جانبه را حول و حوش «یادگیری» سازماندهی کند و اسان را این بدانند که دانش‌آموز نه‌مصرفه‌ی این اقدامات یادگیری و حواص هم یاد بگیرد. در دهه‌ی باستانی قرن گذشته کم‌سپاسی در سازمان‌های یونسکو تشکیل شد تا چالش‌های آموزش و پرورش در قرن ۲۱ را مورد بررسی قرار دهد. صاحب‌نظرانی از کشورهای مختلف با بررسی راک دلتور عضو این کمیسیون بودند که خلاصه‌ی گزارش آن محبت عثمان «یادگیری گنج درون» از سوی بروه‌شکنده‌ی تعلیم و تربیت منتشر شد و در آن یادکند شده بود که یادگیری باید بر چهار ستون استوار باشد و آموزش‌های ما در قرن بیستم و یکم باید بر ماس این چهار ستون برنامه‌ریزی شود.



- ۱- یادگیری برای دانستن
- ۲- یادگیری برای انجام دادن
- ۳- یادگیری برای زیستن
- ۴- یادگیری برای با هم زیستن



### یادگیری برای دانستن؛ دانش آموز

به طور فطری از دانستن خوشحال می شود و از آگاهی لذت می برد. برنامه ها باید طوری باشد که نیاز دانش آموز به دانستن را برطرف کند و یادگیری را برایش لذت بخش سازد.

### یادگیری برای انجام دادن؛ دانش آموز

باید آموزه هایش کاربردی باشد و آموخته هایش به دردتش بخورد.

### یادگیری برای زیستن؛ با آموخته هایش

باید بتواند امورات زندگی خود را به بهترین شکل نظام بدهد. نیاز هایش را خوب تشخیص بدهد و از راه درست بتواند برای آن ها پاسخ تهیه کند.

### یادگیری برای با هم زیستن؛ دنیای ما

به وسیله ی وسایل ارتباطات جمعی به دهکده ای کوچک تبدیل شده است. بنابراین نیاز شدید به تعامل با دیگران داریم و باید یاد بگیریم که چگونه دیگران را بشناسیم، به فرهنگ آن ها احترام بگذاریم، چه طور از یکدیگر تاثیر مثبت بپذیریم، چه طور از تاثیرات منفی دیگر فرهنگ ها مصون بمانیم، کجا لازم است روی نظر خودمان بایستیم و کجاها از حاصل کار و اندیشه ی دیگران استفاده کنیم. همه ی این ها از جمله نکاتی است که باید در برنامه ریزی مورد توجه قرار گیرد.

اگر برنامه ها طوری تغییر کنند که در آن ها ویژگی های سنی و روحی و جسمی و ذهنی دانش آموزان مورد توجه قرار گیرد و شیوه های آموزشی متناسب ابداع شود و روش های ارزشیابی مطابق روش های جدید اصلاح شود، به طوری که دانش آموزان از امتحان و ورقه نترسند و اضطراب امتحان نداشته باشند و علاوه بر آن این چهار ستون را که حاصل تجربه و دانش جمعی از متفکران این عرصه است، مدنظر قرار دهیم، خواهیم توانست برنامه های مناسبی را برای آینده ی نظام آموزشی کشورمان طراحی کنیم.

# معلم ها عبور می کنند

سال ها پیش به عنوان دبیر در یکی از مدرسه ها مشغول به تدریس شدم. پس از چندی با یک همکار جوان از اهالی اصفهان که تازه مشغول کار شده بود و پدرش نیز فرهنگی و اهل فضل بود، انس بیش تری پیدا کردم.

مدتی نگذشته بود که دیدم آن همکار جوان روحیه ی کار و شادابی را از دست داده و ظاهراً بدون اطلاع خانواده، برای کسب درآمد بیش تر به دنبال انتقالی به ادارات پر درآمد است. اگرچه بیش تر ما دچار مشکلات همانندی بودیم، اما مشکلات بروی او اثر بدتری گذاشته بود و می گفت ناخواسته دبیر شده و هشت اش گروه اش است.

اتفاقاً پس از پنج شش ماه خبر رسید که پدرش حادثه ای ناگوار، در گذشته است.

این دوست، پانزده روزی برای مراسم خاک سپاری و عزاداری به شهرش رفت و من تصور نمی کردم که دیگر برگردد.

وقتی از اصفهان برگشت، متوجه تغییرات مثبت روحی و معنوی قابل توجهی در او شدم. با خودم گفتم شاید ارثی به او رسیده یا با درخواست انتقالی اش به جایی نان و آب دار موافقت شده است که چنین راضی و با روحیه به نظر می رسد.

یک هفته نگذشته بود که کنجکاوی ام از حد گذشت و بالاخره سکوت را شکستم و گفتم: «دیگر درد دل نمی کنی. حالا که بخت به تو رو آورده و می خواهی بروی ما را قابل نمی بینی که محل کار تازه را لو بدهی... کجا می روی، نفت یا بخش اقتصادی...؟»

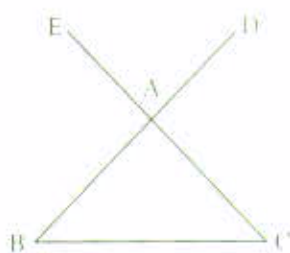
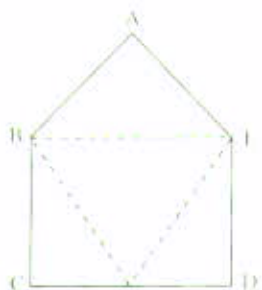
نگاهی عاقلانه به من انداخت و گفت: «جایی نمی روم. البته باید زودتر می گفتم ولی فکر کردم لزومی ندارد. حقیقت آن است که در چند هفته ی گذشته بسیار خواب بدم را می دیدم. آرامشی داشت که باور کردنی نبود. اوایل ندیده می گرفتم، اما رفته رفته با حرف ها و علایمی که از درون من و نیتم داد، ایمان پیدا کردم که واقعیت را می گوید. نهایتاً در عالم خواب از او پرسیدم: بابا چه طوری؟ چه گونه گذشت؟»

پدر، با چند کلمه تکلیف مرا روشن کرد: «پسرم! سخت بود اما من گذشتم. تو هم صبر کن. این جا تنها کسانی راحت عبور می کنند که معلم هستند. و بقیه را نگه داشته اند و جواب می خواهند!»

# هندسه آموز (۱)



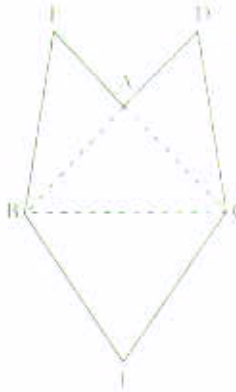
هر گدازه از اضلاع  $BA$  و  $CA$  زاویه  
اندازه‌ای بسطیده و بر  $(BC)$  از سمت  $A$  ادامه  
بدهید. به نقطه‌های  $D$  و  $E$  برسید.



یک دایره به مرکز  $C$  و شعاع  $CD$  رسم  
کنید. یک دایره دیگر به مرکز  $B$  و شعاع  $BF$   
رسم کنید. دایره‌ی  $F$  را ترسیم کنید.



مسئله  $AEBFCD$  گسترده‌ی هرم  
نورده‌شده است. سکن  $4$  از روی خطوط بریزید  
و از روی خط  $AC$  ها را کنید و با یوار جست  
جستار.



به جای آن می‌توانید از یک ضلعی  
 $ABCDE$  نیز استفاده کنید.

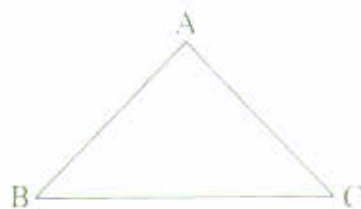
بازی‌ها و سرگرمی‌های فکری برای  
کودکان جذاب و گمراه کننده، از سوی دیگر  
معلمین ریاضی برای هدایت مفهومی معادله  
جدید (مجموعه‌ی فرسین کودکی و چگونگی)  
به‌ویژه برای ایجاد دارند، که نتیجه‌ی آن‌ها هنوز  
هیچ مسئول و متولی جدی ندارد. برای همین  
تغییر خواهیم کرد تعدادی بازی فکری را که  
**هندسه‌آموز (۱)** اولین آن‌ها است. به‌عنوان  
ریاضی از آن‌ها.

در طراحی هندسه‌آموز (۱)، سعی شده  
است، از ملاحظاتی اساسی آموزش به‌داری‌های  
فکری برای ارائه‌ی مفاهیم ریاضی استفاده  
شود. با معلمان بتوانند در محیطی سازد به  
مفاهیم ریاضی را انتقال دهند.

این مدل از  $24$  چهار وجهی یک شکل و  
تعداد شکل شده که می‌تواند مجموعه‌ی  
آن‌ها را به شکل‌های مختلف کنار هم قرار داد و  
شکل‌های جدیدی گوناگون بوجود آورد.  
هندسه‌آموز (۱) نسبت از آن‌ها به روابط متوجهی  
آنها را به‌داری‌های و هم از نظر اندازه‌ها را در آن  
کاربری ساخت و استفاده از عمل لازم است  
اساس ریاضی آن توسط معلمان بررسی شود.  
این مشخصات ساختاری هرم بنا و بعد،  
تاریخ‌های جدید را شرح می‌دهند.

## رسم گسترده‌ی هرم مینا

خط قائم‌الزاویه‌ی متساوی‌الساقین  
 $ABC$  را به قطر  $BC$  را ترسیم کنید.



می‌توانید  $24$  عدد از این هرم‌ها را با کاغذ  
رنگی بسازید تا مجموعه‌ی  
هندسه‌آموز کامل شود.

## ویژگی‌های چهاروجهی مینا

الف - اگر حلال کوچک‌ترین مال آن‌ها  
برابر واحد نظر کنیم به طول دو مال آن برابر  
 $2$  و دو مال دیگر برابر  $3$  و طول مال بعدی  
هم برابر  $2$  است.

ب - در آن فرجه‌ی این چهار وجهی سه  
فرجه قائمه است و دو فرجه مسطحی  $60$  درجه  
دارد و بالاخره فرجه‌ی دیگر مسطحی  $45$   
درجه دارد.

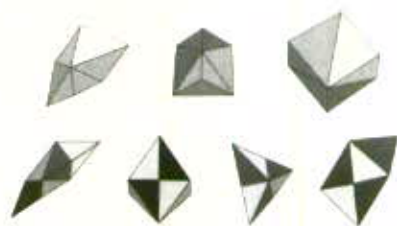
ب - در چهار وجهی آن یک وجه مثلث  
قائم‌الزاویه و مساوی‌الساقین است، دو وجه  
دیگر مثلث قائم‌الزاویه و یا هم مساوی هستند و  
بالاخره دو وجه آخر مثلث متساوی‌الساقین است که  
مساحت آن دو برابر سطح دو مثلث قبی است.  
و آن‌ها این سطح را می‌توانند.

## کارایی

۱- با این عدد از این هرم‌ها حلقه‌های  
متغلی ساخته می‌شود.



ت- سه نوع متوازی السطوح



۵- مشابه اشکالی که با این هرم‌ها ساخته شوند را می‌توان در ابعاد بزرگ‌تر ساخت.

۲- با هشت عدد از این هرم‌ها حجم‌های مختلف زیر ساخته می‌شود.



فضای سه بعدی، محاسبه‌ی مساحت و حجم اشکال و حجم‌های مختلف، قضیه‌ی تالس، قضیه‌ی فیثاغورس، مدل برای اتحادهای جبری، مدل برای گروه‌های تبدیل مخللف، نمایش بعضی دنباله‌ها و سری‌های عددی، آموزش زنده‌ی چگونه مسأله را حل کنیم.

۶- انجام این بازی‌های فکری برای کودکان و نوجوانان فوق العاده سرگرم کننده و سودمند است. البته باید توجه داشت که همه‌ی آن‌ها از بی‌جدگی یکسان برخوردار نیستند و در ساخت آن‌ها باید سن دانش‌آموزان را در نظر گرفت.

۳- با دوازده عدد از این هرم‌ها حجم‌های مختلفی ساخته می‌شود که ساختن آن‌ها را به خواننده واگذار می‌کنیم.

این بازی، گنجینه‌ای برای تفهیم از مسائل ریاضی را در اختیار علمبان قرار می‌دهد.

۷- هندسه‌آموز در بخش‌های زیادی از مباحث ریاضی دوره‌ی عمومی کاربرد دارد و از آن می‌توان به عنوان یک مدل تخصصی برای تدریس در مقاطع گوناگون تحصیلی استفاده کرد. از آن جمله:

۴- با ۲۴ عدد از این هرم‌ها احجام مختلف زیر ساخته می‌شود:

۸- بازی‌های جمعی‌ای که با این وسیله انجام پذیر است، علاوه بر پرورش روح همکاری در دانش‌آموزان، یادگیری مطالب مشکل را برای آنان آسان می‌کند.

مجموعه‌ها، طبقه‌بندی، نمایش کسرها، متعارفی و جمع و تفریق آن‌ها، تدریس اشکال مختلف (مثلث، مربع، لوزی، متوازی‌الاضلاع، ذوزنقه، مکعب، مکعب مستطیل، منشور، متوازی السطوح، هرم)، تساوی مثلث‌ها و اشکال دیگر، تشابه اشکال مختلف سطح و سه بعدی، تقارن‌ها و دوران‌های مختلف در صفحه و در

الف- چهار نوع مکعب مستطیل

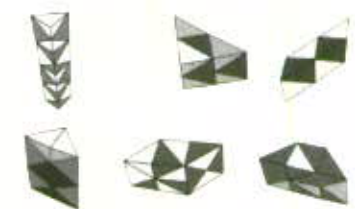
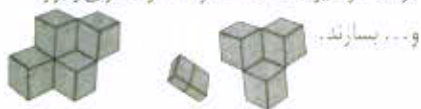


ب- یک نوع مکعب

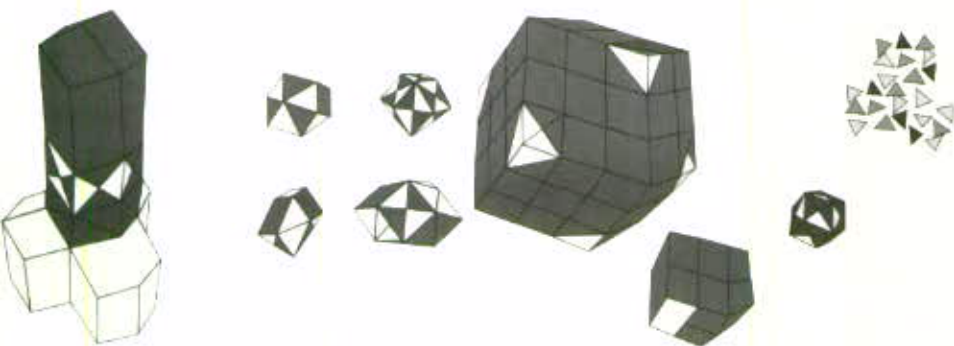


ب- شش نوع منشور قائم

۹- امکان ساخت اشکال متنوع به کودکان امکان می‌دهد، با کمک تعداد زیادی از قطعات، ماکت‌هایی از اشیاء مختلف، مانند موشک و حیوانات مختلف و خانه و گندوی زنبور و... بسازند.



ت- دو نوع منشور مایل



# هدیه ای بهترین که گرفته ام

فرشته یاربی

هنوز سلامتی به صورت خوب حس می‌شده بود، کپل رنگ خاله به حد آرد بود، وقتی بر را می‌کردیم یکی از دانش آموزانم با در آستینش در دیده، او بعد از سلام و احوال پرسشی روز معین، تبریک گفت، پس از جواب سلام و احوال پرسشی او روانه داخل خانه دعوت کرده، کسبوی بیوی کوچک را که از دو طرفه قیاس بریزی ها، مثل «سنگ» کرده خورد، بعد به دست داد و دوباره روز معین، تبریک گفت.

مادر می‌سپرد بر سر نصف صندلی‌ها، به دانش آموزان گفته بود که حتی بخسایم آید هیچ هدیه ای برای معلمان خود می‌آورند، به همین دلیل یک خانه در خانه می‌داده و هدیه های را که تهیه شده بودند، دور از چشم مدرسه به آن ها می‌دادند. گفته: مگر خاله صندلی گفته است این معلم ها هدیه می‌آورند؟

خبرید و گفت: خاله خبر قابل داری نیست، برای سبز کوچولویان آورده ام. می‌دانستم که خانوادگی این دانش آموز یکی از فقیرترین مردم ده و بخش بودند، هدیه می‌دادند، هدیه می‌دادند کسبوی کپنه و خاک آلود، بیخنده شده بود، هدیه را گرفتیم از او پذیرایی کرده، بعد از صحبت و تعریف از هر دوی و احوال پرسشی را خوانده، به او گفته: حالا کجوستیو با این هدیه ای آورده ای؟

با جوش خالی گفت: خاله یک کسبوی سبزه، زرد اما تا اگر سبز کوچولویان بر ما خورد، توانم فرس درست کنی، باز هم از این همه محبت او بسیار شکر کردیم و ساجسی بعد، خدا حافظی کرد و رفت.

کسبوی خاک آلود را به گرم، کسبوی کپنه درون آن بود، خسایم بر از سنگ شد، چون می‌دانستم که او برای ابرار بخش، می‌زی، به جز همین سبزه ای کپنه ندانسته است.

بر روزهای بعد دانش آموزان دیگری به در خانه آمدند و هر کدام به نوعی سخت خود را ابرار کردند، یکی نمکدان بلاستیک، دیگری عینکی، یکی کفش سبزه، یکی ابرو اسک، یکی سبز، یکی سبزه و دیگری اما برای او آورده بود، سال هائی بعد هم، چه بر روستا و چه در شهر، هدایای بسیاری دریافت کردم ولی هیچ هدیه ای از آن سبزه ای کپنه که در بلاستیک خاک آلود بخنده شده بود، برانیم عزیز تر و گرامی تر نبود.

زمان معلم بزرگی است، اما همه ی ساگردانش را می‌گذرد.

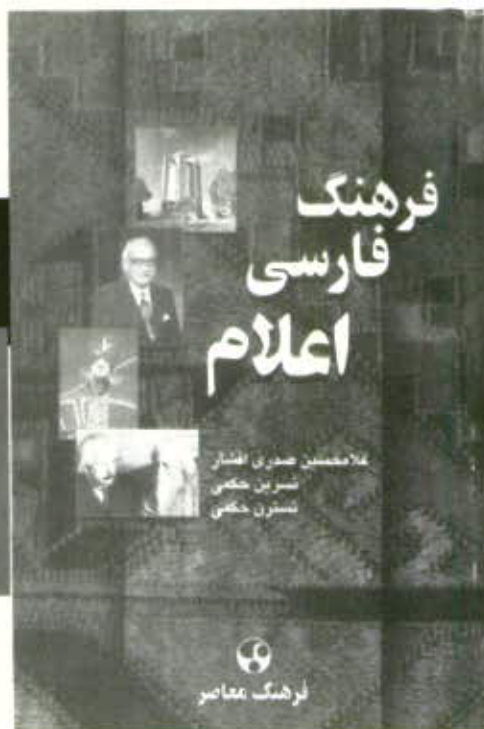
فرشته یاربی

بی نوشت  
 ۱. سنگ دستمان که از دو طرف بخنده شده، کوه می‌شد.  
 ۲. رنگ نوعی که کوه کسبوی را نشان می‌دهد، این به خالی انوار استاده می‌گفت.  
 ۳. کسبوی رنگی که آن تکرار رنگ خالی است، می‌شود، کسبوی سبزه ها را می‌گویند و آن کسبوی است.



# فرهنگ فارسی اعلام

مؤلفان: غلامحسین صدری افشار، تسرین حکمی، نسترن حکمی  
ناشر: فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۳



جمال‌الدین واعظ (۱۲۷۹-۱۳۲۶ قمری) روحانی مشروطه‌خواه ایرانی. از مردم اصفهان که در آغاز انقلاب مشروطه در تهران با سخنرانی‌هایش مردم را تهییج می‌کرد. پس از کودتای محمدعلی شاه در همدان دستگیر و در بروجرд کشته شد.

**حاجی لره:** نام بیسن سپهر مستودشت در استان گلستان  
**حیات یحیی:** کتاب فارسی از میرزا یحیی دولت‌آبادی، در شرح حال خودش و رویدادهای تاریخی معاصر.

**عالی جناب خاکستری (۱۵۷۷-۱۶۴۸ میلادی)** لقب فرانسوا لو کلو دو ترامبله راهب فرانسوی از نزدیکان ریشخو سندر اعظم فرانسه، که بسیاری، کارهای ریشخو را نمانی از زبانی‌های او می‌دانستند. بعدها طبر احسان بوطنه‌های سیاسی شب‌برده این لقب را یافتند.  
**کتابیون:** (اساتمامه) دختر قیصر روم، همر گشتاسب و مادر اسفندیار

**متدلیف، دیمیتری (۱۸۳۴-۱۹۰۷ میلادی)** شیمدان روس، کاشف جدول تناوبی و دارای پژوهش‌هایی درباره‌ی گازها و محلول‌ها.

براین اساس همدی شهرهای کنونی و بسیاری از شهرهای قدیمی ایران، همه‌ی کشورها و پایتخت‌های جهان، بسیاری از معروف‌ترین شخصیت‌های سیاسی، ادبی، هنری، علمی، جهانگردان، کاشفان و مخترعان، کتاب‌ها، نقاشی‌ها، بناها، فیلم‌ها و نمایشنامه‌ها، جنگ‌ها، انقلاب‌ها، بیمان‌ها، بیمان‌نامه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای جهانی، جشن‌ها، روزهای یادبود، اساطیر، دین‌ها، فرقه‌ها، زبان‌ها، و قوم‌ها معرفی شده‌اند.

نکته‌ای که مؤلفان نیز بر آن تاکید کرده‌اند این است که این کتاب یک «فرهنگ» است نه «دانشنامه»، یعنی در آن اصلی‌ترین آگاهی‌های اولیه در زیر هر نام عرضه شده است تا خواننده بداند آن نام چیست و به چه مقوله‌ای مربوط است. در ضمن، همه‌ی مداخل‌ها دارای آوانگاری به حروف لاتین است که این خود کمکی است به صحیح خواندن مداخل‌ها، و بالاخره این که، این فرهنگ مصوّر و دارای تعداد بسیاری عکس، تصویر، نقشه... است. در این جا چند نمونه از مداخل‌ها را با شرح هر یک (بدون آوانگاری) نقل می‌کنیم.

لغت‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها، دانشنامه‌ها، دایرةالمعارف‌ها و در یک کلمه «کتاب‌های مرجع» نقش بسیار مؤثری در گسترش علم و آگاهی دارند. هر قدر دانشوران یک جامعه اقبال بیشتری به این گونه کتاب‌ها نشان دهند، نشانه‌ی رشد بیشتر آن جامعه است و این بیدیه‌ای است که خوشختانه در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی مشهود و روبه رشد است.

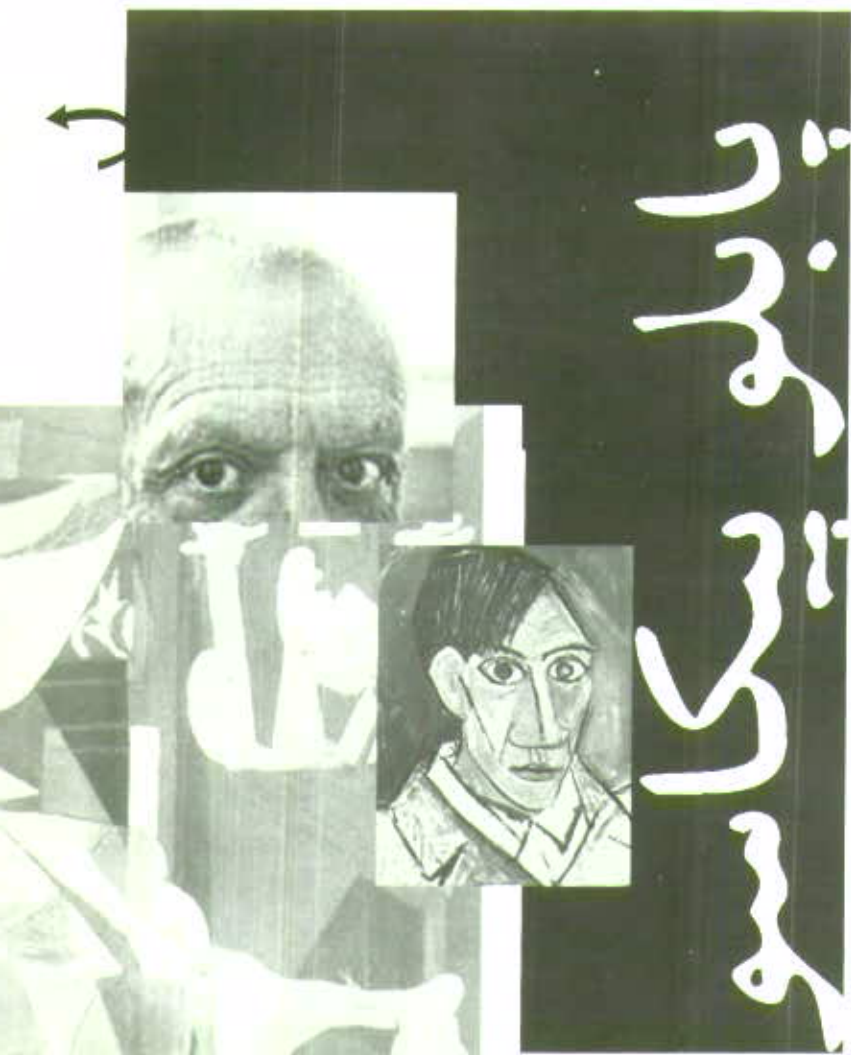
جدیدترین کتاب مرجعی که، پس از ده سال تلاش مؤلفان، در ماه‌های اخیر به بازار آمده کتاب «فرهنگ فارسی اعلام» است. مؤلفان این فرهنگ قبلاً با انتشار «فرهنگ معاصر فارسی» به نوآوری قابل تحسینی در عرصه‌ی واژگان فارسی دست زدند و اکنون نوآوری دیگر خود را به دست‌آران دانش عرضه کرده‌اند.

فرهنگ فارسی اعلام، شامل حدود ۱۴۰۰۰ مداخل، با توجه به یکی از ویژگی‌ها است:

- ۱- تعلق به زمان معاصر یا گذشته‌ی نزدیک؛
  - ۲- تعلق به ایران به مفهوم تاریخی آن؛
  - ۳- تعلق به سرزمین‌های هم‌جوار؛
  - ۴- تعلق به خلاقیت‌های فکری و فرهنگی؛
- شد معروفیت در ایران.

صورتک‌های سیاهان آفریقا الهام بخش مکتب کوبیسم

فرهاد نامدار اصفهانی



سکاسو، سالگرد مکتب کوبیسم، یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین بخش‌های معاصر غربی است. با این حال کمتر کسی رصد می‌کند تا بخواهد و بفکری‌های او را به عنوان نوی زیاده در انتظار خود و دیگران قرار دهد. این در حالی است که آثار دیگر نقاشان غربی در همه جا به وفور دیده می‌شود. چرا چنین است؟ به نظر می‌رسد علت را باید در خود سکاسو و هنریش یافت.

سکاسو اسپانیایی بود. وی در اکتبر ۱۸۸۱ میلادی در شهر مالاکا به دنیا آمد. نام اصلی و کامل او چنین بود: «ماریانو پیکاسو کریستینو دل‌لا-کامپوستا پومپو». وی در «سکاسو» و «والن» و «سراچاد» در ماریانو سکاسو را انتخاب کرد و در «دی مالو» چشم‌انداز آن سکاسو نام خانوادگی پدرش بود.

پیکاسو معلم نقاشی بود و پسر هم‌راز پدرش در سس گرفت. فرزندانی که تمام نقاشی می‌کرد. در چهارده سالگی یک چهره‌ی افرا را می‌کشید و در شانزده سالگی در دانشگاهی

حکایت‌های خردی از او و نام او را به خود دیده بود. بهانه انقلاب اکتبر شوروی را، ایران هم هنوز انقلاب عشق و مهر اندوده بود. سکاسو در مدت کمی سه نام داشت: فریاد، بولدار و سونته. در دهه بیست و هفتاد میلادی به نام «هنر جهان» نامش کرد. در این دوره به مجامع جامعه توجه کرد و مجموعه‌ی مهمی از نگاشتن، رمان و مردان عمده، باطن‌های مختلف و دست‌های اسجونی، مدرن و کودگان معیشت‌رده، کمال، پدیدره‌ی نرسانده و غیره را موضوع آثار خویش قرار داد. کارش چنان موزون بود که قرار گرفت که در ۲۵ سالگی در اروپا نقاشی کاملاً ساخته شده بود. تک ماریانو فرانسوس روس به نام

فریاد از او، در سونته و فریاد و اتحادات دیوار تک نهادن از نگاشتن و فریاد در ساز و در سالگی در نمایشگاه هنرهای زیبای مادرید شرکت کرد و جایزه گرفت. از آن پس، با انگیزه‌ی بسیاری به کار ادامه داد و دست و پویان را به نقاشی گذراند. در حال حاضر، در اندیشه، رقصان‌ها و فریادهای نرسانده می‌رود و به هر فردی هرگز نمی‌رسد. این را از آن فریاد می‌دانند و نقاشی آن را می‌کشند: یک رده، راه‌انداز، کارگران، یک فریاد، هر دو مرد فریادبران و کارخانه، ترسکه‌ی می‌روند...

پیکاسو در ۱۹ سالگی - ۱۹۰۰ میلادی - به پاریس رفت. در آن هنگام جهان هنوز به



سرنخی سجو کین ۵۰ تابلو از او خرید و شخص دیگری به نام گرتروود استاین، کلکسیونری از کارهای او را برای خود ترتیب داد.

### و اما کویسیم!

نخست باید دانست که پیکاسو از نقاش‌های هنرمندی است که همچون وان گوگ، تنها در یک سبک کار نکرده است، که با یک نظر بتوان اثرش را از اثر نقاشان دیگر تشخیص داد. پیکاسو

ترکیبی از مخروط، استوانه و کره ساخته شده باشد. این دو نفر، یعنی پیکاسو و براك، «مگب» را نیز بر آن اشکال افزودند و با تجربه‌ی جدید، نقاشی‌های تازه‌ای پدید آوردند که خود به عنوان مکتبی نو در نقاشی مشهور شد.

مکتب کویسیم به دلایل مختلف، احتمالاً به علت نداشتن چشم‌انداز زیبا و استفاده از رنگ‌های خشک و بی‌روح که پیکاسو عمدتاً به کار می‌گرفت، با وجود شهرت فراوانش،

مدتی، وقتی جنگ دوم جهانی شروع شد و نازی‌ها فرانسه را اشغال کردند، پیکاسو که در فرانسه بود، حاضر به فرار نشد و تا پایان دوره‌ی اشغال پاریس، در شهر ماند و از همکاری با دشمن سر باز زد.

پیکاسو تا هفتاد، هشتاد سالگی همچنان نوآور، فعال و ست‌شکن بود. تابلوهای معروف به جای مانده از او معروف هنر اوست. از جمله تابلوهایی: گورنیکا، چشم‌انداز: مدیترانه‌ای، کشتار در کره، دوسیره‌های اوسون.

پیکاسو درباره‌ی خود نوشته است: «اگر موضوع‌هایی که خود خواسته‌ام بیان کنم، شیوه‌های بیانی متفاوتی را پیش کشیده‌اند، که



جاذبه‌ای برای عامه‌ی مردم نداشت. جالب این که پیکاسو هنوز سی ساله نشده بود که مکتب کویسیم را با زرز براك بنیاد نهاد.

به هر حال، پیکاسو بسیار پیر کار بود و بی‌وسه سبک‌های جدید را تجربه می‌کرد. مثلاً مدتی از سبک اسلیمی که غربی‌ها به آن آرایسک (عربانه) می‌گویند و بسیار ظریف، زیبا و سیال است، در کارهایش استفاده می‌کرد.

هنگامی که ژنرال فرانکو اسپانیایی، در سال ۱۹۳۶ م. از مراکش علیه دولت جمهوری اسپانیا قیام کرد و جنگ‌های داخلی اسپانیا، شروع شد، پیکاسو بی‌پنجاه و چند ساله، در جمهوری خواهان قرار گرفت و بعد از

در سن هفت سبک مختلف و کاملاً متفاوت کار کرده است. درباره‌ی بیدایش سبک کویسیم گفته‌اند: وقتی همکارانش صورتک‌ها و پیکره‌های خوبی سیاهان آفریقا را اولین بار برایش آوردند او شیفته‌ی زاویه‌های تند، سطوح تیز و ترکیب دراماتیک و براعوج‌جاده‌لوحی و خنونت در آن‌ها شد. این آثار بعد تازه‌ای را در نقاشی مطرح می‌کرد که التهام بخش پیکاسو در ابداع مکتب کویسیم شد، و البته اثرش را بعدها به خوبی نشان داد. پیکاسو و همکارش، زرز براك که در به وجود آوردن سبکی جدید می‌کوشیدند، در این سخن پل سزان، نقاش فرانسوی تعمق کردند که گفته بود: «به نظر می‌رسد شکل چشم‌اندازها و اشیاء از



کسی که جرأت داد دادن دارد. هرگز از یادگیری باز نمی‌ایستد.

هرگز در کاربرد آن‌ها تردید نکرده‌ام. هر بار که چیزی برای گفتن داشته‌ام، آن را به شیوه‌ای که احساس کرده‌ام برایش مناسب است بیان کرده‌ام.» اگر چه قصه‌وت‌ها درباره‌ی پیکاسو متفاوت و مختلف است ولی یکی از ستایشگران او به نام جیمز ترال سایی گفته است: «پیکاسو یکی از خازق‌العاده‌ترین تصویر آفرینان تاریخ طولانی هنر بوده است و خواهد بود.» پیکاسو در سال ۱۹۷۳ م. درگذشت.

# به دانش نبد شاه را دستگاه

قسمت سوم



نبرد طبر

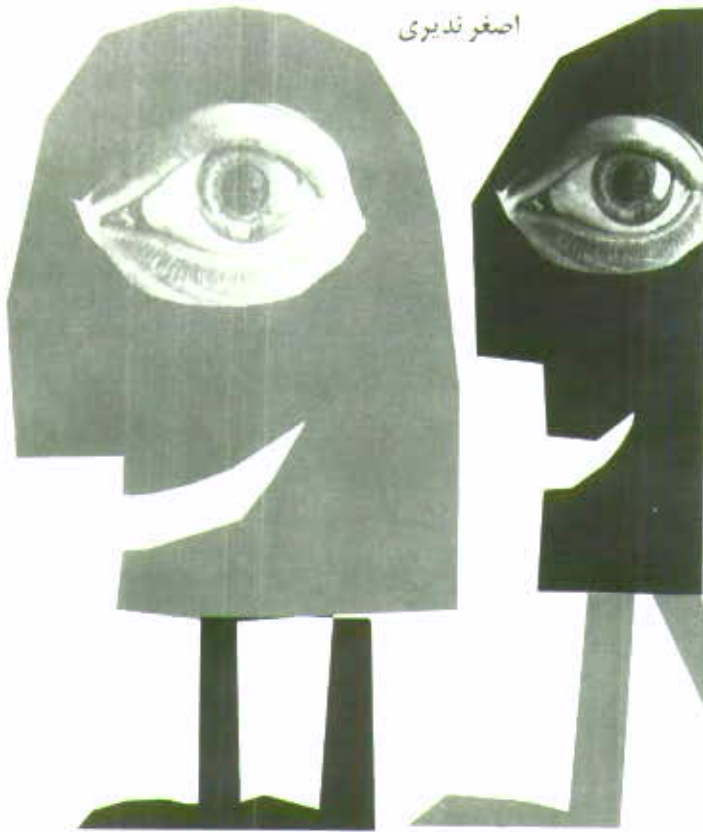
«جهان طبر روی یک هزار به دور تو گویم یعنی انسانی الا، و شبه زکات در نوس است و عقوبات مختلفه از سوچی و سدل تا حدی و اسیریدها در برعی گریه داشته‌اش از نهایت تفاوت و خشونت تا دست‌سکوده و حراف است، تک‌گویی، گفت‌گو، نامه، خطبه، روایت، تصویر حالات، تخصص بر داری، تمایل خیالی، مدح‌گه، فال، لحنی‌های گوناگون، تلفظ‌ها را از لایه‌های ذهن مانند تخته، فکاهه، تسخر، کتافه، طعنه، تندی و هتاک»

طبر خوره و سعی است که هم عقوبات سوچی و خوددستی را بر برمی‌گیرد و اساساً سبکی اجتماعی است و عقوبات سعی در آن می‌گردد.

حربه‌های عشق و مرگ به خاطر جریسده است اینت بیان از هر سوی حظه‌های طبر قرار می‌گیرند. طبر سبکی می‌کند، بلکه یاد آورده‌ها را می‌خواند و می‌تواند ترحمی بر سوهی زندگی یک شخص باشد. طبر به تفاوت بیان: جانی که حسنه و جانی که ناند داشته‌ها جوی اگاه است، وجه تمام طبر را همچو در این است که بار بار این طبر عمومی است، حال آن‌که همچو شخصی خاص را هدف می‌گیرد و کمتر بودن در تیب وجود دارد که از طبری برود رسد.

دستوار بر آن است که طبر به مورهای سیاسی برسد، زیرا هزار یکدیگر با یک برار مواجانبه به قول سید جمال آقسه رفیق و آقسه امین و ساج گریه‌خورش همین‌جا چهره می‌باید، تقریبی که به شناخته‌شده دارد و به تلافت از این عرصه سربز آورد نه اعتبار خواهد شد سراج:

اصغر ندبیری



آدمیان به سون از این بحر عشق  
خبره کنند و بکنند به آب آلوده

## مستعار یا نام طبر بردار!

آدمیان بردار از این بحر طبر نام تمام‌هایی بر می‌خورد  
تحت این کتا که نه‌ال مستعار گویند، همانند  
تختی، نعمتی، سعیر، صبر، آرزو، در کوس، ده مستعار،  
حال و روز خود، خدمت، خدمتی، شای، خدمت  
و... در این صورتی بود.

در گذشته‌های دور مستعارها را از این‌ها می‌گفتند  
(۱) میرزا خواجه بزرگ و جویسین مراد می‌اند  
این بر لایحه‌های شای، خدمت‌های عالی  
ایم و حجاب کل آن کمبود است.

۲- برخی نام مستعارها را خاسته از نقش  
شایدگی و روش‌گویی در علم است.  
بند افکند (به‌عنوان خاندان) عبدالموس  
توفیرت‌خیزی.

۳- برخی نام مستعارها، تبری، دین، سروروس  
میرزا از راس می‌دهد، جویس لاری الو تاسیه خاندان.

۴- برخی نام مستعارها را خاسته از برخورد عشق  
شکران در طبر بردار است که او را با نوال می‌خوانند.

بوجه آنکه گنجش معانی از فکشی از نهادن  
شده‌هاست طبری‌ها را از ناهاری برده سخن  
می‌گویند، با سینه‌هایی قول دروش، سینه‌های  
بهنی از خانه در سعرا از سینه‌ها و زانان کار بر بود.  
۵- برخی نام مستعارها را خاسته از حال و روز و  
فضای خانگی طبر بردار است از ترحمی و جوی همه  
می‌پسند و به غنچه در این ترحمی خود...  
سفر بود و به مستعار من جلفه، سید و رنگ و  
جوی ترحمی و غمناک است... و از ترفند برود  
خوبی، ترحمی جویس از سینه‌ها می‌اند.

و بالاخره نام مستعار ممکن است چهره‌های  
دیگری داشته‌باشد. یا به طبر از نام خود پیوسته  
گرفته شده باشد (کوعالی اعلی‌کنده‌ها از  
تربت افغان خاندان می‌گفته‌اند: «بند» «رهی  
را نجه» که برخی ترحمی می‌آورد و سگرفته از عشق  
«را نجه» دیگران را خود بر آن است، و یا ممکن  
است از نام بردگان گرفته شده‌باشد.

توفیقون آدین توفیق، جعد (ده‌خدا).

سمرح (آمدن گنجش معانی)

## هجو

هجو و هجاء هجاء، هر سه مصدر از هجا هجو



است و به معنی عیب کردن و نسیم کردن (فرهنگ  
لسان العرب).

گفته اند: هجو و هزل یک طنز پیکارجوی است،  
هجاگوی با استفاده از طنز، خشودی مخاطب خود را  
برهم می زند و او را در پیکار بر ضد حماقت رایج در  
جهان با خود همگام می گرداند.

گفته می شود استفاده از هجو در ادبیات فارسی  
از ادبیات عرب مایه گرفته است. ملک الشعرای بهار  
به نقل از «الآغانی»، داستان عبّاد، حاکم سیستان و  
سر هشت هجایی بیزید بن مفرغ را مثال آورده است،  
یعنی اعراب با توجه به فاعله شعر ایرانی عهد سامانی،  
هجای عربی را قدرت بخشیده اند.

«این کار به تقلید از شاعران عرب در شعر  
فارسی راه یافت. چه، گمان نمی رود در ایران پیش از  
اسلام، شاعری از شعر، به منزله سلاحی برای آزریدن  
دشمنان خویش استفاده کرده باشد.»<sup>۲</sup>  
«حتی خاقانی و سنایی نیز از آرایش هجا بر کنار  
نماندند و از آن چه به دلایل مختلف از جمله بدگویی  
یا طلب صلح استفاده کردند.»<sup>۳</sup>

هجو در اصطلاح ادیبان عبارت است از نوعی  
شعر غنایی که بر پایه ی نقد گزنده و دردانگیز، گاهی  
تا سرحد دشنام گویی پیش می رود. مقابل آن مدح  
است و البته می تواند کاربردی فراتر از استعاره  
شخصی داشته باشد.

مردمی که نمی توانند صریحاً انتقاد کنند از راه  
سخنان دوپهلوی و گاهی گزنده انتقادهای خود را اظهار  
می کنند. البته ادبیات مکتوب و غیر مکتوب را می توان  
به دو قسم جد و هزل تقسیم کرد. همه نوشته های  
رزمی، برمی، اخلاقی و عشقی جزو جدیات و مابقی  
همچون مطالبیه، انتقاد و... زیر عنوان هزلیات  
می آید.

هجو در شعر فارسی و عربی به چند معنی آمده است:  
- **شمردن عیب های کسی**، چنانکه فردوسی  
در «شاهنامه» آورده است:

چو شاعر برنجد نگوید هجا  
بماند هجا تا قیامت بجا...  
به دانش نبذ شاه را دستگه  
و گرنه مرا بر نشاندی به گاه...  
اگر شاه را شاه بودی پدر  
به سر بر نهادی مرا تاج زر

زنا یا کز زاده مذارید امید

که زنگی به ششش نگرود سبید

- **نکوهش**، چنانکه انوری می گوید:

اگر عطا ندهندم برآرم از بس مدح

به لفظ هجو دمار از سرچین مسدوح

- **هجو به معنای دشنام گویی و سخن**

**بیهوده** نیز آمده است.

### هجونامه

هجونامه شعر با نثری است که بر پایه ی هجو و  
دشنام کسی باشد. هجونامه ی فردوسی و نظامی  
گنجوی معروف است. هجو در فرهنگ غرب نیز حد  
معینی ندارد یعنی نمی توان آن را به آسانی از هزل و  
انواع سخن تند و خنده انگیز جدا ساخت.

«هراس» را از رومیان و عینذراکانی را از ایران  
می توان جزو افرادی آورد که طبق تعریف غربی ها،  
«هجو» را با خنده بیان کرده اند. آنان مردم را از خود  
نمی رانند بلکه می کوشند آن ها را از بادبانی رها سازند.

### هفته نامه ی بهلول

با درهم شکستن دیکتاتوری محمدعلی شاه  
قاجار، احزاب و گروه های سیاسی علم می شوند و  
هر کدام به فرآخور فعالیت های سیاسی خود  
روزنامه ها، هفته نامه ها و ماهنامه هایی منتشر  
می کنند. متغذها نیز سوار بر موج توفنده ی آزادی،  
روزنامه هایی برای خود دست و پا می کنند... و  
روزنامه جولانگاه افراد قلم به دست می شود و با  
نزدیک شدن به جنگ اول جهانی، چهره بندی ها به  
نفع یا علیه قدرت ها و افراد شدت می گیرد، ریشه های  
روزرویی و رجزخوانی فراهم می شود و دامنه این  
گرایش ها مطبوعات فکاهی را نیز در برمی گیرد.

هفته نامه ی «بهلول» هم که در ۱۸ صفر

۱۳۲۹ ه.ق. و به همت شیخ علی عراقی در تهران  
چاپ می شود در این منازعات شرکت می جوید، بهلول  
با شیوه ی مزاح و شوخی می خواهد با امرا و متکبران  
کنجار برود و از سوی دیگر جراحی باشد که درد آن را  
در محمی ترین زوایای مملکت نشان دهد.  
کاریکاتورهای آبی، فرمز و سبز بهلول و مطالبی  
چون «استخراج از کهنه تقویم بهلول» طنز را در  
مطبوعات ایران رونق بخشید.

این هفته نامه در شماره ۵ و ۶ سیستوسوم، طبع  
توقیف را چشید.

از دیباجه: **شنبه ۱۸ صفر ۱۳۲۰ ه.ق**

سیاس و ستایش خداوندی را جل نشانه که  
عادت را گفت، با گوازی ستم را در قلب شکسته ی  
مظلومان تخفیف دهد و جهل و حماقت را فرمود که  
از احساس تلخی و بدبختی جلوگیری کند... رهی  
کردگار رحیم که قاطعه ناس را زاریانار بنا فرید تا خود را  
از تحصیل بی نیاز دانند و در غم و معرفت بر جهانیان  
سته شود...

استخراج از **کهنه تقویم بهلول**، شماره ۲۳

احوال کواکب در این ماه دلالت دارد بر آویران  
شدن سبل هادر زر گنده، فهر کردن لب های باخسه...  
گرفتاری اهل کورمانشاه به پریشانی و حیرت به واسطه ی  
تنگدستی از سر مابه عبرت، شوع گرفتن باج سیل در  
بعضی ولایات غربی و شمالی، مهارت «محمدعلی» در  
چشم بندی کار گزاران دولت امپراتوری، مجبور شدن  
آن ها از اقرار به کوری، نقیضه بعضی سرداران از شتر لنگ  
در موقع حرکت به میدان جنگ...

معذرت می خواهم. **بهلول**، شماره ۲۴

قریب یک ماه و نیم است که روزنامه بهلول بیرون  
نمی آید. هر کس در این باب حیالی کرده، یکی غرغر  
می کند... یکی رنگه می رند که مردم را به خواندن  
مترجفات عادت دادید، بعد بازش را در آورند. بعضی  
از مترسکس که وجه آینه را برداخته اند می گویند  
مقصود همین بود که سر مردم را شپرد نمائند و بول  
بگیرند بعد روزنامه بدهند... بازی حالا هم هیچ عهد  
نمی کنیم روزنامه را مرتب بدهیم...

پی نوشت

- ۱- محسنی، احمد. ویننامه ی طبر رشد آموزش زبان و  
ادب فارسی، دوره ی هجدهم، شماره ۷۳، بهار ۱۳۸۴.
- ۲- محجوب، محمدجعفر. سبک حرامانی در شعر  
فارسی.
- ۳- کاتب، عزیزالله. چشم انداز تاریخی هجو  
(ریشه های طبر و هجاء در شعر فارسی) ناشر مؤلف  
خرداد ۱۳۶۶.
- ۴- مرقفی، غلامحسین. نخستین کاربرد گسردی  
سیاسی طبر سراسر در مطبوعات ایران. ۱۳۷۲.

## A House For Carpenter

روزی یک نجار پیر تصمیم می‌گیرد بازنشسته شود و خانه‌سازی را رها کند. کارفرما به او می‌گوید: قبل از بازنشستگی فقط یک خانه‌ی دیگر بسازد. نجار با اکراد شروع به ساختن خانه می‌کند و در آن از مواد نامرغوب استفاده می‌کند و چندان دل به کار نمی‌دهد. وقتی ساختن خانه تمام می‌شود، کارفرما کلید خانه را به نجار می‌دهد و می‌گوید: این هدیه را از من قبول کن! در این هنگام نجار به خاطر کم‌کاری و بی‌دقتی خود سوگه می‌شود، اما دیگر فرصتی برای جبران آن ندارد. و در پایان، نویسنده، نتیجه می‌گیرد که: بپایید در طول زندگی، خانه‌ی خود را با دقت بیشتری بنا کنیم!

کلمه‌های دشوار

An elderly carpenter was ready to retire. He told his employer/contractor of his plans to leave the house-building business to live a more leisurely life with his wife and enjoy his extended family. He would miss the paycheck each week, but wanted to retire.

The contractor was sorry to see his good worker go and asked if he could build just one more house as a personal favor. The carpenter said yes, but over time it was easy to see that his heart was not in his work and used inferior materials. It was an unfortunate way to end a dedicated career.

When the carpenter finished his work, his employer came to inspect the house. Then he handed the front-door key to the carpenter and said, "This is your house... my gift to you."

The carpenter was shocked!

What a shame! If he had only known he was building his own house, he would have done it all so differently.

So it is with us. We build our lives every day. Often putting less than our best into the building. Then, with a shock, we realize we have to live in the house we have built. If we could do it over, we would do it much.

But, you cannot go back. You are the carpenter, and every day you hammer a nail or place a board.

- 1- elderly - مسن/پیر
- 2- carpenter - نجار
- 3- retire - بازنشسته شدن
- 4- employer - کارفرما
- 5- contractor - پیمانکار
- 6- house building - خانه‌سازی
- 7- business - حرفه/شغل
- 8- leisurely life - زندگی آسوده
- 9- enjoy - لذت بردن
- 10- extended - گسترده
- 11- extended family - خانواده‌ی بزرگتر
- 12- miss - غمگین شدن
- 13- paycheck - چک بودجه
- 14- sorry - متأسف
- 15- Just one more house - تنها یک خانه‌ی دیگر
- 16- personal favor - شخصی/شخصی
- 17- over time - در طول زمان
- 18- heart - قلب
- 19- inferior - نامرغوب/کم‌ارزش
- 20- materials - مصالح/مواد
- 21- unfortunate - ناخوشایند
- 22- dedicate - وقف کردن
- 23- dedicated career - حرفه‌ای که خود را وقف آن کرده‌بود
- 24- inspect - بررسی
- 25- handed - تحویل کرد
- 26- key - کلید
- 27- gift - هدیه
- 28- shocked - شوکه
- 29- shame - خجالت
- 30- his own house - خانه‌ی خودش
- 31- differently - متفاوت
- 32- putting less - کم‌کاری/کم گذاشتن
- 33- do it over - دوباره انجام دادن
- 34- realize - می‌فهمی







# چند دقیقه هم برای ما



زبان جایی که مجله رشد آموزش راهنمایی تحقیقی برای شما و مجله برای انعکاس تلاش‌ها و نظریات شماست، لذا تقاضا داریم پس از مطالعه‌ی مجله، به سوالات زیر پاسخ دهید:

- ۱- حسرت خوردن  زین  خردک تحصیلی  دستم  فوق دستم  نسانس  فوق نسانس و بالاتر
- ۲- اگر مدرس می‌کنید، نوع مدرسه‌ی  دبیرانه  سرانه  شهری  روستایی
- ۳- سایر عوامل
- ۴- مجله را از چه نوبتی تهیه و مطالعه می‌کنید؟  اسراک فردی  دفتر مدرسه  معرفی همکاران

لطفاً نظراتان در مورد محتوا یا این شماره چیست؟

خیلی خوب	خوب	معمولی	ضعیف	ملاحظات
				۱- یادداشت سردبیر
				۲- ناآرامی
				۳- روح شاد
				۴- داده گفتنی بی‌کتابی است
				۵- سبک و مناسب
				۶- آموزش مهارت‌های عملی برای جمع‌آوری اطلاعات
				۷- جوس‌های جداگانه چیست؟
				۸- هزینه آموز
				۹- و سبک
				۱۰- یک فعالیت برای مدرس «میلوه حکیم»

۶- در کدام یک از موضوعات می‌توانید مجله را یاری کنید؟

۷- جای چه موضوعاتی را در مجله خالی می‌بینید؟

۸- تا چه اندازه رو بگرد جدید مجله را با نیازها و علائق خود مناسب می‌دانید؟

خیلی زیاد  زیاد  متوسط  کمی  خیلی کمی

۹- پیشنهادهایی کاربردی و ابتقادهای خود را برای بهتر شدن مجله بنویسید.

۱۰- شناسی دقیق و شماردهی تفصیل خود را بنویسید تا در فرجه کسی بهترین نظرات شرکت داده شود.

نشانی ما: تهران، صندوق پستی ۱۷۹-۱۶۵۹۵، مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی



# خط در گذر زمان



۱. اولین آثار ترسیمی کشف شده، نقاشی های روی دیوار غارها است که قدمت آن ها به حدود ۱۰۰,۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح باز می گردد.

به عقیده ی باستان شناسان، تاریخ پیدایش خط، به تاریخ آفرینش انسان باز می گردد و بی گمان مهم ترین تجلی خلاقیت انسان در طول تاریخ بوده است، چنانکه در قرآن کریم آمده است. «ن و القلم و ما یسطرون» [سوره ی قلم - آیه ی ۱]. تنوع خط در میان ملل گوناگون، بسیار زیاد است. از این رو فقط به چند نمونه اشاره می کنیم:



۲. انسان برای ثبت احساسات و بیان منظور خود، به مرور از نقاشی که

جنبه ی عینی تری داشت، به سمت انتزاع و نقش های رمزگونه پیش رفت. شاید اولین گام در این جهت پیدایش خط هیروگلیف بود که حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد توسط سومری ها در بین النهرین بوجود آمد و در لغت به معنی «کلام خدایان» است.



۳. نمونه ای از تبدیل خط هیروگلیف به خط میخی در یک دوره ی ۲۲۰۰ ساله.



۴. اگر امروز بخواهیم اسم «علی» را به خط هیروگلیف بنویسیم، چنین خواهد شد:

۵. خط میخی «فارسی کهن» حدود ۲۵۰۰ سال قدمت دارد که نمونه هایی از واژه ها و اعداد در این خط، چنین است.



۶. این اثر باستانی، به استوانه ی کوروش معروف است و در آن چگونگی فتح سرزمین بابل توسط کوروش، پادشاه هخامنشی به خط میخی، ثبت شده است.

۷. نمونه ای از دفتر مشق گلی، به خط میخی. در یک طرف این لوح های گلی، استاد، مطالبی را سرمشق می داده و شاگرد، طرف دیگر آن را همانند استاد تکمیل می کرده است.



آتش آب خاک باد  
火 水 土 風

۸. بقایای خط های باستانی، هنوز هم در برخی زبان ها دیده می شود، بویژه در خط «چینی» که در آن نام چهار عنصر اصلی موجود در طبیعت، چنین نوشته می شود:



«شعر و داستان رشد» شامل مجموعه‌ی برگزیده‌ی آثار ادبی دانش‌آموزی است که آثارشان به «مرکز بررسی آثار» دفتر انتشارات کمک آموزشی رسیده است. دانش‌آموزان علاقه‌مند می‌توانند آثار خود را در انواع قالب‌های ادبی مانند داستان، شعر، خاطره، گزارش، قطعه ادبی، مقاله تحقیقی و... به نشانی دفتر انتشارات کمک آموزشی بفرستند.



مجموعه  
کتاب‌های

شعر و داستان رشد  
زیر نظر دفتر انتشارات  
کمک آموزشی (کتاب رشد)

علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب‌ها را از مراکز توزیع و بازرگانی دفتر انتشارات کمک آموزشی و یا  
در شبکه‌های انتشارات مدارس تهیه نمایند.

تلفن انتشارات مدرسه: ۰۲۱-۸۸۸۰۰۳۲۲-۹

تلفن واحد توزیع و بازرگانی: ۰۲۱-۷۷۲۳۶۶۵۶ و ۷۷۲۳۵۱۱۰

شماره ۱۸۷

شماره ۱۸۷

شماره ۱۸۷

شماره ۱۸۷

شماره ۱۸۷

شماره ۱۸۷

شماره ۱۸۷